مجلهٔ
حقیقت
۳۳
سال ششم - شماره سوم
رجب المرجب
شعبان المعظم
۱۴۴۰
هـ ق
ثور
جوزا
۱۳۹۸
هـ ش
اپریل
مئی
۲۰۱۹
میلادی

* ماه رمضان از نگاه تاریخ اسلام
* طالبان و مسئله حقوق زنان
* مصاحبهٔ اختصاصی مجله حقیقت با محترم ترابی صاحب مسئول کمسیون امور اسراء
* هغه مقاومت چې پرغلګر یې پرکوندو کړل
* صلح و مفهوم واقعی آن

مجلهٔ

حقیقت

سال ششم، شماره سوم

رجب المرجب و شعبان المعظم ۱۴۴۰ هـ ق

ثور و جوزا ۱۳۹۸ هـ ش

اپریل و می ۲۰۱۹ م

فهرست مطالب



صاحب امتیاز:

کمیسیون امور فرهنگی

امارت اسلامی افغانستان

مدیر مسئول:

احمد تنویر * دیزاین: صابر بلوچ

هیئت تحریریه:

منصور تالقانی * موفق افغان

سعید بدخشانی * سید سعید

حبیبی سمنگانی * سمیع الله زرمتی

یادآوری:

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسندگان دست باز دارد.

مطالب نشر شده در «حقیقت» انعکاس دهندهٔ آراء و نظریات نویسنده آن می باشد.

ادارهٔ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را برعهده نمی گیرد.

تماس:

Haqiqat_mag@yahoo.com

کانال تلگرام مجله حقیقت:



T.me/haqiqat_mag

سرمقاله

اهمیت عملیات «الفتح» در سایهٔ مذاکرات

امارت اسلامی افغانستان طبق روال همه ساله، عملیات بهاری سالجاری خود را تحت نام «الفتح» اعلان کرد که با استقبال گستردهٔ عموم مجاهدین خستگی ناپذیر قرار گرفت و مجاهدین با روحیهٔ عالی و مورال بسیار قوی که از روزهای نخست بهار امسال (۱۳۹۸ هـ ش) با فتح و تصرف چندین ولسوالی در نقاط مختلف با خود داشتند گویا در انتظار چنین نام مبارک و مناسب بوده و با آغاز عملیات، مخصوصا در سه روز نخست، با راه اندازی صدها حمله خورد و کلان نظامی بر پیکر فرسودهٔ دشمن اجیر چنان ضربات مهلک وارد کردند که حامیان خارجی رژیم را مثل همیشه شگفت زده کرده و آن ها را بار دگر در سراسیمگی، شکست و سرگردانی قرار دادند.

عملیات «الفتح» از آنجا نسبت به سایرعملیات های گذشته تفاوت دارد که این بار در سایهٔ مذاکرات مستقیم امارت اسلامی با امریکایی ها، این عملیات آغاز شده و در خود پیغام واضح را به اشغالگران خارجی و حامیان داخلی آنها انعکاس می دهد اینکه هیچگاهی نباید اشغالگران، مذاکرات صلح را به طورابزار در ختم جنگ یا کاهش مبارزه مجاهدین استفاده کنند و بدانند بر خلاف مکر و دسیسه های مسبوق به سابقهٔ دشمن خارجی، بزرگان امارت اسلامی هم خوب تجربه و معلومات دارند و هم جنگ و مذاکره را تفکیک کرده می توانند و هیچ گاهی (به اسم مذاکره و گفتگو) روزنهٔ طمع بی جا برای زیاده خواهی های امریکا باز نمی گذارند بلکه امارت اسلامی چون برخواسته از دِل یک مبارزهٔ مقدس در چوکات موازین اسلامی و اصول شرعی است همچنانکه در میدان جنگ شجاع، دلیر و نترس به مصاف دشمن می رود در میدان مذاکره، گفتمان و دیالوگ سیاسی نیز صادقانه عمل کرده و رفتاری پاک، شفاف و کاملا عاری از هرگونه فریب و نیرنگ را در پیش می گیرد.

در واقع امارت اسلامی می خواهد این را (با صدای رسا) به دنیا بگوید که در حل معضلهٔ افغانستان از هرگونه تلاش و تصمیمی که به ختم اشغال و تجاوز امریکا کمک کند فروگذار نیست؛ اما چون جنگ امریکا بر افغانستان و ملت مظلوم آن تحمیل شده در میدان پیکار با طرف امریکایی جانانه و خستگی ناپذیر مبارزه می کند؛ و هر گاهی دشمن مذاکره و گفتگو را برای حل معضلهٔ افغانستان بهانه می آورد امارت اسلامی در آن باب نیز فرزندان رشید و مورد اعتماد خویش را اجازه داده که در مسیر عزت، استقلال و آرمان مقدس شهداء با طرف درگیر گفتگو و مذاکره هم داشته باشند تا دشمنان شان مثل آنچه که رسانه های زرخرید دشمن تبلیغ می کنند بهانه نیاورند که امارت اسلامی فقط زبان جنگ را بلد است و در میدان سیاسی چیزی برای گفتن ندارد بلکه به طرف مقابل و به دنیا ثابت کند که امارت اسلامی همانگونه که شهامتِ مبارزه و جانفشانی در راه آزادی کشور خود را می داند در عین حال هنر مذاکره و دیالوگ سیاسی را نیز خوب بلد است.

امریکا اکنون هیچ راه انتخاب جز قبول خواستهٔ اکثریت قریب به اتفاق ملت افغانستان را ندارد چرا که با باز شدن درب مذاکره خود را با دنیا و ملت افغانستان رو در رو کرده است که اگر واقعا به دنبال خاتمهٔ جنگ و حل بحران افغانستان است پس بهتر آنکه بیشتر بر بیرون رفت از مخمصهٔ افغانستان تمرکز کند نه آنکه هر روز بهانهٔ نو بتراشد چرا که ملت عزیز افغانستان بیش از هر زمان دگر امروز به صداقت و خیرخواهی فرزندان رشید و استقلال طلب و مبارزان راه عزت و آزادی سرزمین خود باور و اعتماد پیدا کرده و امریکا همانطور که به زور بمب و بمباران نتوانست عزم مجاهدین را بشکند و ملت را از آنها دور کند باید به یقین بداند که با گفتگوی غیرصادقانه و توأم با فریب و نیرنگ نیز نمی تواند ملت را از مجاهدین یا مجاهدین را از ملت بگیرد پس بهتر است امریکا حداقل برای نجات خود هم که شده، چاره جویی درست کرده و راه معقول را برگزیند.

****

طالبان و جوان گرایی ...

انجینر عثمان

چند روز قبل یک برنامه تلویزیون را دیدم که در آن نظر محمد مطمئن یک کارشناس سیاسی مسائل افغانستان در برابر خبرنگاران قرار گرفته و یک خبرنگار از وی می پرسد که طالبان آیا جوانگرا هستند؟ یعنی به جوانان نقش می دهند و یا اینکه طالبان چقدر جوان های شان بر سر کار است؟

مطمئن صاحب اول محترم عبدالسلام حنفی را مثال می زد که خبرنگار فوری می پرسد مگر حنفی جوان است یعنی به گمانش حنفی جوان نیست و البته پیر هم نیست سن متوسط است و باز مطمئن صاحب می گوید مثلا محترم امیرخان متقی صاحب، خبرنگار باز می پرسد متقی صاحب جوان است؟ مطمئن می گوید بلی همسن و سال من است و خبرنگار می پرسد که شما حالی چند سال عمر دارید که مطمئن صاحب از معلومات شخصی طفره رفته و توضیحات بیشتر نمی دهد و سپس عمار یاسر را مثال می دهد و ...

از آن شب این موضوع در ذهنم چرخید که راستی آیا طالبان جوان گرایی دارند یا اصلا جوان گرا هستند به جوانان میدان می دهند، در پست های مهم و حساس وظیفه می دهند و آیا به جوانان خود اعتماد می کند، یا مثل بعضی حرکت ها و تنظیم ها فقط به اشخاص مسن و کهن سال و ریش سفید وظیفه های حساس را داده و به جوانان هیچ توجه نمی کنند؟

مگر جواب این سوال بسیار ساده و آسان بود بلکه اتفاقا حرکت طالبان شاید بتوان با جرئت بگوئیم یکی از خصوصیاتش جوان گرایی است، اگر به تاریخچه این حرکت دیده شود در همان آغاز از امیرالمومنین ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله، تا رهبر بعدی شهید امیرالمومنین منصور صاحب، شیخ امیرالمومنین، وزرای کابینه حاکمیت وقت امارت اسلامی همه و همه الا ماشاء الله جوان بودند حتی بعضی ها به سن ۳۰ سال نرسیده که در مقام های بلند وظیفه اجرا می کردند، سفرای شان، هیئت های سیاسی شان، نمایندگان رسمی شان به خارج همه جوان بوده و گویا تشکیل طالبان یک تشکیل کاملا جوانی و از جوانان بوده است.

در وضعیت جدید اگر دیده شود تمام سربازان طالبان و تمام مقامات مهم درجه متوسط آن مثل والی ها و غیره از جوانان است چون جنگ و مبارزه انرژی کافی می خواهد انرژی جوانی که بتواند خوب فکر بکند خوب مبارزه کند خوب عمل کند خوب تحرک داشته باشد وگرنه حرکتی که در جریان آن سربازان جوان نباشد و اکثرا پیر بوده باشند آن مقاومت که جوانان می توانند نظر به شرایط سنی پیرمردان و ریش سفیدان نمی توانند.

لذا ایکاش رسانه ها با چشم بازتر حقایق را دیده و می دیدند و خود را به راه های دگر نمی زدند که مثلا طالبان جوان گرا نیستند بلکه بر واقعیت ها چشم گشوده و همین اکنون اگر خوب دقیق شوند می بینند که طالبان در سنگرها و در میدان سیاست همه شان جوانان است و در سنین ۳۰ الی چهل و پنجاه سال که اوج جوانی است قرار دارند، بر خلاف رژیم کابل که اکثر مردمان صاحب اختیار آن از رئیس جمهور نام نهادشان گرفته تا افسر درجه دار و جنرال های شان همه پیر و مسن اند که اهل تجزیه و تحلیل و کار نیستند، جز سربازان حکومت که آنها هم بیشتر معتاد و مریض روحی و روانی هستند؛ بالعکس طالبان که خوشبختانه همه شان جوانان بوده و جوانان هستند.

پس این تبلیغات تلویزیون ها پوچ و بی اساس است که کوشش دارند به هر نحو ممکن طالبان را تخریب کنند که مثلا چنانند و چنین حالانکه طالبان خوشبختانه در هر میدان کاملا بر عکس گفته های دشمنان خود تظاهر می کنند یعنی چیزی که دشمنان خوش ندارند در طالبان دیده شود در طالبان همان صفات نیکو خیلی خوب تر و زیبا و جالب تر دیده می شود.

اگر اجلاس بین الافغانی دوحه به تاخیر نمی افتاد؟

نویسنده: عبدالرحیم ثاقب
ترجمه: حبیب الله حیدری

در ۱۸ اپریل سال جاری (۲۰۱۹) از طرف مرکز منازعات، و مطالعات بشری در کشور قطر در باره تعویق اجلاس بین الافغانی خبری منتشر گردید.

رئیس مرکز مذکور سلطان برکات در باره تعویق اجلاس در یک اعلامیه چنین نوشت:

«با تأسف فراوان کنفرانس بین الافغانی که از طرف مرکز اختلاف و کمک های بشری قطر در ۲۰ و۲۱ اپریل برگذار میگردید به تعویق افتاد.»

نامبرده در تویت های خود گفت تعویق اجلاس بین الافغانی آجندای وی نه بلکه بر رأس لیست اشتراک کننده گان بود که بالآخره سبب تعویق اجلاس شد.

بعد از این هم طالبان و هم حکومت کابل به نوبه خود خبر تعویق اجلاس را دادند، و هر کدام اینها ملامتی تعویق اجلاس به جانب مقابل خود نسبت دادند.

در تعویق اجلاس مذکور افغانها برای آوردن صلح یک فُرصت دیگر را از دست دادند، که در حقیقت ضائعه بزرگ پنداشته می شود.

ضائعه ای بزرگ برای آنست که ما همه روزه خبر کشته شدن صدها افغان را می شنویم، و آن شانس که سبب از بین این بدبختی می شود آن هم با چنین بی پروایی از دست ما بیرون می شود.

اگر این فُرصت ضائعه نمی شد چه می شد؟

باید گفت قبل از اجلاس دوحه در مسکو اجلاس تفاهم بین الافغانی نشست انجام شد که در آن به شمول طالبان تعداد کثیری از سیاسیون افغان، و چهره های مطرح کشور اشتراک داشتند.

این نشست که به قول اشتراک کننده گان جلسه، در چهار دهه گذشته در بین افغانها گفتگوهای رو در رو سبب امتیاز ویژه جلسه بود، به اشتراک کننده گان جلسه و دیگر افغانها اُمید های زیادی را ببار آورد، که به تعقیب این اجلاس جلسه های دیگر دوام یابد اُمید است که در برچیدن دامنهٔ جنگ از کشور رول مؤثر داشته باشد.

همان بود که از سبب همین مؤثر بودن اش، اشتراک کننده گان اجلاس مسکو با اتفاق در ماه اپریل در دوحه پایتخت قطر بر چنین اجلاس تفاهم کردند.

اما متأسفانه که در باره نشست مسکو و همچنان اجلاس دوحه نیت اشرفغنی با اصل آن خوب نبود.

در باره اجلاس مسکو با آن مؤثریت و اهمیت اش گفت که این اجلاس تنها مفاهمتی است نه تنفیذی و اجرایی .

و در باره اجلاس دوحه گفت اگر این جلسه برگذار می شود بعد از لویه جرگه ای مشورتی که از سوی وی تنظیم می شود برگذار شود.

اما وقتیکه امریکاییها بر حکومت و همچنین فشار سیاسیون افغان بر حکومت غنی از این حرف گذشت بعدا چنان لیستی را تنظیم کرد که تشکیل ذاتی آن به این معنٰی بود که اجلاس را سبوتاژ می کند.

در کنار مذاکرات رسمی طالبان با مقامات آمریکایی، با آنها (طالبان) اجلاس های مفاهمتی، و تبادل نظر، سیاسیون افغان و جریان های سیاسی کشور در ختم جنگ و تحقق صلح زمینه سازی کرده می تواند.

چون از طریق چنین جلسات در بین طرفین درگیر افغان به تفاهم و نزدیکی راه را هموار میکند.

اداره ی کابل از این می ترسد که چرا طالبان با اینها گفتگو نمی کنند، همچنین نشست های غیر رسمی در بین طالبان و حکومت برای مذاکرات احتمالی حیثیت وسیله ی مقدم و مؤثر را دارد، که بالآخره همه افغانها را بعد از ختم اشغال به میز تفاهم بکشاند.

حالا که به نظر تحلیل گران منصف کشور اجلاس دوحه به واسطه کوشش های اشرف غنی سپوتاژ و یا به تعویق افتاد.

در حقیقت با این کار در بین طالبان و حکومت آن احتمال ضعیف گفتگو، و مفاهمه که وجود داشت را از بین برد، که این به هیچ صورت به نفع صلح نیست.

چون هر کس که با هر نیرنگ دفع چنین اجلاس مقدماتی را می کند، و یا هم برای سبوتاژ آن به دنبال فریب کاری است آنها در واقع کسانی اند که نمی خواهد که افغانها بر میز تفاهم یک جا نشسته، و راز دل را به یکدیگر شان گویند.

کوشش این نوع اعمال ضد صلح در حقیقت کوششی است برای به درازا کشانیدن جنگ، که برای بدبختی تباهی و کشته شدن مردم افغانستان دیگر هیچ سودی در پی ندارد.



ماه رمضان از نگاه تاریخ اسلام

ابو زبیر حبیب زاده

ماه رمضان ؛ ماه نزول قرآن، ماه برکات و تجلیات و فصل بهار مؤمنان است. آیات متعدد قرآنی و احادیث زیادی نبوی بیانگر فضیلت و عظمت این ماه رحمت، مغفرت و نجات است. پیامبر اسلام – صلی الله علیه و سلم – فرموده است که اگر امت من اهمیت رمضان را بدانند، آرزو می کند که تمام سال رمضان باشد. از همینست که بعضی بزرگان با دیدن ماهتاب عید، برای رمضان بعدی انتظار می کشیدند. رمضان شبی را به نام «لیلة القدر» با خود دارد که پروردگار جهانیان از هزار ماه بهتر خوانده است. مدحت رمضان را هرگز نمی توان به این چند جمله مختصر نمود. شاعری چه زیبا گفته است :

هذا الذی کانت الایام تنتظر - فلیوف لله اقوام بما نذروا

در سطور ذیل می کوشیم اهمیت، حیثیت و واقعات ماه رمضان را از نگاه تاریخ مشاهده بکنیم. داما‌ن تنگ مقاله ظرفیت این را ندارد که تمام ماجراهای تاریخی ماه رمضان را حتی به گونه اجمالی در خود جا دهد، بناءً مطالب محدود و مختصری را تحت چند عناوین ویژه گردهم آورده ایم.

رمضان ماه نزول قرآن و کتب سماوی :

ماه رمضان تنها ماه نزول قرآن نیست، بلکه در مسند احمد به روایت واثله بن الاسقع – رضی الله عنه - آمده است که صحایف ابراهیم – علیه الصلوة و السلام – به تاریخ اول ماه رمضان، تورات به تاریخ ششم ماه رمضان، زبور به تاریخ دوازدهم و انجیل به تاریخ سیزدهم رمضان نازل شده است. حضرت جبرئیل - علیه السلام - به تاریخ ۲۱ رمضان سال بعثت با اولین وحی نزد سرور کائنات – صلی الله علیه وسلم – در غار حرا تشریف آورد. اولین وحی که بر پیامبر اکرم – صلی الله علیه و سلم – نازل شد، بنا بر روایات معتبر آیات ابتدایی «سوره العلق» و بنا بر بعضی روایات دیگر «سوره فاتحه» بود.

در روایت بخاری شریف آمده است که جبرئیل – علیه السلام – در دو رمضان اخیر زندگی پیامبر اسلام – صلی الله علیه وسلم – قرآن مجید را با ترتیب جدید از آنحضرت - صلی الله علیه وسلم – شنید. آن ترتیب را «ترتیب توقیفی» گفته می شود و ما قرآن را به همان ترتیب می خوانیم.

واقعات تاریخی :

روزه، رکن سوم اسلام است. روزه در ماه شعبان سال دوم هجری بر مسلمان ها فرض شد و مسلمان ها به تاریخ اول رمضان آن سال روزه گرفتند.

به تاریخ ۱۲ رمضان سال اول هجری، رسول الله – صلی الله علیه و سلم – پس از هجرت مدینه، ۴۵ مهاجر و ۴۵ انصاری را برای یکدیگر برادر ساخته و درمیان آن ها

رشته مواخات یعنی برادری قائم نمود. بعضی مؤرخان می نویسند که این واقعه پنج ماه بعد از هجرت در جریان تعمیر مسجد نبوی و بعضی ها می گویند که بعد از تعمیر مسجد نبوی صورت گرفت. مؤرخان در مجموع نام های یکصد و سی نفر را که درمیان شان مواخات صورت گرفته بود محفوظ کرده اند. به این اساس، مواخات درمیان ٦٥ مهاجر و ٦٥ انصاری صورت گرفته است.

به تاریخ ۱۷ رمضان سال ۲ هجری، غزوه بدر درمیان لشکر ۳۱۳ نفری مسلمان ها به سرکردگی پیامبر اسلام – صلی الله علیه و سلم - و لشکر هزار نفری مشرکان قریش به سرکردگی ابوجهل در میدان بدر (در هشتاد کیلومتری مدینه منوره) رخ داد و مسلمان ها درین جنگ پیروز شدند. ۷۰ نفر از مشرکان قریش به شمول ابوجهل کشته و ۷۰ نفر دیگر شان اسیر شدند و تنها ۱۴ تن از اصحاب کرام – رضی الله عنهم اجمعین – به شهادت رسیدند.

به تاریخ ۲۰ رمضان سال ۸ هجری، مکه مکرمه فتح شد.

به تاریخ ۲۵ رمضان ۸ هجری، رسول الله – صلی الله علیه وسلم – پس از فتح مکه، سریه ای را به سرکردگی خالد بن ولید – رضی الله عنه – برای شکستن مجسمه عزی به طائف فرستاد. سریه دسته از لشکر و نیز جنگی را گفته می شود که رسول الله – صلی الله علیه و سلم – دران به نفس نفیس شرکت نکرده باشد، بلکه لشکری را به سرکردگی کسی دیگری فرستاده باشد.

به تاریخ ۲۹ رمضان سال ۱۳ هجری، مسلمان ها به سرکردگی مثنی بن حارثه – رحمه الله – در منطقه بویب (عراق) لشکر ساسانی های فارس را شکست دادند.

به تاریخ ۱۳ رمضان سال ۱۵ هجری، عمر فاروق – رضی الله عنه – بعد از فتح فلسطین از سوی مسلمان ها، به فلسطین رسید و کلید شهر قدس را در تصرف خود درآورد.

به تاریخ ۲۳ رمضان سال ۳۱ هجری، یزدگردِ سوم، سی و چهارمین و آخرین بادشاه ساسانی ها کشته شد و سلطنت ٤۲٦ سالهء ساسانی ها در ایران از بین رفت. سلطنت ساسانی ها به امپراتوری فارس نیز یاد می شود.

به تاریخ ۳ رمضان سال ۳۷ هجری «معاهدهء تحکیم» درمیان علی و معاویه – رضی الله عنهما – در منطقه دومة الجندل صورت گرفت. این تلاشی بود برای صلح در جریان جنگ صفین، اما ناکام شد. دومة الجندل شهر تاریخی است در ایالت الجوف، عربستان سعودی.

به تاریخ ۲۹ رمضان سال ۹۲ هجری، درمیان لشکر مسلمان ها به سرکردگی طارق بن زیاد – رحمه الله – و لشکر گوت ها درگیری صورت گرفت. مسلمان ها درین جنگ پیروز شدند و راه ورود اسلام به هسپانیا هموار شد.

ماه رمضان تنها ماه نزول قرآن نیست، بلکه در مسند احمد به روایت واثله بن الاسقع – رضی الله عنه - آمده است که صحایف ابراهیم – علیه الصلوة و السلام – به تاریخ اول ماه رمضان، تورات به تاریخ ششم ماه رمضان، زبور به تاریخ دوازدهم و انجیل به تاریخ سیزدهم رمضان نازل شده است.

به تاریخ ۲ رمضان سال ۱۳۲ هجری خلافت اموی سقوط کرد و خلافت عباسی آغاز شد. قابل ذکر است که خلافت اموی بعد از خلافت راشده دومین خلافت اسلامی بود و - از ٤۱ هجری تا ۱۳۲ هجری - ۹۱ سال دوام کرد. هرچه خلافت عباسی که سومین خلافت مسلمان ها بود – از ۱۳۲ هجری تا ٦٥٦ هجری – در مجموع ٥۲٤ سال دوام کرد.

به تاریخ ۱٤ رمضان سال ۳٥۹ هجری، سنگ بنیاد جامعه ازهر (مصر) از سوی معز لدین الله، خلیفه چهارم سلطنت فاطمی گذاشته شد و ساختمان مسجد ازهر در ماه رمضان ۳٦۱ هجری تکمیل شد.

به تاریخ ۱٤ رمضان سال ٦۷۰ هجری، امام نووی – رحمه الله – کتاب مشهور خود «ریاض الصالحین» را تکمیل نمود.

مشاهیر مسلمانان که در رمضان به دنیا آمدند :

امام حسن – رضی الله عنه، نواسه رسول الله – صلی الله علیه و سلم - و پسر حضرت علی و حضرت فاطمه – رضی الله عنهما - به تاریخ ۱٥ رمضان سال ۳ هجری به دنیا آمد.

امام ابن زهری – رحمه الله – محدث، فقیه و مؤرخ مشهور به تاریخ ۱۸ رمضان سال ٥۰ هجری در مدینه به دنیا آمد و در رمضان سال ۱۲۳ یا ۱۲٤ هجری در مدینه وفات نمود. او شاگرد انس بن مالک – رضی الله عنه - و استاد عبدالرحمن اوزاعی - رحمه الله - بود.

جعفر صادق – رحمه الله – که از تبع تابعین و ائمه مجتهدین بود به تاریخ ۸ رمضان سال ۸۳ هجری چشم به جهان گشود. فقه جعفریهء اهل تشیع به جعفر صادق

به تاریخ ۲۵ رمضان ۸ هجری، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - پس از فتح مکه، سریه ای را به سرکردگی خالد بن ولید - رضی الله عنه - برای شکستن مجسمه عزی به طائف فرستاد. سریه دسته از لشکر و نیز جنگی را گفته می شود که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - دران به نفس نفیس شرکت نکرده باشد، بلکه لشکری را به سرکردگی کسی دیگری فرستاده باشد.

- رحمه الله - منسوب است و شیعه های اثنا عشریه او را ششمین امام خود می دانند. امام ابوحنیفه و امام مالک - رحمهما الله - از او احادیث روایت کرده اند. مادر او دختر نواسهء ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - بود.

عبدالرحمان الداخل، اولین خلیفه اموی در اندلس به تاریخ ۵ رمضان سال ۱۱۳ هجری در نزدیکی دمشق به دنیا آمد.

احمد بن طولون، والی مصر در دوران خلافت عباسی به تاریخ ۲۳ رمضان ۲۲۰ هجری در بغداد به دنیا آمد. او سپس از خلافت عباسی فاصله گرفته بود و دولت طولونی را در سال ۲۵۴ هجری در مصر و شام پایه گذاری کرد.

امام ابن حزم، محدث، مؤرخ، فقیه، شاعر و فیلسوف مشهور اندلس به تاریخ ۳۰ رمضان سال ۳۸۴ هجری در شهر قرطبه، پایتخت اندلس به دنیا آمد. او از علمای مشهور اهل ظواهر بود و تعداد تصانیف او به چهار صد می رسد. نقاط العروس فی تواریخ الخلفاء و جمهرة انساب العرب از تصانیف مشهور اوست. نیز «المحلی» کتاب بلند پایه او در فقه الحدیث است.

امام فخر الدین رازی - رحمه الله - مفسر، محدث، فقیه، فیلسوف و متکلم مشهور جهان اسلام به تاریخ ۲۵ رمضان سال ۵۴۴ هجری در شهر ری (ایران) به دنیا آمد. تفسیر الکبیر و جامع العلوم از کتاب های عمده اوست. به ویژه تفسیر الکبیر اهمیت ویژه ای در علم الکلام و تفاسیر عقلانی دارد. او شافعی بود و تفسیر خود را زمانی که در یکی از مدارس هرات (افغانستان) تدریس می کرد نوشته است. او در تفسیر الکبیر به شدت بر معتزله، جبریه، قدریه و رافضیه رد کرده است.

ابن خلدون حضرمی، تاریخ نویس و جامعه شناس نامدار جهان اسلام به تاریخ اول رمضان ۷۳۲ هجری در تونس به دنیا آمد. «کتاب العبر، وديوان المبتدأ والخبر في أيام العرب والعجم والبربر، ومن عاصرهم من ذوي السلطان الأكبر» کتاب او در رشته تاریخ است و به تاریخ ابن خلدون شهرت دارد. «مقدمه ابن خلدون» که جزو تاریخ ابن خلدون است کتاب مستقل و نخستین تصنیف منظم علمی در فن تاریخ شمرده می شود و ازین سبب ابن خلدون را بانی فلسفه تاریخ گفته می شود.

قاضی القضاة علامه بدرالدین عینی، مصنف عمدة القاری (شرح صحیح البخاری) به تاریخ ۱۸ رمضان ۷۶۲ هجری در مصر به دنیا آمد. او فقیه مشهور فقه حنفی بود و شرحی به نام البنایه بر هدایه در ٦ جلد، مبانی الاخبار فی شرح معانی الاثار، طبقات الفقهاء، الجوهرة السنیه فی تاریخ الدولة المؤیدیه و ده ها کتاب دیگر نیز نوشته است.

مشاهیر مسلمانان که در رمضان رحلت نمودند :

ام المؤمنین خدیجه - رضی الله عنها - به تاریخ ۱۰ رمضان سال دهم بعثت وفات نمود. تمام اولاد پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - که به سن شعور رسیدند از بطن بی بی خدیجه - رضی الله عنها - بودند.

رقیه - رضی الله عنها - دختر پیامبر - صلی الله علیه و سلم - و زوجهء عثمان غنی - رضی الله عنه - به تاریخ ۱۷ رمضان سال دوم هجری وفات نمود. رقیه - رضی الله عنها - ذات الهجرتین لقب داشت. زیرا او دوبار هجرت نمود، بار اول به حبشه و بار دوم به مدینه.

خالد بن ولید - رضی الله عنه - به تاریخ ۱۸ رمضان سال ۲۱ هجری در حمص (شام) وفات نمود. رسول الله - صلی الله علیه و سلم - او را سیف الله لقب داده بود. خالد بن ولید - رضی الله عنه - در بیشتر استقامت های عرب، عراق، شام و ایران سپاه اسلام را قیادت نمود و در هر معرکه که سهم گرفت پیروز شد. او با وصف اینکه بخش اعظم عمر خود را در میادین جنگ سپری کرده بود در بستر وفات نمود.

حضرت علی - کرم الله وجهه - پسر کاکا و داماد رسول الله - صلی الله علیه و سلم - و خلیفه چهارم مسلمان ها به تاریخ ۱۹ رمضان سال ۴۰ هجری بدست یکتن از خوارج «عبدالرحمن ابن ملجم» در مسجد کوفه در اثنای نماز توسط شمشیر زهرآلود زخمی شد و دو روز بعد به تاریخ ۲۱ رمضان در وقت نماز صبح به شهادت رسید. خوارج کسانی بودند که پس از واقعه تحکیم در جنگ صفین، از

علی - کرم الله وجهه - جدا شدند و به دشمنی صحابه کرام - رضی الله عنهم اجمعین - پرداختند.

فاتح مصر عمرو بن العاص - رضی الله عنه - به تاریخ ۳۰ رمضان سال ۴۴ هجری در مصر وفات نمود.

ام المؤمنین عائشه - رضی الله عنها - به تاریخ ۱۷ رمضان سال ۵۷ یا ۵۸ هجری در مدینه منوره از دنیا رحلت نمود. در علم الحدیث، پس از ابوهریره - رضی الله عنه - بیشترین احادیث از عائشه صدیقه - رضی الله عنها - روایت شده است.

ام المؤمنین عائشه - رضی اللّه عنها - به تاریخ ۱۷ رمضان سال ۵۷ یا ۵۸ هجری در مدینه منوره از دنیا رحلت نمود. در علم الحدیث، پس از ابوهریره - رضی اللّه عنه- بیشترین احادیث از عائشه صدیقه - رضی اللّه عنها - روایت شده است.

تابعی مشهور سعید بن جبیر - رحمه الله - به تاریخ ۱۱ رمضان سال ۹۵ هجری در کوفه وفات نمود. او از ائمه کبار تابعین بود.

امام محمد بن اسماعیل البخاری - رحمه الله - ، مصنف «صحیح البخاری» به تاریخ ۳۰ رمضان ۲۵۶ هجری در سمرقند (ازبکستان) به سن ۶۲ سالگی وفات نمود. کتاب او «الجامع الصحیح» مشهور به صحیح البخاری، به عنوان اصح الکتب بعد کتاب الله یاد می شود. امام بخاری - رحمه الله - برای تدوین و تصنیف این کتاب به کشورهای زیادی سفر کرد و از هشتاد هزار نفر احادیث جمع آوری نمود. او تقریبا ششصد هزار احادیث صحیح و غیر صحیح را متنا و سنداً حفظ نموده بود.

محدث و مفسر مشهور محمد بن ماجه - رحمه الله - به تاریخ ۲۲ رمضان ۲۷۳ هجری در قزوین (ایران) وفات نمود. کتاب او «سنن ابن ماجه» شامل صحاح سته است. او تفسیر قرآن و تاریخ قزوین نیز نوشته بود، اما هر دو کتاب هیچگاه یافته نشد.

بو علی سینا از مفکران، فیلسوفان و طبیبان بزرگ جهان اسلام که به شیخ الرئیس شهرت داشت و بانی طب جدید شمرده می شود به تاریخ اول رمضان ۴۲۸ هجری به سن ۵۸ سالگی در همدان (ایران) چشم از جهان بست. کتاب «القانون فی الطب» و «الشفاء» دو اثر مشهور اوست که شهرت لافانی و جهانی دارد و در دانشگاه های امروزی غرب نیز ازان استفاده می شود. القانون فی الطب بعد از انجیل دومین کتابی است که در اروپا به چاپ رسید و از مهم ترین آثار اطبای جهان قدیم است.

امام ابو الفرج ابن جوزی، مفسر، محدث و مؤرخ مشهور به تاریخ ۱۲ رمضان سال ۵۹۷ هجری در بغداد وفات نمود. او فقیه حنبلی مذهب بود و بیش از دو و نیم صد کتاب نوشته بود. زادالمسیر فی علم التفسیر، تلبیس ابلیس، سیرت و مناقب عمر بن العزیز، کتاب الاذکیاء و هادی الارواح الی بلاد الافراح چندی از تصانیف اوست.

قطب الدین شیرازی، از علمای ممتاز و نامدار علوم حکمت و فلسفه، ریاضی، طبی و نجوم به تاریخ ۲۴ رمضان ۷۱۰ هجری در تبریز (ایران) وفات نمود. او شاگرد خواجه نصیر الدین طوسی بود و کتاب قانون ابن سینا را شرح و تحریر اقلیدوسِ خواجه نصیر الدین طوسی را ترجمه کرده بود. نیز کتابی به نام «نهایة الادراک فی درایة الافلاک» در علم نجوم نوشته شد.

ابن خلدون که مشخصات اجمالی او قبلا بیان شد به تاریخ ۲۸ رمضان ۸۰۸ هجری در قاهره (مصر امروزی) وفات نمود.

میرزا الغ بیگ، نواسه امیر تیمور لنگ به تاریخ ۹ رمضان المبارک ۸۵۳ هجری کشته شد. او ماهر فلکیات و ریاضی دان بود و رصد خانه بزرگی در سمرقند ساخته بود. تحقیقات او در مورد بعضی سیاره های نظام شمسی تفاوت چندانی با تحقیقات امروزی ندارد.

عبدالمجید ثانی (۳۷مین و آخرین خلیفه خلافت عثمانی) به تاریخ ۴ رمضان سال ۱۳۶۳ هجری، در دوران تبعید در پاریس (فرانسه) وفات نمود. خلافت عثمانی آخرین خلافت مسلمان ها در روی زمین بود که بیش از هفت قرن - از ۶۹۸ هجری تا ۱۳۴۱ هجری - دوام کرد. این خلافت که شاهد عروج و زوال طولانی مدت بود، ساحه حاکمیت آن در دوران عروج مناطق زیادی از قاره های آسیا، اروپا و افریقا را احاطه کرده بود. گفته می شود که چهل کشور فعلی جهان یکزمان بخشهای از خلافت عثمانی بودند.




و آن لذت های جهاد!

فاروق غوری

وقتی نام جهاد گرفته می شود و یا سخنی از آن در میان می آید، آماده بودن در مقابل دشمن، جنگ، بیخوابی، گرسنگی، تشنگی، محرومیت، غربت، سردی و چیزهای ازین قبیل در اذهان می آید و افکار را به سوی وادی های پرخم و پیچی که در وراء آن زندگی را به مشکل میتوان یافت، می برد. این همه، ولی چیزی دیگری که کمتر قلم ها برای نوشتنش به حرکت آمده اند و نویسندگان از آن یاد میکنند زیبایی ها و لذت های جهاد است.

وقتی از خوبی ها و زیبایی ها جهاد میگوییم اذهان به طرف احادیثی میرود که رسول الله - صلی الله علیه وسلم- در فضیلت سنگر و اجر و ثواب مجاهدینی میگوید که در خطوط اولیه جنگ و سنگرهای دفاع از اسلام و مقدسات نشسته اند و با صبر و مصابره به قیمت خون خویش از اسلام و ارزشهایش دفاع میکنند؛ و منجمله این حدیث رسول الله -صلی الله علیه وسلم- که سهل بن سعد رضی الله عنه آنرا از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت میکند که ایشان فرمودند:« رباطُ يَوْمٍ في سَبيلِ اللَّه خَيْرٌ منَ الدُّنْيا وما عَلَيْها، ومَوْضِعُ سَوْطِ أَحَدِكُمْ منَ الجنَّةَ خَيرٌ من الدُّنْيا وما عَلَيْها، والرَّوْحَةُ يرُوحُها العَبْدُ في سَبيلِ اللَّه تَعالى ، أَو الغَدْوَة، خَيْرٌ منَ الدُّنْيَا وَما عَلَيْهَا » .[متفقٌ عليه] ترجمه:(یک روز در راه الله پایداری و ایستادگی کردن در برابر دشمن دین از دنیا و آنچه در آن است، بهتر می باشد و جای تازیانهء یکی از شما از بهشت از دنیا و آنچه در آن است، بهتر می باشد، و اول شب یا اول صبحی که بنده در راه الله می رود، از دنیا و آنچه در آن است، بهتر می باشد). به راستی که جهاد با وجودیکه مشکلات و سختی ها ملزومهٔ آن است دارای اجر و پاداش بی حد زیاد و فراوان است و علاوتا به کسانیکه به این شعیره مقدس با صدق و اخلاص چنگ زده اند عزت و سرافرازی دنیا و آخرت می بخشد.

اما درینجا به فضائل معنوی جهاد نمی پردازیم بلکه یکی دیگر از زیبای های جهاد را ذکر میکنم، زیبایی که در خور توجه و تأمل و بی نهایت زیبا است، و آن سکون، طمانینت و شیرینی است که در جهاد شامل حال مجاهد میگردد. روزگاری در یک سفر جهادی با چند رفیق شفیق به ولایت غور رفتیم؛ غور با کوه های سر به فلک کشیده، دره های پر خم و پیچ، مناطق سرسبز و دامنه های وسیع خود زیباست و علی الخصوص فصل بهار که طبیعیت فرش زمردین می گسترد، گلها شگوفه می زنند و مرغکان با مستی تمام به نغمه سرایی می پردازند، راهگذر و سیاح را شیفتهٔ خود می سازد؛ این همه، و مزیتی دیگرش داشتن هزاران مجاهد است؛ مجاهدینی که چون خورشید می درخشند، چون ابر سایه می دهند، چون نسیم صبح عطر افشانی می کنند و چون شیرهای ژیان علیه دشمنان دین و اشغالگران وحشی و غلامان حلقه به گوش شان حمله می کنند.

ما مدتی را در یکی از قریه های ولسوالی شهرک گذراندیم که آنرا «دهان انجه» خوانند، این قریه در وسط دو کوه قرار دارد که از وسط این دو کوه و از وسط این قریه دریای "فرارود" می گذرد. ما دقیقا هفت روز را در آن قریهٔ زیبا گذراندیم، هفت روزی که دیگر تا امروز هرگز تکرار نشد، حتی یک روز آن دوباره تا هنوز تکرار نشده است، روزهای که گویا ما در بهشت قرار داشتیم، و چنان در آرامش به سر می بردیم که وصف آنرا نمیتوانم کرد.

روزگاری در یك سفر جهادی با چند رفیق شفیق به ولایت غور رفتیم؛ غور با کوه های سر به فلك کشیده، دره های پر خم و پیچ، مناطق سرسبز و دامنه های وسیع خود زیباست و علی الخصوص فصل بهار که طبیعت فرش زمردین می گسترد، گلها شگوفه می زنند و مرغکان با مستی تمام به نغمه سرایی می پردازند. راهگذر و سیاح را شیفته خود می سازد؛ این همه، و مزیتی دیگرش داشتن هزاران مجاهد است؛ مجاهدینی که چون خورشید می درخشند، چون ابر سایه می دهند، چون نسیم صبح عطر افشانی می کنند و چون شیرهای ژیان علیه دشمنان دین و اشغالگران وحشی و غلامان حلقه به گوش شان حمله می کنند.

بعضی وقت ها با خود نشسته و به فکر «دهان انجه»، زیبایی های طبیعت و نیکی های قابل حساب مردمش میروم وسپس به آرامش و لذتی که من در آن قرار داشتم فکر میکنم، با خود می گویم که اگر دشمنان اسلام و دشمنان مجاهدین از آرامش درونی، خاطر آسوده و لذتی که ما در آن قرار داشتیم آگاه می شدند، حتماً به خاطر گرفتن آن از ما- اگر امکان میداشت- با قافلۀ بزرگ رهسپار آنجا می شدند؛ ولی دشمنان ما، طوریکه ضرب المثل مشهور است: المرء یقیس علی نفسه. دشمنان خود را هم با خود قیاس میکنند و فکر میکنند که اضطرابات درونی و تشویش های ذهنی ما هم شاید دامنگیر آنها باشد.

باری در یکی از معسکرات امارت اسلامی بودم و مدتی بیشتر از یک ماه را در آنجا گذرانیدم، اکنون نمیدانم که به کدام وسیله راحت و سکونی را که در آنجا عائد حالم بود دو باره، حتی اگر به خاطر یک ساعت هم اگر باشد، به دست بیاورم.

وقتی بعض دوستانی از جهاد دور مانده اند و از مجاهدین کناره گرفته اند، تماس می گیرند و با جدیت هرچه بیشتر تشویقم می کنند که چرا فلان و فلان جای وظیفه نمی گیری، چرا کار نمیکنی، چرا پول بدست نمی آوری. من با تجاهل استفسار میکنم که چطور و چگونه؟ بعدا پاسخ این گونه می آید: وظیفه بگیر، کار کن، پول به دست آور، خانه بساز و و و ...تا راحت زندگی کنی. یعنی منتهای تلاشهای دنیوی که روزها و چه بسا که سالهای زیادی را باید با مشقت بگذرانی، پیش چندین مدیر، رئیس، حاجب و ... عذر و معذرت کنی و صدها سوگند حق و نا حق را در جریان کار بخوری، تا - یا میشود و یا نمیشود- راحت زندگی کنی. راحتی که تا کنون هیچ یکی از صاحبان دنیا به آن دست نیافته اند، بلکه بر عکس هر قدر پول و سرمایۀ سرمایه داران بیشتر می گردد نا راحتی، تشویش و اضطراب آنها زیادتر میشود و چه بسا که عدۀ آنها به خاطر استراحت و خواب خویش ادویه آرامبخش و خواب آور میخورند؛ و خیلی اندک اند آنانیکه عثمان وار بزیند و ثروت و داری شان بلای جان شان نگردد و «... وقلیلا من عبادی الشکور».

جهاد بلندترین قلۀ اسلام، مصدر عزت مسلمانها و دروازۀ بزرگی از دروازه های بهشت است، وبا سختی ها و تکالیف عجین شده است و راهش مفروش با خار ها است، کسیکه می خواهد به این دروازۀ بزرگ در آید باید کمر همت بندد و عزم خویش را جزم نماید و همچنین از الله عزوجل کمک و استمداد طلب کند تا بر این مسیر ثابت و پایدار بماند. اما با وجود این همه دشواری ها الله عزوجل به زبان رسولش برای مجاهد نوید دیگری میدهد و آن این است؛ طبرانی از عباده بن صامت رضی الله عنه روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَإِنَّهُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يُذْهِبُ اللَّهُ بِهِ الْهَمَّ وَالْغَمَّ». ترجمه: در راه الله عزوجل جهاد کنید، زیرا جهاد دروازۀ است که الله عزوجل به وسیلۀ آن هم و غم را از بین میبرد.

به راستی و طوریکه بارها تجربه شده است مجاهد مخلص در مسیر جهادی خویش هم و غم را نمی شناسد، تفکرات پوچ شیطانی ذهنش را مغشوش نمی سازد، حسرت های دنیایی به سراغش نمی آید و آرزوهای طویل و عریضی که خیلی ها را به وادی های هلاکت رسانید، به ذهن وی خطور نمی کند و ابراهیم وار در قعر آتش در راحت و سکون و آرامش تمام زندگی به سر می برد.

الهی ما را از مجاهدین مخلص بگردان و از آن لذت های جهاد ما را بهره مند ساز! آمین



هفت و هشت ثور؛ حقائق و واقعیت ها

حبیبی سمنگانی

هفت و هشت ثور دو روز فراموش ناشدنی در تاریخ معاصر افغانستان است. ۷ ثور به عنوان سالروز کودتای کمونیستی و ۸ ثور به عنوان سالروز پیروزی مجاهدین، پرسش های زیادی را دوباره داغ می سازد. آگاهان و تحلیلگران اثرات و پیامدهای «انقلاب ثور» و «پیروزی مجاهدین» را بررسی می کنند و اوضاع سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی دهه های اخیر کشور و منطقه را منصفانه و یا خصمانه تحلیل می کنند. هفت و هشت ثورِ امسال، چهل و یکمین سالگرد کودتای کمونیستی و بست و هفتمین سالگرد پیروزی مجاهدین افغانستان بود.

کودتای خونین هفت ثور توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب چپ گرا و مارکسیستی) در برابر دولت سردار محمد داود خان در سال ۱۳۵۷ موفقانه انجام شد. کمونیست ها زمام کشور را به سرکردگی نور محمد تره کی و پشتیبانی شوروی آن زمان بدست گرفتند و سه روز بعد نام رسمی کشور را از جمهوری افغانستان به جمهوری دموکراتیک افغانستان تغییر دادند (گویا کمونیست ها نیز همچون غربی های امروزی نظام خود را دموکراتیک خواندند).

کمونیست های افغانستان پیش از کودتای هفت ثور یکپارچگی خود را از دست داده، و چند پارچه شده بودند. به ویژه نور محمد تره کی و ببرک کارمل با همه تلاش های شوروی پیشین، با یکدیگر دست و گریبان بودند. پس ازینکه آن ها قدرت افغانستان را بدست گرفتند، از یکسو اختلافات داخلی شان به اوج رسید و از سوی دیگر مردم مسلمان افغانستان در برابر رژیم اسلام و مسلمان ستیزانهٔ آن ها دست به قیام و مبارزه زدند (مثلا ؛ قیام بست و چهار حوت در هرات که منجر به شهادت هزاران نفر شد) ، نیز بیش از نصفی از ارتش ۸۰ هزار نفری کشور از خدمت در زیر چتر نظام کمونیستی انکار نمودند.

قابل ذکر است که نور محمد تره کی از نگاه مذهب دهری بود و بر خدا و هیچ مذهبی باور نداشت. او یک سلسله اقداماتی را به عنوان اصلاحات ترقی خواهانه به راه انداخته بود که اغلب آن، نه تنها ربطی با جامعه افغانی نداشت بلکه در تضاد با مقررات و رهنمودهای اسلامی بود. رژیم تره کی مخالفان سیاسی و قشر مذهبی را یکسره و بدون محاکمه

می کوبید. رژیم مستبد تره کی خود را ضد فیودال ها و مخالف فیودالیسم می خواند، اما دهقان های مظلوم نیز از سفاکیت و بی رحمی آن در امن نبودند، چنانچه قتل عام های دره صوف (سمنگان) و بامیان شاهد این واقعیت است.

رژیم کمونیستی نور محمد تره کی از همان ابتدا پی برده بود که بدون حضور مستقیم نیروهای شوروی در افغانستان نمی تواند دوام بیاورد و از سوی دیگر اتحاد شوروی که پشتیبان این رژیم پوشالی بود از روی سیاست توسعه طلبانه خود می خواست خاک افغانستان و سپس پاکستان را مسخر ساخته به اقیانوس هند برسد. از همین بود که در هفتمین ماه حاکمیت کمونیست ها – قوس ۱۳۵۷ – دسامبر ۱۹۷۸ – طی پیمان مخفی میان رژیم کمونیستی افغانستان و اتحاد شوروی توافق صورت گرفت که نیروهای شوروی می تواند برای حمایت از نظام پوشالی کمونیست ها داخل خاک افغانستان شود. اسنادی وجود دارد که رژیم کمونیستی به اساس این توافق، مکررا خواهان مداخله نظامی اتحاد شوروی در افغانستان شد.

همان بود که لشکر چهلم ارتش سرخ شوروی که بخشی از لشکرهای زرهی قشون شوروی بود و در جنگ جهانی دوم نیز نقش مهم داشت به تاریخ ٦ جدی ۱۳۵۸ بر افغانستان هجوم آورد و جنگ ۹ ساله شوروی در افغانستان آغاز شد. قابل ذکر است که نور محمد تره کی در ماه سنبله ۱۳۵۸ – یعنی چهار ماه پیش از هجوم قشون شوروی - از سوی حفیظ الله امین به قتل رسید و گویا و پیمانی را که با اتحاد شوروی بسته بود، نتوانست او را نجات دهد (فاعتبروا یا اولی الابصار) . حفیظ الله امین نیز از چهره های دیرینه و شناخته شده کمونیست های حزب خلق افغانستان بود . او پس از قتل نور محمد تره کی، تنها صد روز به حیث «رئیس جمهور کشور» دوام کرد. در همان روزیکه لشکر شوروی ها وارد افغانستان شدند او کشته شد و ببرک کارمل بر اریکه قدرت نشست. مهم اینست که این چهره های مهم کمونیستی یکی پس از دیگر از سوی خودشان و به همکاری کا جی بی (یا ک گ ب، شبکه استخباراتی اتحاد جماهیر شوروی پیشین) کشته شدند، که این خود متقاضی بحث جداگانه ایست که اینجا دامنهء کوتاه مقاله اجازه نمی دهد (البته ؛ بعضی کمونیست ها، حفیظ الله امین را پس از

کودتای خونین هفت ثور توسط حزب دموکراتیك خلق افغانستان (حزب چپ گرا و مارکسیستی) در برابر دولت سردار محمد داود خان در سال ۱۳۵۷موفقانه انجام شد. کمونیست ها زمام کشور را به سرکردگی نور محمد تره کی و پشتیبانی شوروی آن زمان بدست گرفتند و سه روز بعد نام رسمی کشور را از جمهوری افغانستان به جمهوری دموکراتیك افغانستان تغییر دادند (گویا کمونیست ها نیز همچون غربی های امروزی نظام خود را دموکراتیك خواندند).

قتل نور محمد تره کی، جاسوس امریکا و سی آی ای می خواندند).

بدون تردد، جنگ شوروی در افغانستان و بالاخره شکست و عقب نشینی قشون شوروی، وضعیت منطقه و جهان را به شدت متاثر بلکه دگرگون ساخت. جنگ افغانستان عامل فروپاشی جهان کمونیسم، اتحاد جماهیر شوروی و بلاک شرق شد. جنگ سرد که بعد از پایان جنگ جهانی دوم، میان بلاک غرب به سرکردگی امریکا و بلاک شرق به سرکردگی اتحاد جماهیر شوروی آغاز شده بود و تا پنج دهه دوام کرد، با فروپاشی بلاک شرق پایان یافت. جهانِ دو قطبی به تک قطبی تبدیل شد و نقشه جهان تغییر خورد. شکی نیست که بیش ترین سود شکست شوروی در افغانستان را امریکا و جهان غرب بردند. از همینست که بسیاری ها نقش افغان ها در جنگ شوروی را زیر سوال می برند و می گویند از افغان ها به حیث ابزار جنگی کار گرفته شد. اما این نقد پردازان و معترضان شاید تاریخ، تشخص و هویت دینی و ملی افغان ها را نادیده می گیرند. آزادگی و استقلال از عناصر بنیادی تشخص و هویت افغان ها است. دور نمی رویم، به تاریخ معاصر افغانستان نگاه می کنیم، زمانی مشهور بود که در «خورشید هیچگاه در قلمرو انگلیس ها غروب نمی کند» و این واقعیت هم بود. زیرا یک ربع جمعیت جهان در بریتانیای کبیر زندگی می کردند، آن امپراتوری بود که ۳۳ ملیون مربع کیلومتر مساحت داشت و پهناوری آن تا پنج قارهء آباد جهان رسیده بود. اما افغان ها آن بزرگ ترین امپراتوری تاریخ جهان را که بعدا به ٥١ کشور مستقل تقسیم شد شکست دادند، شکست انگلیس‌ها در

بدون تردد، جنگ شوروی در افغانستان و بالاخره شکست و عقب نشینی قشون شوروی، وضعیت منطقه و جهان را به شدت متاثر بلکه دگرگون ساخت. جنگ افغانستان عامل فروپاشی جهان کمونیسم، اتحاد جماهیر شوروی و بلاك شرق شد.

۸ ثور، روز پر افتخار برای مردم ستم دیده و رنج کشیده افغانستان است. اما این هم واقعیت تلخی است که قربانی ها، فداکاری ها و تکالیف ملیون ها افغان ها شکار هوس قدرت خواهی چند تن رهبران و فرماندهان تنظیم های جهادی شد و آرمان والای افغان ها که همانا حاکمیت نظام اسلامی و آمدن صلح و آرامش در کشور بود به ثمر نرسید.

افغانستان از عوامل عمده فروپاشی آن امپراتوری بزرگ یاد می شود. بلی، افغان ها اگر به این فکر می کردند که آیا ما نیرو و توانایی مادی مقاومت در برابر انگلیس ها را داریم و آیا عواقب و پیامدهای جنگ با انگلیس ها چه خواهد بود و ثمرهء این جنگ به کِی ها می رسد، پس هرگز صدای آزادی خواهی را بلند نمی کردند.

بلی، این موضوع دیگری است که در نتیجهء جهاد و مقاومت افغان ها در برابر شوروی، کشورهای مسلمان نشین تاجکستان، ازبکستان، قزاقستان و......... استقلال خود را دوباره بدست آوردند و بسیاریِ کشورهای همسایه، منطقه و جهان از ترس غلبهء کمونیسم نجات یافتند و منافع گوناگونی را بدست آوردند. هر چه اینکه افغان ها آزادگی و اسلام خواهی خود را با قربانی های فراوان و زحمات بیکران ثابت نمودند، واقعیت دیگری است که نمی توان نادیده گرفت.

آنانی که مقاومت افغان ها به سرکردگی امارت اسلامی در برابر امریکا و ناتو را با نگاه حق بین و عادلانه مشاهده کرده اند، بهتر می توانند این واقعیت را درک بکنند که افغان ها چرا در برابر شوروی آن زمان قیام نمودند. بلی، روزی که افغان ها در برابر استکبار غربی امروزی به مبارزه آغاز کردند، در سراسر جهان کشوری نبود که در برابر فرامین و قوانین زورگویانه و مستبدانه امریکا حد اقل چون و چرای می کرد، همه بر مقاومت چند نفر انگشت شمار افغان که به نام طالبان یاد می شدند تمسخر می کردند.

آن تمسخر آن ها چندان بی جا هم نبود، زیرا نیرو و امکانات هر دو طرف اصلا قابل مقایسه نبود. کجا امریکای که ادعای تک قطبی بودن جهان را داشت و کجا طالب جان که جایی برای شب سپری کردن و نانی برای خوردن نداشت. اما امروز که افغان ها آن ابر قدرت جهان را شکست داده اند، همان نقد پرداران و معترضان می گویند که افغان ها ازین جنگ چه فایده دیدند، فایده این جنگ را فلان و فلان بردند و...،

در حالیکه جهان بپذیرد یا نپذیرد مرهون احسان همین افغان های حقیر و فقیری هستند که زبان های بسته شدهء شان را جرات گفتار بخشیدند و آن کشورهای بلی گوی، دوباره صاحب موقف، سیاست و جایگاه شدند.

۸ ثور، روز پر افتخار برای مردم ستم دیده و رنج کشیده افغانستان است. اما این هم واقعیت تلخی است که قربانی ها، فداکاری ها و تکالیف ملیون ها افغان ها شکار هوس قدرت خواهی چند تن رهبران و فرماندهان تنظیم های جهادی شد و آرمان والای افغان ها که همانا حاکمیت نظام اسلامی و آمدن صلح و آرامش در کشور بود به ثمر نرسید. افغان ها بیش از پیش رنج و زحمت دیدند و آوارگی و خسته حالی شان فزون تر شد.

اما این بار افغان ها باور دارند که طالبان با پایان دادن اشغال، بار دیگر نظام مقدس اسلامی را به ارمغان می آورند، ثبات و آرامش را در سراسر کشور حاکم می سازند و اسباب رفاه و خوشحالیِ هموطنان آزرده و شکسته خود را فراهم می کنند.

به امید دمیدن آن صبح مسرور و پر نور. و ما ذالک علی الله بعزیز.






مصاحبهٔ اختصاصی مجلهٔ حقیقت با

محترم ملا نورالدین ترابی صاحب

مسئول کمسیون امور تنظیم و رهایی زندانیان

ترتیب: ابو حفص هروی
ترجمه: برادر محترم حبیب زاده

(اشاره: از آنجائیکه در سالهای اخیر ظلم رژیم کابل و حامیان بین المللی آن در مورد اسراء و زندانیان مجاهدین به اوج خود رسیده و هر چند وقت یکبار موضوع بندی ها در رسانه ها بسیار خبرساز می شود و به خاطر آنکه بهتر از مشکلات و امور زندانیان معلومات به دست بیاوریم ادارهٔ مجلهٔ حقیقت بر آن شد تا با محترم ترابی صاحب مسئول کمسیون امور بندی ها، از نزدیک مصاحبهٔ را به شرح زیر ترتیب دهد و تقدیم خوانندگان عزیز خود کند. تا باشد راجع به این قشر مظلوم (مجاهدین زندانی) بهتر معلومات حاصل گردد.)

ادارهٔ مجله:

محترم ترابی صاحب اگر در ابتداء کمی در مورد تشکیلات کمسیون اسراء وضاحت داده و به خوانندگان عزیز ما معلومات بدهید؟

ترابی صاحب:

در پاسخ به پرسش اول شما باید بگویم که کمیسیون امور اسرا یک مقام ریاست عمومی و دو معاون - یکی در زون شرق و دیگری در زون غرب - دارد. همچنان در کنار بخش های اداری و مالی ؛ ساختار های ارتباطات، ریاست های ولایتی، صحی، تعلیم و تربیه نیز دارد. چنانکه از نامش نیز هویدا است که کمیسیون امور اسرا تلاش می کند از همه مشکلات برادران زندانی خود آگاه باشد و برای حل آن تلاش بکند، این کمیسیون با استفاده از امکانات که در اختیار دارد و با داشتن روابط مستقیم و غیر مستقیم با سازمان های مختلف، نهادها و شخصیت های ملی و اهل خیر برای حل مشکلات زندانیان کوشش و رسیدگی می کند.

ادارهٔ مجله:

ترابی صاحب محترم اگر در مورد ثبت و سجل زندانیان مجاهدین معلومات بدهید که برای آن، چه مکانیزم و اصول در نظر گرفته می شود و بر چه اساس زندانیان مجاهد را تشخیص کرده و رسیدگی به امور آنها به چه ترتیب است؟

ترابی صاحب:

اداره ثبت و سجل زندانیان نیز در چوکات کمیسیون ما فعال است و به شکل دوامدار کار می کند. ما برای پیشبرد خوب و سریع کارها، وقتا فوقتا پلان های منظم می سنجیم و میکانیزم خوب کاری داریم. از

روی شرایط کمیسیون برای زندانیان هر ولایت مسئول ولایتی تعیین شده است و مسئول ولایتی به اساس معیارهای وضع شده، لیست های زندانیان را جمع آوری نموده، پس از تشخیص و تائید ثبت می کند.

اداره مجله:

ترابی صاحب بارها از بدرفتاری رژیم کابل با زندانیان سیاسی مخصوصا با مجاهدین اسیر شنیده و دیده می شود به نظر شما چرا رژیم کابل تا این حد با زندانیان سیاسی بدرفتاری می کند و آیا در این باره از راه های قانونی مثل شکایت به کنوانسیون جهانی حقوق زندانیان ترتیب شده و احیانا جواب آنها چه بوده است؟

ترابی صاحب:

اشغالگران غربی و مزدوران داخلی شان مظالم و وحشت های را در برابر زندانیان انجام دادند که از یادآوری آن مظالم بشریت شرمنده می شود.

درین دوره شوم اشغال، زندانیان به انواع گوناگون شکنجه شدند. سازمان ها و نهادهای جهانی بشری درین مورد بررسی های کرده اند و راپورهای مستند را به نشر رسانیده اند.

ما با استفاده از چنین فرصت ها بر سازمان های جهانی حقوق بشر، صلیب سرخ و نهادهای دیگر صدای خود را بلند کرده ایم.

بسیار با تاسف باید واضح بسازیم که در راستای جلوگیری ازین مظالم بسیار ناوقت اقدام صورت گرفته و کارهای اندکی انجام یافته است. اما ما مساعی خود را با جدیت ادامه می دهیم.

اداره مجله:

کمسیون اسراء برای مجاهدین اسیر در داخل زندان ها کدام پروگرام ها روی دست دارد اگر در این باره معلومات خود را با ما شریک بسازید؟

ترابی صاحب:

متاسفانه، ما به زندان ها چندان دسترسی نداریم.

اداره مجله:

با زندانیان مریض یا مجروح از طرف کمسیون اسراء چه خدمات انجام می شود و مراحل درمانی آنها چگونه طی می شوند؟

ترابی صاحب:

علاوه بر نقض ارزش های بشری و اسلامی؛ بر اثر بی توجهی دشمن مشترک به وضعیت صحی زندانیان بیمار، حالت های بسیار دردناک رخ می دهد. زندانیان بیمار یقینا با فاجعه بزرگ بشری دست و گریبان اند.

دشمن نه خودش توجه لازم به تداوی زندانیان می کند و نه هم اجازه تداوی شخصی می دهد. ما همواره از چنین برخورد ضد بشری دشمن پرده برداشته ایم و برای بیرون رفت و نجات از چنین وضعیت ناگوار، بر نهادهای صحی و ادارات جهانی حقوقی صدا کرده ایم. یکبار دیگر از آن ها می خواهیم که با زندانیان مظلوم همکاری بکنند.

اداره مجله:

بعضی زندانیان هستند که مدت حبس شان پوره شده است یا در احکام شان از سوی قاضیان رژیم کابل ظلم شده مدت حبس طولانی می دهند و یا بسیاری بی گناه در زندان ها افتاده است کمسیون اسراء برای رفع این مشکلات کدام اقدامات را انجام داده است؟

ترابی صاحب:

اداره مزدور کابل و باداران غربی شان بیشتر افغان های بی گناه را سال ها بدون تثبیت جرم و بدون حکم قاضیان فاسد و رشوت خور در زندان ها نگهداری کرده اند و یا پس از تکمیل مدت حبس نیز در زندان ها نگه می دارند.

ما درین مورد تلاش های زیادی انجام داده ایم، این مشکل را با سازمان های جهانی حقوق بشر شریک کرده ایم و از طریق شما یکبار دیگر بر مدعیان جهانی حقوق بشر صدا می کنیم که مسئولیت خود را درین بخش ایفا بکنید و برای جلوگیری از مظالم تلاش بکنید.

اداره مجله:

ترابی صاحب محترم بارها از اوضاع و محل بود و باش زندانیان به دست رژیم کابل شکایت شده است و در مواردی از شکنجه ها گفته اند و یا اینکه بیش از گنجایش و ظرفیت محابس در آنها، زندانیان جای داده

شده در مورد مسایل فوق تحقیقات شما چی است و برای رفع آن مشکلات چه اقدامات از سوی اداره شما انجام شده یا می شود؟

ترابی صاحب:

متاسفانه، مقامات ظالم رژیم کابل هیچگونه سهولت های اساسی زندگی را در داخل زندان ها مهیا نکرده اند، محل نگهداری زندانیان به سبب کثرت زندانیان بسیار تنگ است، آن ها هیچگونه احساس مکلفیت برای آماده سازی شرایط زندگی در زندان ها ندارند. زندان پلچرخی ظرفیت نگهداری چهار الی پنج هزار زندانی را دارد، اما اکنون رژیم کابل حدود دوازده هزار نفر را در آن انداخته اند.

ادارۀ مجله:

ترابی صاحب محترم این یک مصاحبۀ اختصاصی «مجله حقیقت» با شماست به نظر شما نقش مطبوعات و رسانه ها در رساندن و انعکاس صدای زندانیان چقدر موثر است و توصیه شما به ما چیست؟

ترابی صاحب:

یقینا ؛ مطبوعات و رسانه های بی طرف می توانند مظالم و وحشت ها را بازتاب بدهند، مردم را هوشیار و بیدار بسازند، برای جهانیان از وحشت جاری در برابر زندانیان پرده بردارند، صدا زندانیان را برسانند، تا سازمان های بشری ایشان را همکاری بکنند، نقش رسانه ها در جهان امروزی بسیار مهم و بارز است.

ادارۀ مجله:

ترابی صاحب محترم در آخر اگر کدام گفتنی یا پیام برای زندانیان داشته باشید و اینکه تقاضای شما از جامعه جهانی و نهادهای مربوطه در امور زندانیان چی است و پیغام شما به ملت مسلمان چیست؟

ترابی صاحب:

توصیه من برای زندانیان اینست که از این مرحله آزمون خداوندی به شکل بسیار خوب استفاده بکنید. در صورت امکان، به آموزش توجه جدی و حتمی بکنید و زندان را مانند مدرسه و پوهنتون بدانید، تا از یکسو شما را در سپری نمودن مدت حبس همکاری بکند و از سوی دیگر در آینده به حیث شخصیت های قابل و سالم به خدمت جامعه بروید.

به جامعه جهانی پیشنهاد می کنیم که بر ادارۀ فاسد کابل فشار بیاورد، تا به حقوق مسلّم زندانیان ارج بگذارد، به صحت زندانیان توجه لازم بکند و زمینه های آموزش را نیز برای شان فراهم بسازد.

ادارۀ مجله:

در اخیر از شما تشکر می کنیم که وقت خود را در اختیار مجله ما گذاشتید؟

ترابی صاحب:

در پایان، از شما هم سپاسگذار هستیم که فرصت گفتگو در مورد چنین موضوع مهم و حساس را مساعد نمودید.

امیدواریم که این صدای ما از طریق شما به جهانیان بر سد .

پایان.





صلح را دوست داریم اما.....

موفق افغان

ما خواهان صلح و آرامی هستیم. امارت اسلامی یگانه و اولین جهتی است که دشمنان اشغالگر را به مذاکرات و گفتگو دعوت کرد و خواست معضله افغانستان از این طریق حل و فصل گردد و موضوع به جنگ و کشتار کشانیده نشود. آن زمان دشمن متکبر به این دعوت امارت اسلامی ارزشی قایل نشد و گمان کرد که می تواند مجاهدینی را که بجز خداوند احدی در عقب ندارند در چند روز محدود از بین ببرد و حکومت دست نشاندهء خودرا در این کشور جابجا سازد. امارت اسلامی نه تنها دشمن اشغالگر بلکه بارها دشمنان اجیر و خود فروخته را نیز دعوت کرد که مشکلات کشور را از راه گفتگو و دیالوگ حل کنند و آنان نباید در صف کفار و اشغالگران علیه فرزندان راستین ملت قرار گیرند اما جواب همیشه همین بود که طالب دیگر جای پا در کشور ندارد و به زودترین فرصت از بین برده خواهد شد. دشمنان داخلی و خارجی به زور متوسل شدند و خواستند ارادهء متین و ایمان مستحکم مجاهدین ما را با تکنالوژی معاصر و عساکر بیشمار و از کشورهای مختلف با شکست مواجه کنند مگر بعد از تقریبا دو دهه همه درک کردند که اشتباه بزرگی را مرتکب شدند و این اشتباه که اکنون جبران نا پذیر شده است برعلاوه اینکه باعث تباهی کشور شد جان های دهها هزار جنگجو و ملکی را گرفت. در این جنگ ملیاردها دالر به مصرف رسید و بالاخره کشور های حمایت کننده و کمک کننده از ادامه آن عاجز ماندند و اکنون در صدد پیدا کردن راه فرار هستند.

اکنون که دشمن به شکست مواجه شده است و تمامی راهها، چال ها، نیرنگ ها وفریب های آن ناکاره ثابت شد، در مقابل همان طالبی زانو زد که روزگاری آنرا حریف ندانسته و آماده مذاکرات و گفتگوها با آن نبود. طالب که امروز به فضل خداوند متعال در تمامی میدان های سیاسی، فرهنگی و نظامی دست بالا دارد به دور از تکبر و غرور فتح و پیروزی این زانو زدن دشمن را به جبین باز پذیرفت و به همین جهت چندین دور مذاکرات را با نمایندگان آن

انجام داد. دشمن گمان می کرد که طالب که اکنون هژده سال در مقابل بیشتر از 50 کشور که از حمایت دهها هزار داخلی وطن فروش برخوردار اند جنگیده است شاید از جهاد و مبارزه در مقابل اشغالگران خسته شده باشد و در این مذاکرات و گفتگوها مجبور به تنازل از بعضی از اساسات خود خواهد گردید. دشمن کور خوانده بود و فراموش کرده بود که بر اساس رسم زندگی و قانون جنگ، کسی که در جنگ دست بالا داشته باشد شروط خودرا می پذیراند و هرگز ممکن نیست با وی از روی تعادل برابری تعامل کرد و یا وی را وادار به نازل در اساسات دینی اش کرد. علاوه بر این، دشمن از این حقیقت غافل شده بود که داعیهء طالب جنگ بخاطر قدرت، کرسی و حکومت نبوده است تا خسته شده و به چند وزارت، ریاست و ولایت تن دهد و در این راستا به فارموله چیزی بده و چیزی بگیر عمل کند. داعیهء طالب جهاد در مقابل اشغالگر و اعادهء یک نظام واقعا اسلامی در کشور بوده است که اندک ترین تنازل باعث خواهد شد تا پایه های این داعیه متزلزل شود و قربانی های هژده ساله به هدر برود. بنابرین مذاکرات و گفتگوها به درازا کشید و دشمن اشغالگر متوجه شد که معامله کردن با طالب امر بسا دشواری است و نباید آنرا ساده و آسان شمرد.

از سوی دیگر، امارت اسلامی افغانستان شدیدا خواهان صلح در کشور، خاتمه جنگ، کشتار و تباهی در کشور است اما این شدت رغبت و خواهش هرگز باعث تنازل در اساسات داعیهء جهاد هژده ساله، تقدیم دهها هزار شهید و زخمی شده نمی تواند. امارت اسلامی می داند که این همه مشکلات و مصیبت ها از اشغال سرچشمه گرفته است و خاتمهء آن نیز با خاتمه اشغال گره خورده است. اگر واقعا کسی خواهان راه حل و فصل این معضله است اولتر از همه باید پای اشغال را قطع کند سپس درباره موارد دیگر باندیشد.

اگرچه دشمن اکنون نیز در تلاش است تا در میان ملت و مجاهدین امارت اسلامی فاصله ایجاد کند و تبلیغات زهراگین انجام دهد مگر در جریان سالهای گذشته برای ملت ثابت شده است که امارت اسلامی معتقد به عمل است و هرگز نمی خواهد که عمل آن در مغایرت و مخالفت با سخنان آن قرار داشته باشد. امارت اسلامی هرگز دعوای میان تهی و دور از حقیقت نکرده است و تنها آنچه را بیان کرده است و به آنچه برای ملت وعده سپرده است که توان

اکنون که دشمن به شکست مواجه شده است و تمامی راهها، چال ها، نیرنگ ها وفریب های آن ناکاره ثابت شد، در مقابل همان طالبی زانو زد که روزگاری آنرا حریف ندانسته و آماده مذاکرات و گفتگوها با آن نبود. طالب که امروز به فضل خداوند متعال در تمامی میدان های سیاسی، فرهنگی و نظامی دست بالا دارد به دور از تکبر و غرور فتح و پیروزی این زانو زدن دشمن را به جبین باز پذیرفت و به همین جهت چندین دور مذاکرات را با نمایندگان آن انجام داد.

انجام عملی آنرا دارد. موضوع صلح و گفتگوهای کنونی نیز که یکی از آرمان های ملت ما است شامل همین قاعدهء کلي می گردد و امارت اسلامی نمی خواهد که مذاکرات، گفتگوها و نتایج آن نمایشی و بی ثمر باشد. امروزه کسانی وجود دارند که بنام صلح به ادارهء اجیر کابل پیوستند و زندگی مرفه و آرام در کابل را یگانه دست آورد جنگ چندین سالهء خود می دانند و به آن راضی و خشنود هم هستند، اما امارت اسلامی برعکس چنین صلح نامنهادی را هرگز نمی پذیرد که ملت از نتیجه و ثمرهء آن مستفید نگردد بلکه تنها رهبران امارت اسلامی و فرزندان شان بتوانند با استفاده از آن صلح زندگی آرام و آسوده داشته باشند. ملت مجاهد افغانستان در دشوارترین حالات از رهبریت امارت اسلامی و مواقف جهادی آن حمایت کردند، در این راستا قربانی مالی و جانی فراوانی را تقدیم کردند، خانه و کاشانهء خودرا از دست دادند، دهها هزار شهید تقدیم کردند، متحمل صدها هزار یتیم و بیوه در نتیجهء این حمایت و پشتیبانی جهاد شدند، و اینهمه را تنها و تنها بخاطر خشنودی الله متعال، اخراج اشغالگر و برپایی نظام الهی در کشور انجام دادند پس ممکن نیست این قربانی ها و جان فشانی ها با موارد نا چیزی تبادله گردد و نام آن صلح گذاشته شود.

خروج اشغالگران و برپایی نظام اسلامی داعیهء جهاد امارت اسلامی و شروط تغییر ناپذیر امارت اسلامی است و هرگز ممکن نیست که بزرگان امارت اسلامی بر

دشمن اکنون نیز در تلاش است تا در میان ملت و مجاهدین امارت اسلامی فاصله ایجاد کند و تبلیغات زهراگین انجام دهد مگر در جریان سالهای گذشته برای ملت ثابت شده است که امارت اسلامی معتقد به عمل است و هرگز نمی خواهد که عمل آن در مغایرت و مخالفت با سخنان آن قرار داشته باشد.

ملت مسلمان ما می دانند که بدست آوردن این دو آرمان بزرگ (خروج اشغالگر و قیام حکومت اسلامی) چنانچه قربانی های زیادی را گرفت کار ساده و آسان هم نیست که در یک یا دو نشست حاصل شود و جهت بدست آوردن آن باید در پهلوی توکل به الله تعالی و دعای پیروزی، استفاده از حکمت و سیاست اسلامی، صبر و استقامت نیز نشان داد.

این موضوعات حساس و مهم معامله کنند. از همین رو امارت اسلامی بارها اعلان کرده است که تا درباره خروج نهایی اشغالگران از کشور اتفاق صورت نگیرد، نمایندگان امارت اسلامی حاضر نیستند موضوعات دیگری را شامل اجندای مذاکرات با جهت امریکایی نمایند. علاوه بر این امارت اسلامی هرگز اجازه نمی دهد که جهت امریکایی در موضوعات داخلی کشور صحبت کند و یا این چنین موضوعات را در مذاکرات بگنجاند زیرا آنچه مربوط به امریکایی ها می شود موضوع خروج نیروها و ضمانت عدم استفاده خاک افغانستان علیه امنیت جهان در آینده می باشد و موضوعات دیگر از قبیل تعامل با اداره‌ء کنونی، تشکیل حکومت و تفاصیل آن مربوط می شود به ملت افغان که آنها خود بدون مداخله‌ء خارجی تصمیم آنرا اتخاذ خواهند نمود.

ملت مسلمان ما می دانند که بدست آوردن این دو آرمان بزرگ (خروج اشغالگر و قیام حکومت اسلامی) چنانچه قربانی های زیادی را گرفت کار ساده و آسان هم نیست که در یک یا دو نشست حاصل شود و جهت بدست آوردن آن باید در پهلوی توکل به الله تعالی و دعای پیروزی، استفاده از حکمت و سیاست اسلامی، صبر و استقامت نیز نشان داد. این مسائل بزرگ و پیچیده که جان صدها هزار را گرفته است نمی تواند در یک شبانه روز حل و فصل گردد بلکه برعکس نیازمند وقت بیشتر و تعمق در ابعاد مختلف آن است. امارت اسلامی هرگز نمیخواهد در این امر مهم و حیاتی ملت و کشور از عجله کار گیرد. چنانچه امارت اسلامی بارها ملت را اطمئنان داده است که ان شاء الله هرگز فیصله یی نمی کند که باعث ذلت و رسوایی ملت مجاهد ما گردد و خون های رزمندگان ما به هدر برود. پس ملت قهرمان باید بدانند که امارت اسلامی خواهان صلح و آرامی است، صلحی که واقعا باعث خروج نیروهای اشغالگر، برپایی نظام اسلامی و تأمین امنیت می گردد و هرگز به راهها و حل هایی فریبکارانه که واقعا منجر به این دست آوردها نگردد تن نمی دهد. شعار امارت اسلامی از آغاز مذاکرات خیلی واضح و آشکار است و بر هیچ کس پوشیده نیست که امارت اسلامی صلح واقعی می خواهد اما نه به قیمت ارزش های دینی و ملی کشور، و نه به قیمت هدر رفتن خون های مجاهدین. چنانچه این صلح نمی تواند به قیمت اشک های یتیم ها و مادران شهداء بدست بیاید بلکه آنچه باعث خشنودی خداوند متعال و آرامی ملت مسلمان و رنجدیده ما می گردد سرفهرست مطالبات امارت اسلامی قرار دارد که ان شاء الله در غیاب آن هرگز تعاملی با دشمن صورت نخواهد گرفت.



طالبان و مسئله حقوق زنان

حکمت الله حکمت

یکی از مسائل مهم و مورد مناقشه در خصوص حرکت اسلامی طالبان و حکومتشان یعنی امارت اسلامی افغانستان حضور و نقش زنان در این حرکت و نگرش آن به زنان و حقوق آنان می باشد. فی الواقع این مسئله یکی از مهمترین و بزرگترین بهانه ها و اهرم های دشمنان و بدخواهان حرکت اسلامی طالبان و مخالفین دولت امارت اسلامی است که با چشم پوشی از واقعیت ها، با پروپاگندا و تحریف به گمراه سازی افکار عامه پرداخته و می پردازند.

امارت اسلامی بارها در پیامها و بیانیه ها و مقررات رسمی موقف خود را در مورد حقوق زنان به وضوح بیان داشته است. غیر از این، عملکرد امارت اسلامی وقتی که عنان حکومت را در کشور عزیز به دست داشت و بعد از آن در مناطق تحت نفوذ و سیطره بیرق مبارک امارت اسلامی، گواه این مدعاست که نگاه امارت اسلامی به زن و حقوقش همان نگاه متعادل و عادلانه اسلام و شریعت غرای محمدی صلی الله علیه و سلم است. امارت اسلامی ضمن آنکه خود را مبرا از سیاستهای نادرست نمی داند، همواره کوشیده که آحاد جامعه نقشی فعال و دلسوزانه در ساختن و خدمت به کشور خود داشته باشند. اینکه چنین خدماتی از چشم بدخواهان و حتی خیرخواهان پوشیده مانده، دلایلی دیگر دارد؛ از جمله فرصت کم حکومت، نبود تجربیات کافی و وافی سابق، فقدان وسایل و امکانات لازم برای اطلاع رسانی، سیاست منافقانه و مزورانه رسانه های مدعی بی طرفی، برجسته کردن ضعفها و ساختن کوه از کاه توسط دشمنان ملت غیور افغان و... را می‌توان به عنوان دلایل مهم نگاه منفی جوامع مختلف نسبت به طالبان و دیدگاهشان درخصوص زنان ذکر نمود.

یکی از اعتراضات که در دهه هفتاد بر طالبان زیاد می شد و شاید بسیاری از خوانندگان ما به یاد نیاورند، جلوگیری از تعلیم و تربیت زنان و دختران در مکاتب بود. درحالیکه همان معترضان در آن دوران زنان و دختران به جای خود که مردان را به راحت و آرام نمی گذاشتند و با دسیسه های گوناگون درصدد ناامن کردن مناطق تحت تسلط امارت اسلامی بودند. مع ذلک، شاید بزرگترین دستاورد امارت اسلامی هدیه دادن امنیت و عزت به مردم عزیز، از جمله زنان و دختران، بود که حتی دشمنان هم چاره ای جز اعتراف بدان نداشتند. اما وضعیت جنگی و فضای درگیری بین طالبان و جنگ سالاران قلدر و گردن کش فرصت مناسبی فراهم نکرد تا دختران و خواهران ما هم بتوانند در مکاتب به صورت رسمی به تعلیم و تعلم بپردازند. هرچند در همان

دینی اسلام همخوانی دارند. مثلا نوع لباس و پوشش اصیلِ زنان افغان (نه وارداتی از کشورهای بیگانه) در بیرون نشان دهنده حساسیت زیاد جامعه افغانستان به حجاب است. با این حال زنان محجبه در دیگر کشورها مثل پاکستان، عربستان و... پوشش مختلفی دارند. همه این حجابها اسلامی هستند، اما هرکدام خاصه منطقه خود است و باید به همه احترام گذاشت و نمی توان گفت پوشش و حجاب فلان کشور فقط اسلامی است و لاغیر.

امارت اسلامی بارها در پیامها و بیانیه ها و مقررات رسمی موقف خود را در مورد حقوق زنان به وضوح بیان داشته است. غیر از این، عملکرد امارت اسلامی وقتی که عنان حکومت را در کشور عزیز به دست داشت و بعد از آن در مناطق تحت نفوذ و سیطره بیرق مبارک امارت اسلامی، گواه این مدعاست که نگاه امارت اسلامی به زن و حقوقش همان نگاه متعادل و عادلانه اسلام و شریعت غرای محمدی صلی الله علیه و سلم است.

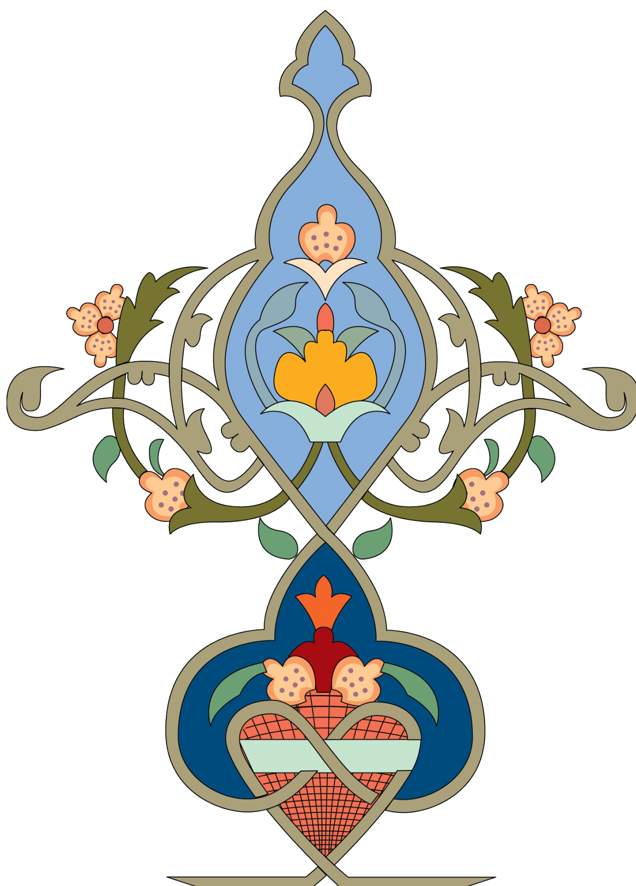
دلسوزان و تصمیم گیران امارت اسلامی ضمن پرهیز از دیکته های خارجی و آداب و رسوم غربی، خاصتا در مورد زنان، به غایت و شدت به عنعنات و فرهنگ بومی احترام می گذارند و الحمدلله این فرهنگ و آداب و رسوم با تعلیمات دینی اسلام همخوانی دارند.

زمان هم امارت اسلامی در حد ضرورت از زنان کار می گرفت و اینگونه نبود که حضور آنها در ادارات و شفاخانه ها و... کلا ممنوع باشد. اکنون در مناطق آزادشده از سیطره اجیران آمریکایی وضعیت بسیار بهتر است و مکاتب ذکور و اناث فعال هستند.

البته یک امر مهم که نباید از دید مردم افغانستان و خیرخواهان امارت اسلامی مخفی بماند این است که جهان غرب به چیزی کمتر از تحمیل فرهنگ و عنعنات و آداب و رسوم خودش راضی نخواهد بود. مدعیان حمایت از حقوق بشر و آزادی انسانها تا زمانی حامی حقوق بشر و آزادی او هستند که بشر وفق میل آنها رفتار کند و بیاندیشد. در غیر این صورت هیچ حقی ندارد؛ اگر زن باشد پس آن را به خیمه ای متحرک تشبیه می کنند و اگر مرد باشد به دقیانوسیت و تحجر متهم می شود. یک مسلمان افغان نباید فریب چنین دروغ گویانی را بخورد که در کشورهای خود به مسلمانان آزادی مذهبی نمی دهند و یکی بعد از دیگری قوانینی را مصوب می کنند که پوشیدن برقعه و حجاب کامل را برای زنان مسلمان ممنوع و جرم قرار می دهند.

دلسوزان و تصمیم گیران امارت اسلامی ضمن پرهیز از دیکته های خارجی و آداب و رسوم غربی، خاصتا در مورد زنان، به غایت و شدت به عنعنات و فرهنگ بومی احترام می گذارند و الحمدلله این فرهنگ و آداب و رسوم با تعلیمات

خداوند به همه ما توفیق دهد با تعقل و درایت دسیسه های دشمنان را خنثی نموده و از فرهنگ و آداب و رسوم خوب خود حفاظت کنیم.





صلح ومفهوم واقعی آن

سادات چرخی

دراین روز ها واژه های صلح ومصالحه چنان بر سر زبان ها حک شده وهمه رسانه ها بالخصوص درسوشل میدیا پیرامون صلح ومصالحه طوری فعال گشتند که گویا درواقعیت دنبال همین گوهر گم شده (صلح) می گردند و مخلصانه آنر را جستجو می کنند حتی مطبوعات جهانی نیز به این صدا ساز و سامان می دهند.

آشکارا است که امریکایی ها، جمع ائتلاف غربی ودست نشانده گان اداره شان در کابل، طی ۱۸ سال گذشته برای تحقق اهداف شوم شان در کشور از اعمال هرنوع فشارنظامی، وحشت، بربریت ودسیسه ها استفاده کردند ومظالم گوناگون را علیه ملت مظلوم ما روا داشتند، اما ملت غیور افغانستان زیر پرچم امارت اسلامی بسیج شده و مردانه وار علیه اشغالگران جنگیدند وزور شان را مهار کردند، حالا اشغالگران ومزدوران شان ناگزیر راه صلح ومذاکره را پیش گرفتند تا اهدافی را که به وسیله زور نتوانستند بدست آورند از این راه بدست بیاورند.

و دراین هم تردیدی وجود ندارد که جنگ جاری در کشور جنگ میان کفر واسلام و یا جنگ آزادی در برابر اشغال است و اداره دست نشانده کابل برای تحقق اهداف همین اشغالگران گماشته شده و دراین راستا فعالیت مینماید.

ظاهرا کلمه صلح و مصالحه برای همه خوش آیند است وقرآن کریم صلح را مطلقا خیر نیز گفته است اما مردم هنوز نمی دانند که اشغالگران ومزدوران شان با این واژه های مقدس دنبال چه هستند؟ و از صلح چه مفهوم و برداشتی دارند؟ ومطلب شان از صلح چیست؟

قراریکه تا کنون دیده شده همه پروسه های صلح ومصالحه هفده ساله اداره کابل، جز فریب، جعل و تذویر چیزی دیگر نبوده و پروسهٔ قلابی شورای صلح و برنامه های فریبنده آنان شاهد این مدعی است و همواره دشمنان اسلام که در میادین جهاد ومبارزه شکست

آشکارا است که این هژده سال جنگ و قربانی ملت، برای نابودی اشغال واهداف شوم آنان بوده واکنون که همه از صلح و مصالحه سخن میگویند دراین صورت خطوط سرخی در کار نیست و نباید از ارمغان اشغال سخن گفت و یا از آن حمایت کرد. بگذارید که صلح به مفهوم اصلی اش دراین کشور عرض وجود کند و در این هنگام ممکن است که اسباب صلح نیز به وجود بیایند .

خورده اند، تلاش کرده اند اهداف شان را از راه گفتگو ومصالحه دنبال نمایند چنانچه امریکایی ها واداره دست نشانده شان در پروسه صلح که تا هنوز ادامه داده اند جز دام بازی ومارگیری دیگر هیچ نوع صدق و اخلاص نداشته اند و یا با استفاده از این پروسه نام نهاد صلح، کاری کرده اند که تطبیق آن بالای این ملت غیور از راه زور ممکن نبوده است ومتأسفانه بر همچو پروسه های دروغین شان پروسه صلح ومصالحه ملی نیز نام گذاشته اند.

از همه بیشتر تعجب آور اینست که ملت قهرمان افغانستان زیرقیادت امارت اسلامی این هژده سال است که در برابر اشغالگران و نظام پوشالی دموکراسی کابل می جنگند و دراین راستا قربانی های فراوان جانی ومالی را متحمل شدند تا اینکه متجاوزین ومزدوران شان را درمیدان کار زار به شکست ونابودی روبرو کردند و اشغالگران متکبر امریکایی مجبور شدند عوض جنگ، راه گفتگو را برگزینند اما مزدوران داخلی شان که هنوز نفهمیده اند که توانایی باداران شان در میدان کار زار ذوب شده، به بسیار وقحات و بی شرمی از یک طرف سخن از صلح و مصالحه می زنند و ازسوی دیگر برای ایجاد صلح خطوط سرخ تعین می نمایند و می گویند دراین صلح باید دست آورد های هژده ساله (ارمغان اشغالگران) تضمین شود!؟

خیلی خنده آور اینست که دست نشانده گان این اداره، نه تنها خود اراده ندارند و دارای کدام هدف، برنامه وانگیزه نیستند بلکه آنان صرف عاشقان دالر و اقتدار به ویژه سفرهای خارجی هستند، همه تصرفات شان کودکانه و عجولانه است حتی ظرفیت این را هم ندارند تا از یک روندی مدیریت کنند و جار و جنجال های دوماهه آنان بر سر انتخاب چند تن ازاشتراک کننده گان کنفرانس قطر، از هیچکس پوشیده نیست که بلآخره این کشمکش ها منتج به تهیه یک لیست نا مطلوب عریض وطویل گردید که نه تنها ازطرف مجریان کنفرانس دوحه وکشور میزبان رد شد بلکه مورد تمسخر طالبان، فعالان سیاسی ومطبوعات نیز قرارگرفت با وجود این همه بی کفایتی این رژیم که هر افغان از عمل کرد آن احساس خجالت میکند، از یک نظام، مالکیت صلح وحکومتداری سخن میگویند!؟

اقلا اینها از خود نمی پرسند که خطوط سرخ یا حفظ ارمغان امریکایی ها را که اینها مطالبه دارند وهمه راه های صلح را که به وسیله خطوط سرخ مسدود ساخته اند، صلح چگونه و از کدام راه و منفذ خواهد آمد؟ و این هژده سال جنگ های خانمان سوز از برای چه بود؟ آشکارا است که این هژده سال جنگ و قربانی ملت، برای نابودی اشغال واهداف شوم آنان بوده واکنون که همه از صلح و مصالحه سخن میگویند دراین صورت خطوط سرخی در کار نیست و نباید از ارمغان اشغال سخن گفت و یا از آن حمایت کرد، بگذارید که صلح به مفهوم اصلی اش دراین کشور عرض وجود کند و در این هنگام ممکن است که اسباب صلح نیز به وجود بیایند .

واقعا صلح وثمرات صلح که شریعت اسلام برآن هدایت می دهد ثمر بخش، مفید و همه خیر درآن نهفته می باشد.

اگر به مرجع اصلی یعنی آیات های قرآنی رجوع کنیم درمی یابیم که صلح چه وقت می تواند تحقق یابد.

«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال:-۶۲ ۶۱)

ترجمه: اگر دشمنان تمایل به صلح داشتند تو هم به صلح رغبت نشان بده، و بر خدا توکل کن؛ یقیناً خداوند شنوا و داناست.

و اگر بخواهند [با اظهار تمایل به صلح] تو را بفریبند، بی تردید خداوند تو را بس است، اوست که تو را با یاری اش و به وسیلهٔ مؤمنان نیرومند ساخت.

مفسرین کرام زیر کلیمه "للسلم" می نویسند که سلم یا صلح برای خود اسبابی دارد که بدون تحقق آن اسباب صلح به وجود نمی آید.

«إما بالدخول في الإسلام، وإما بإعطاء الجزية، وإما بموادعة، ونحو ذلك من أسباب السلم والصلح فاجنح لها» تفسیر طبری.

اگر کفار میل داشتند با پذیرفتن اسلام یا جزیه و یا متارکه ویا قبول کدام خواسته مسلمانان، صلح کنند شما هم به صلح رغبت نشان دهید.

پذیرفتن اسلام یا دادن جزیه و یا متارکه این همه اسباب صلح شمرده می شود با این معنی که درآمدن صلح مطلقا خیر اسلام ومسلمانان تضمین گردد و قوانین اسلام کاملا پذیرفته شود وهیچ شرطی نمی تواند مانع قوانین شرعی باشد که درحقیقت قوانین شرعی خط سرخ برای مسلمانان شمرده می شود واین هژده سال جنگ و قربانی برای همین هدف علیا که اعاده نظام اسلامی است به راه انداخته شده است.

اما متأسفانه شماری از وابسته گان اداره کابل که خود را ظاهرا مسلمان هم می دانند برای آمدن صلح خطوط سرخ گذاشته اند وعمدا می خواهند پروسه آغاز یافته صلح را سبوتاژ نمایند مثلا میگویند [حفظ نظام جاری و دست آورد های هژده ساله خطوط سرخ ماست] که چنین خطوط سرخ برملا مخالفت با صلح است چنانچه بار ها ثابت هم شده که اداره کابل به آوردن صلح دراین کشور هرگز صادق نبوده است طوریکه از تهیه لیست عریض و نامطلوب شان که برای یک نشست مختصر، آن هم در یک کشور خلیجی، ثابت گردید که اداره کابل در پی سبوتاژ پروسه صلح واقعی درکشور است.

معلومدار است که صلح وقتی دراین دیار خواهد آمد که اسباب صلح به وجود بیایند یعنی همه آن چیز ها منتفی شود که ملت قهرمان افغانستان برخلاف آن جنگیدند و قربانی دادند.

اگر حفظ نظام جاری خطوط سرخ است پس این جنگ هژده ساله برای کدام هدف بود؟ اگر ارمغان های امریکایی ها خطوط سرخ است پس همین جنگ ها، این همه ویرانی ها، این همه قربانی های ملت، مهاجرت ها وزندان ها از برای چه بود؟

معلومدار است که صلح وقتی دراین دیار خواهد آمد که اسباب صلح به وجود بیایند یعنی همه آن چیز ها منتفی شود که ملت قهرمان افغانستان برخلاف آن جنگیدند و قربانی دادند.

اگر واقعا امریکایی ها و اداره دست نشانده آنان صلح میخواهند پس خطوط سرخی در کار نیست یگانه خطوط سرخ برای همه ملت مسلمان افغانستان، قوانین شرعی و نظام خالص اسلامی است و بس.





وشهد شاهد من أهلها

حبیب مجاهد

په افغانستان کې د جګړې د ملکي زیانونو مسئله په یوه داسې حساسه عاطفي موضوع بدله شوې چې تقریبا د بلې هرې موضوع په نسبت یې رواني اغیز او تولنیز غبرګون او انګازه درنه وي. کله چې دهیواد په کومه سیمه کې ملکي وګړو ته زیان واوړي، په هغه ورځ په سوشل میډیا، رسنیو او حتی عامه مجالسو کې د ویر خبرې ګرمې وي او د جنایت عاملین له هرې خوا په سختۍ سره محکومیږي.

زموږ اولس چې ځلوېښت کلنو جګړو ځپلی اوس یې رواني حالت ډیر نازک دی او په خاص ډول د ملکي تلفاتو پیښې، د ښځو او ماشومانو مرګ ژوبله او ورته جنګي جرائم ډیر زیات اغیز پرې لري او ډیر ژر ولسي غوسه راپاروي. شاید زموږ د اولس دښمنانو، اشغالګرو او د هغوی مزدورانو په همدا حساسیت درک کړی وي نو ځکه د ملکي مرګ ژوبلو په اړه واقعي معلومات او شواهد د رسنیو په توسط په ډیر دقت سره کنټرولوي او دغه موضوع کاملا په غلط شکل وړاندې کوي.

په داسې حال کې چې اولس تر یرغل لاندې دی، اشغالګر په اولس بمباورنه کوي، کلي ورانوي، کورونه نړوي، خلک وژني، دخلکو مالونه او اسباب لوټوي، مقدسات توهینوي او حتی مساجد، مدارس، مکاتب، کلینکونه او د عامه نفعې بیلابیل بنسټونه تخریبوي، خو دا چې راډیو، تیلویزیون ، اخباراو نورې رسنۍ د دښمن په لاس کې دي نو له پراخو رسنیزو امکاناتو په کار اخیستنه د روان ظلم په اړه ټول حقائق سانسوروي، واقعي معلومات پټ ساتي او دغه موضوع په ډیر سطحي او غیر واقعي شکل وړاندې کوي.

خو لکه څنګه چې وایي (لمر په دوو ګوتو نه پټیږي) د اشغالګرو لخوا د ولسي عاموژنو موضوع هم اوس دومره پراخه او زیاته شوې ده چې له پټیدو وتلې ده. بله دا چې د اجتماعي رسنیو له برکته ولسي خلک توانیدلي چې د هر ترسره شوي ظلم په اړه شواهد، انځورونه، ویډیوګانې او کره مستندات ډیر ژر د کتونکو ننداري ته وړاندې کړي او په دې ډول د اشغالګرو له ظلم او وحشت څخه پرده پورته کړي.

په سوشل میډیا کې د دغه ډول شواهدو مسلسل نشر

زموږ اولس چې څلوېښت کلنو جګړو ځپلی اوس یې رواني حالت ډېر نازک دی او په خاص ډول د ملکي تلفاتو پیښې، د ښځو او ماشومانو مرګ ژوبله او ورته جنګي جرائم ډېر زیات اغیز پرې لري او ډېر ژر ولسي غوسه راپاروي. شاید زموږ د اولس دښمنانو، اشغالګرو او د هغوی مزدورانو به همدا حساسیت درک کړې وي نو ځکه د ملکي مرګ ژوبلو په اړه واقعي معلومات او شواهد د رسنیو په توسط په ډېر دقت سره کنټرولوي او دغه موضوع کاملا په غلط شکل وړاندې کوي.

موږ تاسو ته معلومه ده چې یوناما په افغانستان کې د ملګرو ملتونو د سازمان نماینده دفتر دی. او ملل متحد بیا هغه سازمان دی چې اکثره بودیجه یې د امریکا د متحده آیالاتو لخوا تامینیږي. په دې اساس د ملګرو ملتونو اکثره مواقف د امریکا تر سیوري لاندې وي او د امریکایي ګټو په نظر کې ساتلو نه علاوه کوم موقف په اسانه نه شي اعلانولی.

هم نور د دښمن لپاره سخته کړي چې خپل ظلم او قساوت پټ وساتي.

په دې لړ کې د ملګرو ملتونو دیوناما اداره چې تر دې پخوا یې په غیرعادلانه ډول همیشه د ملکي تلفاتو پړه پر مجاهدینو اچوله او په هر راپور کې به یې د اسلامي امارت مجاهدین د ډیرو جنګي جرائمو عاملین معرفي کول په خپل وروستي راپور کې یې اعتراف کړی دی چې امریکایي او داخلي عسکر د اکثره ملکي تلفاتو عاملین دي.

همدا اوس تازه په کابل کې د ملګرو ملتونو استازي دفتر (یوناما) د روان ۲۰۱۹ میلادي کال د لومړیو دریو میاشتو په اړه راپور خپور کړی چې په هغه یې اشغالګر او داخلي ګوډاګیان د ملکي تلفاتو په قضیه کې د ٦۱ فیصده پیښو عاملین او مجرمین اعلان کړي دي. د یوناما راپور وایي له دې جملې د ۸ فیصده جنګي جرمونو عاملین خارجي اشغالګر او د ۵۳ فیصده جنګي جرمونو او ملکي تلفاتو عاملین د ګوډاګي رژیم د اردو، پولیسو، ملي امنیت او نورو ادارو اړوند ټوپکوال دي.

یاد راپور زیاتوي: که څه هم د تېر کال د لومړیو څلور میاشتو په پرتله د ملکي وګړو مرګ ژوبله ۲۳ سلنه کمه شوې خو کومه مرګ ژوبله چې رامنځته شوې تر ډېره یې دولتي او نړیوال ځواکونه مسئول دي.یوناما وایي؛ د کال په لومړیو دریو میاشتو کې ټولټال ۱۷۷۳ ملکي وګړو ته مرګ ژوبله اوښتې چې له دې یې ۵۸۱ تنه مړه او ۱۱۹۲ نور ټپیان شوي، په یادو شمېرو کې د ۵۸۲ ماشومانو تلفات هم شامل دي چې له منځه یې ۱۵۲ ماشومانو ژوند بایللی او پاتې یې ټپیان دي.

موږ تاسو ته معلومه ده چې یوناما په افغانستان کې د ملګرو ملتونو د سازمان نماینده دفتر دی. او ملل متحد بیا هغه سازمان دی چې اکثره بودیجه یې د امریکا د متحده آیالاتو لخوا تامینیږي. په دې اساس د ملګرو ملتونو اکثره مواقف د امریکا تر سیوري لاندې وي او د امریکایي ګټو په نظر کې ساتلو نه علاوه کوم موقف په اسانه نه شي اعلانولی. دې ته په پام سره چې اوس د ملګرو ملتونو اداره هم مني چې په افغانستان کې د اکثره جنګي جرمونو او ملکي تلفاتو عاملین اشغالګر یاد هغوی پلویان دي، دا نو داسې مثال لري لکه د دوی له منځه چې په دوی چا ګواهي ویلې وي چې معمولا دغه ډول ګواهي انکارناپذیره وي. په دې ډول وروسته له څو کلونو ثابته شوه چې په افغانستان کې د بدمرغیو، وژنو او غمیزو اصلي عامل اشغال دی، چې په دې هیواد کې یې د جګړې اور بل کړی، له اولس یې آرام او اطمینان اخیستی دی او هره ورځ خلکو ته ځاني او مالي زیانونه اړوي. د یوناما لوړ راپور ته په پام سره نور باید اولس د رسنیو په هغو پوچو تبلیغاتو پسې لاړ نه شي چې مجاهدینو د ملکي تلفاتو ستر عاملین معرفي کوي. ځکه رسنۍ یوازې د خپلو هغو بادارانو لپاره دغه تبلیغات کوي چې دوی تمویلوي او د عامه اذهانو د انحراف او ګمراهۍ لپاره یې ګومارلي دي.



در این خاک چه کسی بیگانه است؟

نویسنده: سلمان رحیمی

از اوایل اشغال افغانستان تا حال شعارهای به گوش می رسد بنام مبارزه با تروریسم و حفاظت افغانستان از دست تروریست ها.

اما آیا لحظه ای فکر کرده اید که کی تروریست و بیگانه است؟

آیا لحظه ای فکر کرده اید که عساکر و فرستاده های امریکایی و ناتو بیگانه و تروریست اند یا طالب قندهاری و بدخشانی؟

آیا لحظه ای فکر کرده اید که مفکوره (برنارد لوئیس) تروریستی است یا از علمای کرام و (مرحوم ملا محمد عمر مجاهد)؟

آیا لحظه ای فکر کرده اید که حافظان قرآن عظیم الشان قندوزی بیگانه و تروریست اند یا امریکایی های که کورکورانه آنها را بمباردمان می کنند؟

آیا لحظه ای فکر کرده اید که مساجد و مدارس دینی مراکز و منابع تروریست اند یا سربازان اشغالگری که آنها را ویران می کنند؟

آیا لحظه ای فکر کرده اید که کودکان معصوم که در خواب فرو رفته تروریست و بیگانه اند یا کسانیکه با طیارات بی پیلوت آنها را به شهادت می رسانند؟

آیا لحظه ای فکر کرده اید کسانیکه بخاطر حفظ ناموس و حجاب خواهران افغان خود سرمی دهند تروریست و بیگانه اند یا کسانیکه برای نابودی حیای زنان و حجاب زنان افغان کمر بسته اند؟

داکتران و مردم ملکی تروریست اند یا سربازان اشغالگر که شبانه بالای خانه شان یورش برده و ناموس افغان را کشان کشان به زندان ها می برند؟

آیا لحظه ای فکر کرده اید افغانهای که در گوانتانامو و جزایر غیرقابل زندگی اسیراند بیگانه و تروریست اند یا امریکایی های که در خاک شان پادشاهی می کنند؟

آیا لحظه ای فکر کرده اید طالبانی که شب و روز با داعش می جنگند و شکست آنها و اربابان شانرا حتمی کردند تروریست و بیگانه هستند یا آمریکایی های که شبانه بالای زندان طالبان در ولسوالی آبکمری ولایت بادغیس یورش برده و ۴۰ تن از جنگجویان داعش را

با خود به نقطه نا معلوم انتقال داده اند؟
آیا لحظه ای فکر کرده اید که رهبران طالب مثل مرحوم ملا محمد عمر مجاهد که یک روز خارج از کشور خود نرفت یا شهید ملا اختر محمد منصور که به دست اشغالگران امریکایی شهید شد یا شیخ هیبت الله آخندزاده که برای دفاع از خاک افغانستان پسرش را قربان کرد بیگانه و تروریست هستند یا اشرف غنی که خودش و خانواده اش تابعیت آمریکایی دارند و همچنین وزراء کابینه اش؟؟؟

آیا لحظه ای فکر کرده اید که هزاران طالبی که در زندان های رژیم کابل اسیر هستند و سالهاست با مشقت و سختی های گوناگون دست و پنجه نرم می کنند از کجا هستند؟

آیا لحظه ای فکر کرده اید هزاران جان برکف امارت اسلامی که منتظر استشهادی و هزاران تن امروز در سنگرهای داغ جهاد مصروف نبرد با کفار و عوامل اجیر داخلی شان هستند از کجا هستند و فرزند کی هستند؟

خداوند متعال برای همه عقل داده است ای کسانیکه فریب خورده اید بیشتر در چشمان تان خاک نریزید و سنگ صلیب را به سینه نزنید خیلی درد آور است به خصوص اینکه جوانان افغان و مسلمان که برای دفاع از صلیبیان و اهداف شان خون می ریزند .

بیایید واقع بین باشید و فریب جنگ نرم و رسانه های دشمن را نخورید که با شعارهای پوچ و میان تهی شما را گول زده و از وجود شما سوء استفاده می کنند.

آیا لحظه ای فکر کرده اید که حافظان قرآن عظیم الشان قندوزی بیگانه و تروریست اند یا امریکایی های که کورکورانه آنها را بمباردمان می کنند؟

موجودیت اشغالگران امریکایی ... به نفع اداره کابل بوده و تمام منافع آنها در وجود غربی ها تامین می شود کسانی که همواره در پی تخریب گفتگوهای صلح و آرامش واقعی ملت عزیز افغانستان اند.

موجودیت اشغالگران امریکایی ... به نفع اداره کابل بوده و تمام منافع آنها در وجود غربی ها تامین می شود کسانی که همواره در پی تخریب گفتگوهای صلح و آرامش واقعی ملت عزیز افغانستان اند.

امروز از برکت خون هزاران شهید امارت اسلامی افغانستان فرصت آن مساعد شده تا همدیگر را در آغوش بگیریم و دست در دست هم داده و به زیرساخت ها ، معارف، و محیط زیست کشور خود توجه کنیم و دست رد به سینه ای اشغالگران و کسانی که چشم طمع به خاک ما را دوخته و فکرهای پلید در سر دارند بزنیم.

به امید لحظه ای تفکر!





إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً

ابو صهیب حقانی

همانطور که انتظار می رفت طالبان عملیات بهاری خود را با نام مبارک و خجستۀ «الفتح» طبق معمول سال های گذشته اعلان کرد و در بسیاری از مناطق کشور حمله های نظامی مجاهدین به طور منظم و دقیق علیه قرارگاه های دشمنان خارجی و اجیران داخلی آغاز گردیده و طبق معلومات به دست آمده تا اکنون ده ها پوستۀ مهم نظامی فتح، صدها عسکر کشته و زخمی و عملیات «الفتح» با مورال و روحیۀ بسیار قوی و عالی در جریان است.

انتخاب نام مبارک «الفتح» بر عملیات بهاری سال ۹۸ هجری شمسی که خود نوید بخش فتح و پیروزی در جریان جنگ ها است؛ انتخاب بسیار به جا و شایسته است و ان شاء الله العزیز بهتر از هر وقت دگر فتح و پیروزی سراسری و آزادی کشور از چنگ اشغال را در اذهان تداعی می کند و بعید نیست که امسال در جریان عملیات مبارک «الفتح» پایه های ضعیف و سست رژیم تحمیلی و پوشالی غرب بر افغان ها، برای همیشه از هم فرو ریخته و بساط ظلم و تجاوز خارجی ها و وحشت و جنایت اجیران داخلی از این سرزمین جمع، و نظام عدل الهی بر ملت مظلوم و خاک عزیز افغانستان حاکم گردد.

عملیات بهاری «الفتح» طالبان در حالی اعلان می شود که تیم مذاکراتی آنها در کشور قطر مصروف رایزنی و مشورت بر ادامۀ مذاکرات با امریکایی ها بوده و (طالبان) در میدان سیاست نیز دست بالا را نسبت به دشمنان داخلی و خارجی از آن خود کرده

اند و طبعا این اعلان پیروزمندانهٔ عملیات، بر روند مذاکرات تاثیر عمیق اما مثبت خواهد گذاشت و مورال و روحیهٔ مذاکره چیان طالب را بیش از پیش تقویه کرده و سبب حوصله افزایی شان می شود.

طالبان در اقدامی نیک و ستودنی در متن اعلامیهٔ نظامی خود که به مناسبت شروع عملیات بهاری «الفتح» منتشر کردند یکبار دیگر بر صفوف دشمن (فریب خورده های داخلی) صدا زده که بیایند و خود را از مرگ بیهوده در مسیر غلط استعمار و نوکران شان نجات داده و به مجاهدین تسلیم شوند و در پیروزهای اخیر بر اشغالگران و دشمنان دین و خاک با برادران مجاهد خود یکجا شوند که امیدواریم عساکر با احساس و اولیای با ضمیر سربازان افغان در نهادهای مختلف این پیام خیرخواهانه طالبان را عمیقا با جان و دل گوش داده و سبب نجات عساکر افغان از ورطهٔ هلاکت شوند.

نکتهٔ قابل توجه دگر پیام عملیات بهاری «الفتح» این بود که رهبری طالبان به همه افراد دستور دقت در عملیات را داده که مراقب سر و جان ملت مظلوم خود باشند و این در واقع تبلیغات و توطئه های دشمنان را دفع می کند که همیشه علیه طالبان و مجاهدین زهرافشانی می کنند که گویا خدا نخواسته آنها در حفاظت جان و مال مردم در حین عملیات های نظامی خود غفلت کرده یا بی توجهی می کنند؛ این پیام واضح نشان داد که طالبان همانگونه که تشنهٔ هلاکت اشغالگران و ایادی اجیر آنهایند به همان اندازه و بلکه به مراتب بیشتر مراقب حال ملت مظلوم خود بوده و صینات از جان و مال مردم خود را از هرچیز مقدم شمرده و در این راستا از هیچ تلاشی فروگذار نبوده و نیستند.

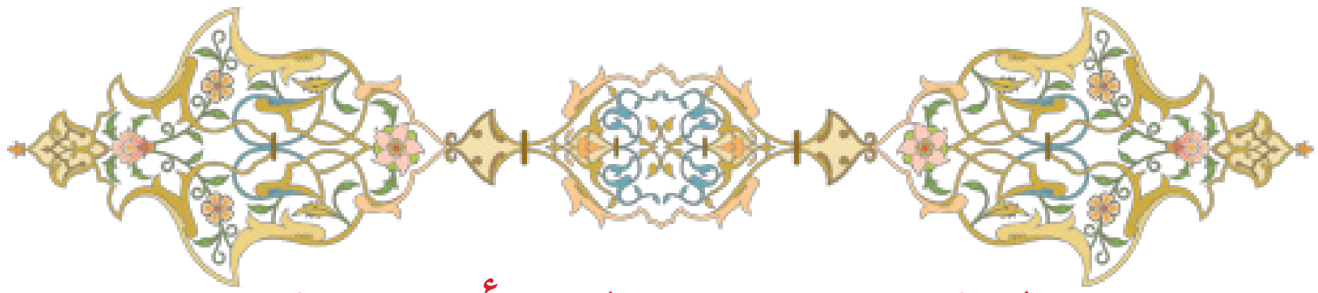
اکنون که عملیات مبارک «الفتح» در سرتاسر کشور با نعره های کفرشکن الله اکبر و با شعارهای «یا شهادت یا پیروزی» و یا «شریعت یا شهادت» آغاز گردیده مطمئنا روح و روان دشمنان خارجی و اجیران داخلی بیش از پیش در ترس و لرز واقع شده و به وحشت افتیده و سبب سراسیمگی و وارخطایی آنها گردیده است و شاید دست به دسیسه و تبلیغات منفی بزنند؛ اما که خوشبختانه طالبان در میدان تبلیغات نیز دست برتر را داشته و ملت عزیز نباید شکار توطئه ها و تبلیغات دروغین و منفی دشمنان در رسانه های تحت امرشان شوند بلکه باید از چینل های رسمی و منابع درست نشراتی اخبار و جریانات دقیق و درست کشور را تعقیب کنند.

به امید فتح کامل در عملیات مبارک «الفتح»

انتخاب نام مبارک «الفتح» بر عملیات بهاری سال ۹۸ هجری شمسی که خود نوید بخش فتح و پیروزی در جریان جنگ ها است؛ انتخاب بسیار به جا و شایسته است و ان شاء الله العزیز بهتر از هر وقت دگر فتح و پیروزی سراسری و آزادی کشور از چنگ اشغال را در اذهان تداعی می کند.

طالبان در اقدامی نیک و ستودنی در متن اعلامیه نظامی خود که به مناسبت شروع عملیات بهاری «الفتح» منتشر کردند یکبار دیگر بر صفوف دشمن (فریب خورده های داخلی) صدا زده که بیایند و خود را از مرگ بیهوده در مسیر غلط استعمار و نوکران شان نجات داده و به مجاهدین تسلیم شوند.





چند سخن کوتاه به ارتباط فیصلهٔ ستر محکمه !

خیرالله شینواری
ترجمه: مصعب بغلانی

اول: اشرف غنی از روز اول نه ریس جمهور مشروع ومنتخب بود و نه می باشد، بلکه یک مدیر که در نتیجه یک معامله و به وساطت و میانجگری «جانکیری» (وزیر خارجهٔ وقت امریکا) به میان آمده است.

دوم: ستر محکمه برای فیصله غیر قانونی خود استدلال نموده که در سال ۱۳۸۸ اینچنین فیصله را سترمحکمه نموده بود که باید گفت آن وقت هم چنین یک فیصله غلط انجام شده بود آیا یکبار دیگر هم باید فیصلهٔ غلط تکرار شود؟

سخن دیگر اینکه براساس احکام قانون اساسی افغانستان ستر محکمه مرجع تفسیر قانون اساسی نیست، بلکه براساس حکم بیست و یکم ماده قانون اساسی افغانستان مطابقت به ارزیابی قوانین قانون اساسی، فرمان های تقنینی، معاهده بین الدول و میثاق های بین المللی، به درخواست جانب حکومت و یا محاکم برای تفسیر آن در چوکات حکم قانون برابر به صلاحیت ستر محکمه می باشد، در این ماده صلاحیت تفسیر مواد قانون اساسی برای ستر محکمه داده نشده است، که اینچنین اقدام استقلالیت قوه قضائیه را زیر سوال می برد.

سوم: از ۱۸ سال بدینسو ستر محکمه هیچ گاهی نه یک قوه مستقل بوده و نه هم می باشد؛ چرا که همیشه تحت تاثیر حکومت و طرف های سیاسی قرار داشته، اگر این نهاد واقعا استقلال می داشت نظر به وضعیت اسفبار ملت در ارتباط نیروهای اشغالگر یک فیصله ی را صادر می کرد، که حد اقل در ارتباط عملیات های شبانه، بماردمان های کور، یک فیصله را به سمع شان می‌رسانید؟

و چه یک گام نیکی می بود که اگر این قوه، یک جنگسالار، باند مافیا، دزدان کلان، مفسد و خائن را محاکمه می نمود؟ چی خوب می شد که اگر این نهاد، در ارتباط مهار ساختن وحشت ها و قطع کشتار افراد ملکی یکبار توصیه خیرخواهانه می داشت؟

اما چون استقلال و قوت نداشته و ندارد همیشه اینگونه فیصله های نمایشی وفرمایشی را صادر کرده و می کند.

چهارم: ستر محکمه در بیانیهٔ گفته است که جهت رفاه وآسایش مردم ومصالح علیای کشور این فیصله را صادر کرده است، حالاآنکه در موجودیت اشرف غنی سر و مال وناموس مردم محفوظ نمی باشد، امنیت نیست، اقتصاد ضعیف شده، اضافه تر از ٦٠ فیصد مردم تحت فقر وبیچاره گی زندگی می کند، حتی در دسترخوان خود به جز نان خشک برای خوردن دیگر چیزی ندارد، جنگ شدید جریان دارد، تجارت بی اندازه ضعیف شده است، سرمایه کوچ کرده است ، نرخ ارز افغانی پایئن آمد، حاکمیت حکومت خیلی محدود شده است، سیاست خارجی به انزاو کشانیده شده است و ...

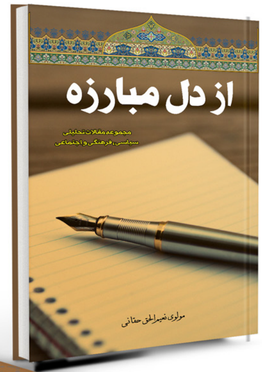
در کنار همه این بدبختی ها، دست اندازی اشخاص وافراد مغرض اشغالگران رو به افزایش است، فساد به اوج خود رسیده، مالیه چند برابر افزایش یافته، در بدل اخذ مالیه گزاف، ارایه خدمات نهایتا ضعیف بوده، تاوان مانند این وامثالهم به مردم و نظام می رسد.

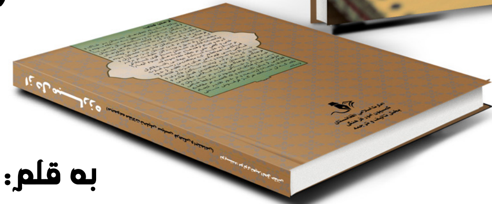
بناء ضرورت آن بود که نهاد مهمی مثل ستر محکمه به عنوان یک قوه مستحکم ومستقل با در نظر گرفتن منافع علیاء کشور بحث چگونگی تقسیم اوقات بر روند خروج نظامیان خارجی را اعلان کند، و جهت رسیدن به صلح وآرامش واقعی و قطع جنگ وخون ریزی فیصله ی را اعلان می داشت تاکه به طرف های درگیر جنگ پیام می داشت که مذاکرات به نتائج نهایی خود نزدیک می شد، واینها منحیث علماء وقضات مسولیت ایمانی، وجدانی، و ملی خود را اداء می نمودند.

وما علینا الاابلاغ المبین









از دل مبارزه تا فتح دلها

به قلم: نور احمد سعید

(مسئول بخش تالیف و ترجمه کمسیون امور فرهنگی امارت اسلامی)

کتاب «از دل مبارزه» اولین اثر چاپی عالم جوان و نویسندهٔ توانا ابوصهیب حقانی است که در آن تراژیدی دههٔ اخیر اشغال کشور عزیز، شهکاری های جهادی و موضوعات مختلف را گنجانیده است.

حقانی صاحب در مورد اوضاع سیاسی، نظامی، و اجتماعی کشور مقالات زیادی نوشته، از جمله همین مقاله ها که بعضی از آن ها را برای کتاب «از دل مبارزه» انتخاب و ترتیب داده است.

حقانی صاحب داعیهٔ قیام جهادی را از دل مبارزه تقدیم نموده است، از مکر، ظلم و فساد دشمن پرده برداشته، از بابت مظلومیت مردم محبوب، بر شهادت زنان و اطفال معصوم اشک ریختانده و برای مجاهدین قهرمان که در مقابل دشمن مجهز و مغرور بر ضد آنان می رزمند؛ گلهای عقیده را تقدیم نموده است.

همچنین در این کتاب اظهار همدردی خویش را برای مردم مظلوم سوریه، میانمار، فلسطین و ... بیان داشته، قاتلان را محکوم نموده، و به خاطر غصب قبلهٔ اولی مسلمانان (بیت المقدس) و بر مظلومیت و محکومیت باشندگان آن قطرات اشک اش جاری شده است.

آزادی بیان، حاکمیت یک طرفه و سانسور ظالمانه آن طوری است که به خاطر یک پوست و یا کامنت، مردم را شکنجه و یا در زندان‌های سیاه دموکراسی زندانی شده اند.

دشمن با استفاده از شیوه ها و راه های مختلف بسیار تلاش کرده که داعیهٔ جهادی را خاموش، و پایه‌های اشغال را محکم و دوامدار ساخته و به اطمینان کامل پلان های شوم خود را تطبیق و عملی کند.

در چنین حالت و وضعیت ذکر شده، اهمیت جهاد مطبوعاتی و فرهنگی بیش از پیش افزایش می یابد و طبعا چیزی که اهمیتش زیاد باشد ضرورت به آن هم بیشتر می‌گردد، لذا خوش شانسی یک نویسندهٔ مجاهد است که در وقت ضرورت به این کار سترگ و مهم کمر همت بسته کند.

در وضعیت جاری فعالیت های مطبوعاتی و ادبی که شمار مجاهدین قلم به دست خیلی اندک، و شهرت شان کالعدم است؛ ولی باز هم در میدان عمل (مجاهدین قلم به دست) چنان فعالیت قوی و موثر را انجام داده اند که دشمن را وادار به اعتراف نموده اند.

یک مثال از فعالیت قوی و موثر نویسندگان مجاهد، از دل مبارزه کتاب حقانی صاحب است.

از دل مبارزه خیلی خصوصیت ها دارد؛ برای مثال یکی آنست که به زبان شیرین، دلنشین و سلیس نوشته شده است، دیگر آنکه آن واقعیت ها و موضوعات را در خود گنجانیده که در خیلی از کتاب ها یافته نمی‌شود.

چاپ کتاب از «دل مبارزه» را برای برادر محترم حقانی صاحب مبارک باد می گویم.

آرزو دارم که حقانی صاحب در سنگر قلم بیشتر از این، خدمات شایانی را انجام بدهد و جهت تنویر افکار عامه با دلنوشته های انقلابی، ضد اشغال و سیکولاریزم، از خود آثار با ارزش بیشتر صدقه جاریه کند.

با احترام

نوراحمد سعید

به امید آزادی و قائم شدن نظام اسلامی در کشور عزیز

برج حمل ۱۳۹۸ هش

(از صفحه ۱۰ و ۱۱ کتاب از دل مبارزه)







درسها و پندهایی از ماه رمضان المبارک!

سعید مبارز

رمضان در لغت یا ماخوذ از رمض است بمعنای سوختن؛ چون به سبب روزه گرفتن این ماه گناهان انسان می سوزد و نابود می گردد از همین لحاظ این عبادت را رمضان نامیدند و یا آنکه مشتق از رمض می باشد و معنای رمض سوخته شدن؛ چون ماه صیام موجب سوختگی و تکلیف نفس می گردد.

و در اصطلاح شریعت عبارت از آن ماه است که مسلمانان در آن به نیت اینکه روزه دار هستند از طلوع صبح صادق تا غروب آفتاب از خوردن، آشامیدن و جماع کردن اجتناب و دوری می نمایند.

رمضان نام ماه نهم از سال قمری بین شعبان و شوال می باشد که بدون شک به اتفاق تمام علماء اسلام؛ یکی از ارکان اساسی پنجگانهٔ اسلام بوده و در هر سال یکبار بالای هر فرد مکلف امت اسلامی فرض عین می گردد و فرضیت آن به کتاب الله و سنة رسول الله و اجماع امت اسلامی ثابت شده است.

خداوند متعال در قرآن عظیم الشان می فرماید : "شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ" (البقرة : ۱۸۵)

ترجمه: ماه رمضانی که در آن قرآن نازل شده است، قرآن که رهنمای مردمان، و دلایل روشنی در جدایی حق و باطل است، پس هرکه از شما این ماه را دریابد، باید آن را روزه بدارد، و اگر کسی بیمار و یا مسافر باشد، روزهای دیگری را روزه بگیرد .

و از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت است که فرمودند : " بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ ، شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ، وَالْحَجِّ ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ " (صحيح البخاري، كتاب الإيمان، باب دعائكم ايمانكم، رقم :۷)

ترجمه : اسلام بر پنج چیز بنا یافته است: -۱ شهادت بر اینکه خدای جز خدای یگانه وجود ندارد و اینکه محمد

پیامبر خداست ۲ - و اقامهء نماز ۳ - و دادن زکات ۴ - و حج بیت الله الحرام ۵ - و روزه گرفتن.
بناء بر این روزهٔ رمضان رکنی از ارکان دین بوده و روزه گرفتن آن بر هر مسلمانی به شروط معین آن فرض عین می باشد و منکر فرضیت آن به اتفاق علماء، مرتد وخارج از دین اسلام است.
چنانچه از عنوانی این مطلب نیز دانسته می شود در اینجا مطالب وابحاث فقهی روزه بخاطر کوتاه بودن دامنهٔ مقاله مورد بحث قرار نمی گیرد فقط به درسها و پندهای که انسان مسلمان باید از خلال ماه رمضان بگیرد و بعد از ماه روزه به آنها جامهٔ عمل بپوشاند، مختصرا در اینجا تذکر می دهیم :
الف - یکی از درسهای که از ماه رمضان گرفته می شود این است که در ماه رمضان انسان خود را از خوردن و نوشیدن اشیاء حلال و آمیزش با همسر خویش بخاطر حکم و امر خداوند باز می دارد، این امساک و نگهداشتن برای ما چنین درس می دهد که تمام اشیاء حلال که خود را از آنها درخلال رمضان باز می داشتید، بعد از رمضان تمام آنها برای تان حلال است فقط به حکم خداوند خود را از نوشیدنی ها و خوردنی ها باز دارید. بدون شک وقتی که به حکم خداوند خود را از اشیاء که قبلا انجام می دادیم، بازداشته توانستید، نگهداشتن نفس از اشیای حرام به مراتب برای تان سهل و آسان است .
ب- در ماه مبارک رمضان انسان زمانی که گرسنه و تشنه می شود ناخود آگاه به فکر فقراء، یتیمان و مردمان بی بضاعت که دایم در رمضان و بعد از رمضان در چنین حالت سخت بسر می برند، می افتد و از وضعیت آنها متاثر می گردد. از این می توان چنین درس گرفت که بعد از رمضان اگر شما سیر و سیرآب هستید بدانید که صدها طفل یتیم، فقیر و بیوه زن حالت بد را می گذرانند نباید آنها را فراموش نمایید و در حالی که شما شب هنگام با شکم سیر سر بر بالین نرم می گذارید قبول نمایید که ده ها تن از همجواران و همسایگان فقیرتان با شکم گرسنه می خوابند انسانیت و اسلامیت تان این را تقاضا می کند که به فکر آنها هم باشید.
شاعر علیه الرحمه چه زیبا این نکته را در قالب شعر بیان فرموده است :
بنی آدم اعضای یکدیگرند***که درآفرینش ز یک گوهر اند
چو عضو بدرد آورد روزگار *** دیگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بیغمی *** نشاید نهند نامت آدمی
ج - در ماه رمضان انسان در حین افطار بی نهایت میل به طعام دارد و به مجرد که آفتاب غروب نماید به زودترین فرصت شکم خود را سیر نموده و گرسنه گی و تشنه گی اش را رفع می نماید از این می توان چنین درس گرفت که روزها و سالها فقراء و مساکین در چنین وضعیت قرار دارند و محتاج لقمهٔ نان خشک هستند که با آن برای خود انرژی بدهند اما نمی توانند چیزی بدست آورند باید تو برادر که خداوند در رزق ات وسعت آورده، همچنانچه در حین افطار به فکر پر کردن شکمت بودی و تلاش می کردی زودتر خود را سیر نمایی بدانی که فقرا مثل تو مشتاقانه منتظر لقمه نانی هستند باید بر انفاق و صدقات و رسانیدن طعام و آذوقهء به فقراء و مساکین حریص باشی و بشتابی .
د - اکثر مردمان در ماه روزه به زعم اینکه ماه روزه ماه عبادت و بندگی و ماه تقرب و نزدیکی به الله جل جلاله است به نمازها و عبادتها پایبندتر گردیده و دایم نماز را به جماعت ادا می کنند و به تراویح حاضر می شوند، از این می توان چنین درس گرفت که چنانچه در ماه روزه به عبادت و پرستش الله جل جلاله رو آوردیم باید بعد از روزه هم چنین باشیم و اگر بتوانیم بهتر از قبل باشیم در واقع می توان از ماه روزه به عنوان تمرین و اعداد برای ماه های بعد از آن استفاده کرد؛ چون وقتی خود را عادت دادیم که در رمضان هر شب ۲۹ رکعت نماز را با حوصله کامل به جماعت ادا کنیم بعد از رمضان ادای ۹ رکعت به جماعت خیلی برای ما سهل و آسان است.
هـ - درس اخیر که میتوان از رمضان گرفت سحر خیزی، تهجد، تلاوت قرآن و عبادات نافله می باشد چنانچه در رمضان صبحگاهان از خواب بلند شده و تهجد می خوانیم، قرآن شریف را تلاوت می کنیم و عبادات نافله انجام می دهیم باید بعد از رمضان آن عبادات را ادامه داده و برای خویش به یک عادت مبدل کنیم.
الله جل جلاله برای تمام بندگان عاجز و گنهکار خود توفیق طاعت، عبادت، بندگی، خیرات، صدقات، کمک به مستمندان و فقیران و برادران مستضعف و بی بضاعت شان در تمام اوقات خصوصا در ماه پربرکت رمضان را عنایت بفرماید.
و ما را از ثواب طاعات و عبادات فرضیه و نافله شان بی نصیب نفرماید .



پرسش‌ها و پاسخ های شرعی
(قسمت دوم)

تحقیق، اصدار و فتوا: مفتی ابو یاسر (عفی عنه)
ترجمه: واحد ترجمه و تحقیق مجله

الاستفتاء: محترم مفتی صاحب!
اگر یک شخص برای این به جهاد برود که مردم بگوید که فلان شخص به جهاد رفته شخص شجاع و دلیر است می خواهد که مردم وی را ببینند که فلانی جهاد می کند، چنین شخص از جهاد ثواب می برد؟
و اگر شهید شود واقعا شهید شمرده می شود؟
(ملا نور احمد مجاهد)

الجواب حامداً ومصلیا و بعد:
در اسلام برای هر عبادت نیت شرط است، بالخصوص در جهاد، چون که بعد از ایمان جهاد از همه اعمال عمل بهتر است، اگر شخصی نیت اش خراب باشد نه تنها اینکه ثوابی را کسب نمی کند بلکه به سبب ریاء و تفاخر در آن عمل عذاب خواهد کشید.

۱= عن ابي هريرة رضی الله تعالی عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " «إن أول الناس يقضى عليه يوم القيامة رجل استشهد، فأتي به فعرفه نعمته فعرفها، فقال: فما عملت فيها؟ قال: قاتلت فيك حتى استشهدت قال: كذبت، ولكنك قاتلت لأن يقال: جريء، فقد قيل، ثم أمر به فسحب على وجهه حتى ألقي في النار،

۲= وفي الحديث : ان الله تعالی لایقبل من العمل الا ماکان خالصا وابتغی به وجهه : اخرجه الطبراني والنسائي الزواجر ۱ ص ۷٤۱

۳= وفي المشارع ۱۲ ٦۳۲: اما من غزا ریاءا و سمعة و افتخارا لیقال هوغاز او شجاع او نحو ذلک و لم یخطر بباله قصد التقرب الی الله تعالی البتة بحیث لوخلا من الاطلاع من یتوقع منه الثناء والمدح اوقرب المنزلة لماحمله قصد القربة علی الجهاد و بذل نفسه فیه فان هذا اذا قتل لیس بشهید عندالله بلاخلاف بل خلیق في صفقته بالخسران و هو احد الثلاثّة الذین تسعربهم الناریوم القیامة قبل الخلائق لتقربه بالعبادة الی غیر من شرعه اوعبد بها غیره فختم له بالاشراک ـ کما فی روایة ابی هریرة رضی الله تعالی عنه والله تعالی اعلم

اگر امیر و یا مجاهدین تحت امرش تقوا نداشته باشند؟

الاستفاء: محترم مفتی صاحب!
در گروپ ما بعضی اشخاص بسیار بی تقوٰی استند، حتی امیر ما هم بی تقوٰی است، حالا ما می خواهیم بخاطر جهاد در دیگر ولسوالی یا ولایت برویم، در این عمل ما کدام مشکلی شرعی است یا نه؟
(چند تن از مجاهدین)

الجواب حامداً و مصلیا و بعد:
آن اُموری که که در جامعه تعلق دارد در آن به حالات خاص افراد نظر نمی شود بلکه بر آن مفاسد و مشکلات نظر می شود که اثرات منفی آن در اطاعت امیر فاسد و در رفاقت رفیق بی تقوٰا زیاد باشد.
اطاعت امیر بی تقوٰا در امر معروف ضروری است، و در گناه از آن هیچ نوع اطاعت نیست؛ اما در جدا شدن از امیر و افراد بی تقوٰی چونکه سبب ایجاد تفرقه، غیبت، بهتان، افتراء، دروغ، و انواع دیگر از گناه های کبیره و افکار غلط می شود، و در حالیکه هر یک از این کارها باز در اصل گناه کبیره اند لذا درست نیست.
همراهی با رفیق فاسق در تشکیل رفاقت اینقدر بد نیست بلکه می شود فاسق رنگ صالح را بگیرد، اما آن گناه های کبیره که

در فوق ذکر شد مانع فتح و نصرت از طرف الله ﷻ می شوند.
اگر شما به جای اینکه این گروه را ترک کنید، و به جای دیگر بروید، باید در اصلاح امیر و رفیق های تان کوشش کنید، وظیفه ی امر باالمعروف و نهی عن المنکر را شروع کرده و به الله تعالٰی ﷻ رجوع و با تضرع دعاء کنید که اینها اصلاح شوند.
و اصول «ادعو الٰی سبیل ربک باالحکمة والموعظة الحسنه» را در نظر بگیرید!
کما في فیض الباري شرح صحیح البخاري ۱۴ ۱۷۵حدیث رقم ۲۸۵۲ وطبع اخری ۱۳ ۳۴۰ فیه إیماء إلى أصل عظيم، وهو أن الأمور التي تتقوم من الجماعة لا ينظر فيها إلى الأحوال الأفراد خاصة لا تخلو عن بر وفاجر دائما، ويتعذر وجود جماعة لا يكون فيها إلا الخيار؛ فلو توقف الأمر على تلوم مثل تلك الجماعة لأدى إلى تعطيل أكثر أعمال الخير، وقد سار في المثل السائر: ما لا يدرك كله، لا يترك كله. فلما كان «الجهاد ماض إلى يوم القيامة»، وهوأمر جماعة، ومعلوم أن خير الأئمة لا يتيسر دائما، فإما أن يتعطل الجهاد، أو يبقى مع كل بر وفاجر؛ فنه على أن لا تمتنعوا عن الجهاد بفجور الأئمة، فإن الله تعالى قد يؤيد دينه بالرجل الفاجر أيضا. فإن في تفحص أحوال الناس، والتأخر عن فاجرهم تأخرا عن الخير المحض، وهو الجهاد، وذلك قد يؤدي إلى انعدامه، فإطاعة فاجر أولى من إعدام خير، والتطوق بالذل أبد الدهر.
والله تعالى اعلم

آیا در طهارت مسح آرنج است؟

الاستفتاء: محترم مفتی صاحب!
بعضی اشخاص بعد از مسح سر، و گوش ها آرنج را هم مسحَ می کند آیا شرعاً این مسح جواز دارد؟
(مولوی ابو یوسف)
الجواب حامداً ومصليا وبعد: مسحِ آرنج در طهارت (وضوء) نه سنت است ونه هم مستحب، نه در احادیث ذکر شده است و نه هم در مذهب ما فقهاء در شرح و فتاوا ذکر کرده است، لهٰذا اگر شخصی به این نیت انجام دهد که در آرنج اش ممکن کدام جای خشک مانده باشد باز پروا ندارد، ولی به نیت سنت و یا مستحب این کار را نباید انجام دهد.
انظرالهندية ۱ ۶۱ الفصل الثاني قوله :وسنن الوضوء وهي ثلاثة عشرة على مافي المتون .. وايضا تفصيله في فقه الميسر ص\۴۰ سنن الوضوء . وايضا ردالمحتار وغيرها .

آیا در این صورت عکاسی جواز دارد؟

الاستفاء: محترم مفتی صاحب!
اگر در جای حدود شرعیه مثل حد زناء یا حد سرقه اجراء میشود فیلم برداری و نشر آن چطور است؟ در این صورت بعضی مردم از آن استفاده ی غلط و یا اهانت می کند!
(م نعیم)
الجواب حامداً ومصليا وبعد:
به نظر فقهاء در جای که مصلحت و فساد در تعارض شوند، در آن جا ترجیح برای دفع فساد داده می شود، در صورت مذکور همین تعارض است، که در عکاسی و نشر اش میشود که بعضی از مصلحت و فایده ها باشد، ولی از طرف دیگر در این صورت سیکولر ها، اشغالگران و کفار از این سوء استفاده می کنند، و برای بدنام کردن اسلام، و امارت، و دلسردی مردم از آن استفاده می کنند.
کمافي الجامع الصحيح البخاري رح ۱ ۲۱۵عن عائشة رضى الله تعالى عنها: أن النبي صلى الله عليه وسلم قال لها ياعائشة لولا ان قومک حدیث عهدبجاهلية لامرت بالبيت فهدم فادخلت فيه مااخرج منه والزقته بالارض .
وفي شرح المجلة للاتاسي رح ۱ ۷۰ فاذاتعارضت مفسدة ومصلحة فدفع المفسدة مقدم في الغالب لان اعتناء الشرع بالمنهيات اشدمن اعتنائه بالمأمورات ولمايترتب عليها من الضرر المنافي لحكمة الشارع في النهى.

یکی از صورت های کشاورزی که مردم به آن گرفتار اند!

الاستفتاء رقم محترم مفتی صاحب!
در منطقهٔ ما بلکه در همه کشور (افغانستان) حالا این رائج است که زمین و سولر (شمسی) از یک شخص است و تخم و عمل از شخصی دیگر، حالا سوال این است که آیا این نوع مزارعت (دهقانی) شرعاً درست است یا خیر؟
مولوی سیف الرحمٰن
الجواب حامداً ومصليا و بعد: این نوع مزارعت (دهقانی) مذکور در شرع صحت ندارد، و در این رابطه مصرحات در همه کتاب های ما است.
کمافي القدوري ص\۱۳۰وانكانت الارض والبقر لواحد والبذر لواحد فهي باطلة الخ
وفي التبيين ۲۸۰۱۵فان كانت الارض والبقرلواحدوالعمل والبذرلآخر ... والباقي بينهما فسدت الخ .
وهكذافي المتون كلها
والله تعالى اعلم



هغه مقاومت چې یرغلګر یې پرکوندو کړل

سید شریف

مشهورې امریکایۍ ورځپاڼې(واشنګټن ټایمز) لیکلي امریکا افغانستان کې په داسي جګړه کې را ګیر ده چې پای نه لري،امریکایي ځواکونه ژر باید له افغانستانه را ووځي، ورځپاڼه قطر کې داسلامي امارت او امریکا ترمنځ روانو خبرو ته په اشاره زیاتوي:« که همدا خبري بې پایلې پای ته ورسیږي نو هم امریکا باید له افغانستانه پښې سپکې کړي»

یرغلګرو پر افغانستان دیرغل په مهال فکر کاوه چې دغه هیواد به ژر تسخیر کړي، له دې ځایه به په سیمه کې خپلې ګټې ساتي او تر ابده به دافغان ولس په برخلیک لوبې کوي. بوش ویل له افغانستانه دوتلو نیت نه لري او بلېر بیا ویل چې لږ تر لږه پنځوس کاله به افغانستان کې وي.

اشغالګرو دیرغل په مهال داستعماري رسنیو له میکرافونه په خورا غرور سره دخپلو وسایلو نمایش ورانده کاوه،دوی به دشپې او ورځې د پښتو او دري ژبو کرایي نطاقانو په خوله دافغان ولس پر پرهرونو مالګې شیندلې او ویل به یې چې ایتلافي ځواکونه ایف ۱۶، بي ۵۲ او ډرون الوتکې،کروز توغندي،کلستر بمونه، زغره وال ګاډي ،پرمختللې ټیکنالوژي او پریمانه ډالر لري او نادره داچې له لوړې فضاء پر مځکه یو اینچ شی ویني او ښکالو یې هم اوري!!

اسلامي امارت یرغلګرو ته دهوش هوش سپارښتنه وکړه،خو بوش او بلېر دجوش پر ټټو سپاره وو، په خپلو وسایلو غرور یې عقل سلب کړی و، له وژلو او نړولو پرته یې نور څه نه پیژندل، داسلامي امارت موسس امیرالمومنین ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله دې نړیوالو جګړه مارانو ته په خطاب کې وویل:« دا سمه ده چې وسلې مرګ کولای شي،خو مرګ ګرځولای

نشي» نړۍ نن دملا صاحب رحمه الله دهمدې معنی داره جملې مصداقويني، مجاهدين له يو ټوپک او چانټې سره د مجهزو او مغرورو يرغلګرو په لويو لويو اډو ورننوځي او په يوه يوه ګوزار درځنونه يرغلګر عسکردمرګ کندې ته ټېل وهي.
افغان ولس د يرغل له پيل څخه ټينګار کړی چې په خپله پاکه خاوره کې ناپاک يرغلګر نه مني،تر هغو به ددينې او وطني ګټو دساتنې رواني مبارزې ته دوام ورکوي چې اشغالګر په يومخيزه توګه زموږ له هيواده وځي. يرغلګرو او دچارو ځينو ماهرينو(؟) دافغان ولس دغه دريځ دغره سره د سر جنګولو په معنی باله او فرمايل به يې چې اوس وخت او حالت بدلون موندلی، له نړيوالو ځواکونو سره مقابله ناممکنه ده،هغوی چې کوم ځای ته تللي، په زور نه دي ايستل شوي!!
مګر روان جهادي مقاومت يو وار بيا ثابته کړه چې افغانان نه ايليدونکي خلک دي،د تېر په څېر يې نن هم يو متجاوز زبرځواک راځملولی او خرپايې نړۍ اوري.

افغان ولس داسلامي امارت په مشري ددښمن ګڼ پلانونه او اهداف له منځه يو وړل او دګران هيواد د نيمايي له زياتې برخې يې يرغلګر او ګوډاګيان جارو کړل. داسلامي امارت فاتح ځواکونه ورځ په ورځ پر دښمن ګرې ورتنګوي او مظلوم ولس له يرغل، فساد او ظلم څخه خلاصوي.
دنړۍ زياتره سياستوال او په ځانګړې توګه امريکا کې دچارو ماهرين په دې باور دي چې امريکا افغانستان کې ماته خوړلې، امريکا دخپل تاريخ په اوږده(اتلس کلنه) جګړه کې نه يوازې داچې کومه لاسته راوړنه نه لري، بلکې ورځ تر بلې طالبان پياوړي کيږي او دواک ساحه يې پراخيږي.
امريکا نو ربايد له سر ټمبګۍ څخه لاس واخلي،ژر ترژره له افغانستانه خپل ټول پوځونه وباسي، کنه تاريخ به پرې تکرار شي او افغانستان به يې قبرستان شي.

گردآورنده: محمدعمار رستاقی

(بخش چهارم)

صفحه ویژه شیر بچه های هندوکش

ماه رمضان

رمضان ماه نهم سال هجری قمری است. در این ماه تمامی مسلمان ها از آغاز صبح صادق تا غروب آفتاب روزه می گیرند و هیچ چیزی نمی خورند و نمی نوشند.

مسلمان ها هنگامی که روزه می داشته باشند نباید سخنان بیهوده بزنند. آن ها نباید یکدیگر را دشنام دهند و یا با یکدیگر جنگ و جدال کنند.

ماه رمضان ۲۹ یا ۳۰ می باشد. این ماه با دیدن مهتاب رمضان شروع می شود و با دیدن مهتاب ماه شوال خاتمه می یابد. روزه بر اطفال فرض نیست. مردان و زنان کهن سال و مریض ها نیز اجازه دارند روزه را بخورند.

مسلمان ها در آخر ماه مبارک رمضان سه روز عید را تجلیل می کنند. در این روزها لباس های پاک و زیبا می پوشند، نماز عید را ادا می کنند و اظهار خوشی و خورسندی می کنند.

مسلمان ها در رمضان و عید از یتیم ها، بیوه ها و افراد نادار و ناتوان خبر گیری کرده و با آنان کمک می کنند.



اشتباهات در نماز

بعضی ها وقتی می خواهند در مسجد نماز بخوانند بعضی کارهای اشتباه را انجام می دهند، مثلا:

۱- وقتی امام تکبیر می گوید بعضی ها به آواز نیمه بلند نیت خودرا تکرار می کنند و با امام یکجا نماز را شروع نمی کنند بلکه دیگران را نیز اذیت می کنند.

۲- بعضی ها وقتی نا وقت به مسجد می آیند و می بینند که امام رکوع کرده است، آنان نیز «الله اکبر» گفته و با عجله رکوع می کنند. آن ها باید اول صحیح ایستاده شده «الله اکبر» بگویند، باز بار دوم «الله اکبر» گفته و به رکوع بروند. در غیر آن نماز شان درست نمی شود.

۳- بعضی دیگر وقتی نزدیک مسجد می شوند و می بینند که نماز جماعت ایستاد شده است، خیلی تیز می روند یا می دوند که هر دو این کار ها اشتباه است.

۴- بعضی دیگر وقتی در جماعت نماز می خوانند در صف راست ایستاد نمی شوند بلکه یا پس و یا هم پیش ایستاده می شوند و در پهلوی خود هم جای زیادی را بی کار می مانند.

۵- بعضی ها بعد از اینکه با غذا سیر و یا پیاز می خورند بدون اینکه دندان های خودرا با برس و کریم بشویند تا بوی دهن شان از بین بروند در مسجد می آیند و مردم از بوی دهن شان اذیت می شوند.

۶- بعضی ها در نماز و یا هم بعد از نماز آواز پنجه های خودرا می کشند.

۷- بعضی ها در جریان نماز با لباس، موها، کلاه و یا چادر خود بازی می کنند.

اینهمه اشتباهات باعث می شود که نماز انسان درست و صحیح نشود و الله تعالی آن را قبول نکند.



طفلک هوشیار

شخصی داخل مسجد شد و دید طفلکی که هنوز ده سال نداشت خیلی به آرامی نماز می خواند. این شخص منتظر ماند تا طفلک نماز خودرا خلاص کرد.

آن شخص گفت: پسرم! بچهء کی هستی؟

طفلک جواب داد: من از پدر و مادر هر دو یتیم هستم.

شخص گفت: آیا می خواهی پسر من باشی؟

طفلک گفت: اگر گرسنه شدم مرا طعام می دهی؟ شخص گفت: بلی.

طفلک گفت: اگر برهنه بودم لباس برایم خریداری می کنی؟ شخص گفت: بلی.

طفلک گفت: اگر مریض شوم تو مرا شفا می دهی؟ شخص گفت: این در توان من نیست.

طفلک گفت: اگر بمیرم مرا زنده می کنی؟ شخص گفت: این هم در توان من نیست.

طفلک گفت: پس از عمو! مرا برای کسی بگذار که مرا پیدا کرد و هدایت کرد. کسی که مرا خوراند و نوشانید. کسی که اگر بیمار شوم مرا شفا می دهد. کسی که وقتی بمیرم مرا زنده می کند. کسی که از وی توقع دارم که در روز آخرت گناه های مرا ببخشد.

آن شخص خاموش شد سپس گفت: به آن خدایی ایمان آوردم که هر کی به او توکل کند اورا کفایت کند.



سیرت نظامی رسول الله صلی الله علیه وسلم (۲۲)

نویسنده: شیت خطاب
ترجمه: راشد شهامت

بیرق و پرچم مهاجرین به حضرت ابوبکر(رضی الله تعالی عنه) وبیرق انصار به سعد بن عباده (رضی الله تعالی عنه)داده شد. مسلمانان بر سر چاهی به نام مریسیع در نزدیکی بنی مصطلق فرود آمده آنان را محاصره کردند. به دنبال آن ، قبایل همپیمانی که برای کمك به بنی مصطلق آمده بودند گریختند. پس از آنکه ده تن از نیروهای دشمن کشته شدند و یك تن از مسلمانان به شهادت رسید، بنی مصطلق تسلیم گشته ، وبه اسارت درآمدند.

حضرت عمربن خطاب (رضی الله تعالی عنه) در میان سپاهیان مزدوری داشت که از اسب او نگهداری می کرد. پس از پایان نبرد، این مرد با مردی از خزرج بر سر آب اختلاف پیدا کردند و به جنگ پرداختند. در این هنگام هر کدام از آنها به عنوان کمك خواهی مهاجرین و انصار را صدا زدند.

عبدالله بن أُبی سرکرده منافقان ـ که به منظور مسلمان وانمود کردن خود در راس منافقان در این جنگ شرکت کرده بود ـ با شنیدن این فریاد، فرصت را غنیمت شمرد تا آتش فتنه دیرینه میان مهاجرین و انصار را شعله ور سازد.

همین که رسول الله (صلی الله علیه وسلم)از قضیه با خبر شد، پیش از بالا گرفتن کار فتنه ، فرمان حرکت را صادر کرد. مدت یك شبانه روز کامل را با مردم راه پیمود و روز دوم نیز مسلمانان تا بالا آمدن آفتاب در عین خستگی مفرط راه پیمود. هنگامی که دستور فرود آمدن صادر شد، هنوز پهلوی مردم به زمین نرسیده بود که از فرط خستگی به خواب می رفتند!

خستگی مردم فتنه عبدالله ابی را به فراموشی سپرد و همراه اسیران و غنایم به مدینه بازگشتند

پندار مسلمانان بر این بود که رسول الله (صلی الله علیه وسلم)عبدالله بن ابی را کیفر خواهد داد. زیرا که وی در روز فتنه گفته بود: (اگر به مدینه بازگردیم هرآینه

عزتمندان فرومایگان را بیرون می رانند.) فرزند وی آمد و از رسول الله (صلی الله علیه وسلم)تقاضا کرد، کشتن پدرش را بر عهده او بگذارد! ...
اما رسول الله (صلی الله علیه وسلم)از او در گذشت و به فرزند راستگو و امانتدار او فرمود: (ما او را نمی کشیم ، بلکه با او مدارا می کنیم و تا هنگامی که با ما باشد با او خوشرفتاری می کنیم رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در این غزوه مدت ۲۸ روز از مدینه غایب بودو در اول ماه مبارك رمضان به آن شهر وارد شد.

درسهایی از غزوه های پاکسازی

۱ ـ حرکت شبانه

در بیشتر این غزوه ها رسول الله (صلی الله علیه وسلم) شبانه حرکت می کرد تا مقاصد و جهت حرکتش بر دشمن پوشیده بماند و بدین وسیله آنان را در زمان و مکان غافلگیر سازد.
قبایلی که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) با آنها می جنگید نیرومند بودند و یاور و همپیمان داشتند. چنانچه این قبایل از حرکت آن حضرت آگاه می گردیدند، به سرعت آماده شده از هم پیمان های خود برای جنگ کمك می گرفتند. اما حرکت شبانه از همه این امور جلوگیری می کرد و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) ، در حالی که نسبت به دشمن از نیروی کمتری برخوردار بود، موفق گردید بر همه آنها پیروز شود و به مقاصد خصمانه آنها پایان دهد و در دلِ این قبایل و دیگر قبایلی که آوازه پیروزی مسلمانان را می شنیدند ترس و وحشت بیفکند.
نخستین ضربه بر روحیه اعراب تاءثیر قطعی دارد. چنانچه در نخستین جنگ مغلوب شوند پراکنده می شوند و گرنه از میان بردن آنها کاری بس دشوار است ! رسول الله (صلی الله علیه وسلم) که با این خصلت اعراب آشنا بود، کوشید با یك ضربه غافلگیرانه به وسیله حرکت شبانه روحیه آنان را بشدت تضعیف کند و یکی از اصول مهم جنگ یعنی غافلگیری را به کار بندد.

۲ ـ حمله صبحگاهی

سریه ابُوسلمه در سپیده دم انجام شدو بنی اسد را غافلگیر ساخت ، بر روحیه آنها تاءثیر گذاشت و وادار به گریزشان کرد.
تهاجم بامدادان تضمین کننده اصل غافلگیری است ، زیرا دشمن در این هنگام یا خواب است و یا خواب آلود و در هر حال برای جنگ آمادگی ندارد.
اما این قسم تهاجم ، به نیروهای کارآزموده نیاز دارد که اهدافشان را به خوبی بشناسند و با خودشان درگیر نشوند. زیرا این کار موجب زیانهای جانی جبران ناپذیری می گردد. تهاجمهای بامدادی مسلمانان نشانه آزمودگی و آشنایی ممتاز آنها به فنون نظامی است . همچنین این نوع تهاجم مقتضی آن است که فرمانده بر کار خود مسلط باشد و انضباط شدیدی حاکم کند تا فرمانهای او به اجرا درآید.
موفقیت مسلمانان در این نوع تهاجم ، نشان دهنده آموزش عالی و اطاعت پذیری کامل ، یعنی مهم ترین ویژگی ارتشهای نیرومند و استوار است .

۳ ـ جنگ شهری و خیابانی

یهودیان بنی نضیر با انتقال سنگ ، خیابانها را سنگر بندی کرده برای دفاع خانه ها و خیابانها تا پای جان ایستادند.
مسلمانان خانه به خانه و خیابان به خیابان شهر را پاکسازی کردند تا اینکه حلقه محاصره یهود تنگ گردید و ناچار به تسلیم شدند.
جنگ شهری و خیابانی برای نیروی مدافع آسان است ، زیرا از سویی راهها را می شناسد و از محلهای ورود و خروج خانه ها آگاه است و از سوی دیگر خیابانها و خانه ها نقش مهمی در حمایت از مدافعان دارد. از این رو چنین جنگی برای نیروی مهاجم دشوار است و فرمانده آن باید کاملاً مسلط باشد و رزمندگان باید از نظم و انضباط دقیق بر خوردار باشند.
پیروزی مسلمانان در جنگ شهری علیه یهودیان نشان دهنده آن است که سطح فرماندهی ، نظم و انضباط و آموزش آنها بسیار بالا بود.

٤ ـ نوآوری

نوآوری در اینجا به معنای سرعت انتقال ذهن در تصمیم گیری قاطع و درست در موقعیتهای دشوار و پذیرش مسؤ ولیت عواقب آنهاست .
رفتار عبدالله بن اُنیس در کشتن خالد بن سفیان هُذَلی

، که بَنی لِحْیان را برای تهاجم به مدینه بسیج کرده بود، ابتکار عمل جالبی بود و موجب پراکندگی قبیله وی گردید. عبدالله بن اُنیس با این کار، به تنهایی نقش یك نیروی بزرگ را ایفا کرد. در حالی که از میان بردن بنی لحیان نیازمند نیرویی بزرگ و بذل تلاش و وقت و مال فراوان بود و نتایج روشن و مشخصی هم نداشت .

رفتار رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در حرکت دادن نیروها، پس از آگاهی بر تلاش عبداللّه بن ابی برای ایجاد فتنه میان مهاجران و انصار ـ و پیمودن یك مسیر دشوار سی ساعته یك ابتکار عمل به موقع بود. زیرا اگر چنین نمی کرد و مبارزین را به رنج نمی انداخت ، بعید نبود که نقشه عبدالله با پیروزی قرین گردد.

خصوصیت ابتکار عمل یکی از مهم ترین مزیتهای فرماندهان قدرتمند است .

ولی آیا این زیانها در روحیه و شکیبایی و ایمان مسلمانان تاثیر گذاشت ؟

شهادت دعوتگران در روحیه مسلمانان بی تاءثیر بود، زیرا به ارسال دعوتگران ادامه دادند و برای اینکه مشرکان بار دیگر به فکر خیانت نیفتند، به انتقام خون دعوتگران شهید بپاخاستند.

منافقان برای تاءثیر گذاشتن بر روحیه مسلمانان به اسلوب جعل اخبار دروغ روی آوردند و پس از غزوه بنی مصطلق داستان اِفْك را جعل کردند.

این اسلوب نیز در روحیه مسلمانان مؤ ثر واقع نشد و مشرکان ، یهود و منافقان چاره ای جز این ندیدند که برای از میان بردن کامل مسلمانان نیروهای شان را در جبهه ای واحد بسیج کنند ـ چنانکه در غزوه خندق خواهد آمد ـ

ادامه دارد ...

۵ ـ حفظ روحیه

پس از آنکه مشرکان و منافقان از پیروزی بر مسلمانان در میدان نبرد نومید شدند، برای تضعیف نمودن روحیه آنها دست به جنگ تبلیغاتی زدند.

مشرکان درصدد برآمدند که بر روحیه مسلمانان تاثیر گذاشته ، امنیت مبلّغان ارسالی را سلب کنند تا تبلیغات اسلامی به محیط بسته مدینه ـ که گنجایش برآوردن اهداف نزدیك و دور مسلمانان را نداشت ـ محدود گردد.

قبایل عَضُل و قارَه ابتدا از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) تقاضای ارسال مبلغ کردند تا اسلام را به آنهاآموزش دهند. اما هنگامی که شش دعوتگراسلامی به جایی به نام رجیع رسیدند، همین دو قبیله با همدستی هذیل به آنها خیانت کردند

عامر بن طفیل از بنی عامر نیز همراه با گروهی از اعراب در محل بئر معونه در نجد به چهل دعوتگر اسلامی خیانت کرده همه آنان را بجز یك تن ـ که خبر شهیدان را به مدینه برد ـ شهید کردند.









نویسنده گان : فاروق سمنگانی و ابوالاحسان نجیب الله گرزیوانی
مرتب : حبیبی سمنگانی

شهید داملا عبیدالله مشهور به داملا محمد - تقبله الله -

شهید داملا عبیدالله مشهور به محمد در سال ۱۳۶۷ خورشیدی در یک خانواده دین دوست و علم پرور چشم به جهان گشود. شهید داملا محمد در سن هفت سالگی برای درس های دینی شامل مدرسه فلاح الدارین در منطقهٔ چوچمن ولسوالی حضرت سلطان ولایت سمنگان شد. او درس های عصری را تا صنف شش در مکتب متوسطه اورلمش (ولسوالی حضرت سلطان) خواند. سپس روند فراگیری علوم دینی را در مدارس مختلف ولایت های سمنگان، بلخ، بغلان، قندوز و تخار ادامه داد و کتاب های فنون را تا مطوّل نزد علمای جید ولایات مذکور خواند.

شهید داملا محمد در سال ۱۳۸۹ خورشیدی به هدف آزادی کشور عزیز از چنگال صلیبی های اشغالگر و غلامان حلقه بگوش شان عزم جهاد کرد و برای تعلیمات نظامی، شامل معسکر حضرت عمر فاروق - رضی الله عنه - در منطقه تندورک ولایت بلخ شد. او سپس مدت یکسال در کشور پاکستان به درسهای دینی اش ادامه داد. شهید داملا محمد در سال ۱۳۹۱ خورشیدی در پهلوی ادامه درس ها، به جهاد مسلحانه نیز آغاز کرد. یک پوسته در منطقه اوملی (حضرت سلطان) و یک پوسته دیگر در منطقه شریکیار (حضرت سلطان) توسط مجاهدین به سرکردگی او فتح شد. او دران سال به حیث مسئول انتقالات نیز در چوکات تشکیلات جهادی ولایت سمنگان خدمت می نمود.

شهید داملا محمد در سال ۱۳۹۲ خورشیدی به حیث مسئول جهادی ولسوالی حضرت سلطان انتخاب شد و مدت بیش از سه سال به این حیثیت خدمات جهادی انجام داد. در سال ۱۳۹۲ خورشیدی، مجاهدین به سرکردگی او قوهٔ اداره مزدور کابل را که به ولسوالی مذکور آمده بود شکست دادند و چندین تانک و وسایط نظامی دشمن را از بین بردند.

شهید داملا محمد در سال ۱۳۹۵ خورشیدی با رفقای جهادی خود به ولسوالی دره صوف ولایت سمنگان رفت و دران جا به همراهی مجاهدین آن ولسوالی، چهار پوسته

را در منطقه زیرکی فتح نمودند. هرگاه قوای رژیم مزدور به ولسوالی دره صوف آمد، مجاهدین هفده شب و روز محاصره ماندند، اما بالاخره محاصره را شکستند و نیروهای اجیر را با شکست سنگین مواجه ساختند.

در سال ۱۳۹۶ خورشیدی، مجاهدین به سرکردگی شهید داملا محمد به قریه های بغل شکاف و هزار قدوق ولسوالی حضرت سلطان پیشروی کردند و دران جا سنگر گرفتند. نیروهای دشمن در برابر مجاهدین یورش آوردند، چند تن از مجاهدین در جریان درگیری شهید شدند و خود داملا محمد زخم برداشت، اما دشمن دشمن بالاخره شکست خورد و وادار به عقب نشینی شد.

شهید داملا محمد در سال ۱۳۹۷ خورشیدی یکبار دیگر به حیث مسئول جهادی ولسوالی حضرت سلطان تعیین شد. در طی یک سالی که داملا محمد از مسئولیت ولسوالی مذکور سبکدوش بود، تقریبا تمام نقاط ولسوالی مذکور از کنترول مجاهدین بیرون شده بود. اما با برگشت داملا محمد، مجاهدین دوباره با مورال عالی وارد منطقه های از دست داده خود شدند و دشمن را عقب زدند. نیز مجاهدین ولسوالی های دره صوف و حضرت سلطان در سال ۱۳۹۷ خورشیدی در عملیات های ولسوالی دره صوف به گونه مشترک و به شکل منظم سهم می گرفتند و به فتوحات زیادی نائل شدند. مثلا ؛ در حمله بر پوستهء اربکی های قومندان ظالم به نام «کور ابراهیم» هفده نفر اربکی کشته و جندین تن دیگر شان زخمی شدند. سپس در منطقه دایکندی ولسوالی دره صوف نیز در حمله مجاهدین بر پوسته اربکی ها ۸ اربکی کشته و ۲۰ اربکی دیگر زخمی شدند. همچنان در حمله بر پوسته های قومندان الماس پیس ۸ نفر اربکی کشته و چند اربکی دیگر زخمی شدند. بعد ازان یک قوای بزرگ دشمن به سرکردگی آمر امنیت ولایت سمنگان «طاهری خوانی» به منطقه زیرکی ولسوالی دره صوف آمد. اما مجاهدین بی درنگ بر آن قوای دشمن یورش بردند و در نتیجه به شمول آمر امنیت ولایت و چند مقام دیگر نظامی در مجموع بیش از ۵۰ تن عسکر دشمن کشته شدند، چند عسکر زخمی و ۲ عسکر دیگر در اسارت مجاهدین قرار گرفتند. مجاهدین ۱۴ وسایط نظامی و ده ها میل سلاح های سبک و سنگین را به غنیمت گرفتند.

در نتیجه زحمات خستگی ناپذیر و مساعی بی دریغ این مجاهد نستوه، بیشتر ساحات و مناطق ولسوالی های حضرت سلطان و دره صوف و بعضی مناطق ایبک (مرکز ولایت سمنگان) فتح گردید، مردم از شر و ظلم مقامات و نظامیان فاسد اداره مزدور کابل نجات یافتند. اما این پیکر شجاعت و شهامت بالاخره در جریان راه اندازی عملیات در منطقه تیخونک در مربوطات مرکز ولایت سمنگان در اثنای یک درگیری به اثر اصابت گلوله دشمن به روز پنجشنبه ۸ حمل ۱۳۹۸ خورشیدی - مصادف با ۲۸ مارچ ۲۰۱۹ میلادی - به سن ۳۱ سالگی به مقام عالی شهادت فائز گردید.

شهید احمد بلال - تقبله الله -

شهید محمد دولت مشهور به احمد بلال پسر داکتر محمد لطیف نواسه مولوی طلب الدین در سال ۱۳۷۷ خورشیدی در قریه گاوکی ولسوالی گرزیوان ولایت فاریاب در یک خانواده علمی و روحانی به دنیا آمد و محمد دولت نام گذاشته شد. شهید احمد بلال به سن شش سالگی شامل مکتب گرزیوان شد و همزمان درس دینی را نزد امام مسجد روستای خود می خواند.

شهید احمد بلال بنا بر عشق و علاقه که در امورات دینی داشت، خداوند متعال قلب و پای او را به طرف مدرسه کشاند. او چند وقت در روستای خود در مدرسه انوار المدارس درسهای دینی خواند. او از ابتدای تعلم و درسخوانی چنان ذوق و طبیعت دینی داشت که حتی نمی خواست یک وقت نمازش قضا شود و یا به تماشای تلویزیون و دیگر لهو و لعب بنشیند. تمام توجه و علاقه او به تحصیل علوم دینی مرکوز بود.

شهید احمد بلال از همان نوجوانی می دید و از زبان علماء می شنید که کفار خصوصا غربی ها به سرکردگی آمریکایی ها به کشور اسلامی ما تجاوز کرده، نظام اسلامی را از بین برده، قانون کفری را جاگزین قانون اسلامی ساخته اند و مسلمانان را به نام های گوناگون شهید و یا هم به زندان ها می اندازند. بناءً احساس جهاد و مبارزه دل و دماغ او را مسخر می کند. او فضیلت جهاد، هجرت و شهادت را نیز درک کرده بود، همان بود که تصمیم گرفت عملا به صف جهاد علیه اشغالگران و مزدوران شان بپیوندد و به مبارزه مسلحانه آغاز نماید.

شهید احمد بلال در ماه سنبله سال ۱۳۹۳ خورشیدی قریه گاوکی را ترک نموده به منطقه شش قره ولسوالی گرزیوان نزد مجاهدین می رود و عملا شامل صف جهاد می گردد. شهید احمد بلال بعد از پذیرش از طرف امیر مجاهدین ولسوالی گرزیوان برای یادگیری تعلیمات نظامی داخل

معسکر نظامی سلطان صلاح الدین ایوبی در ولسوالی گرزیوان گردیده، تعلیمات فنی نظامی را فرا می گیرد و راهی سنگرهای جهاد می شود.

پس از چند مدت، بنا بر استعداد و قابلیت فوق العاده که خداوند نصیب او کرده بود از سوی امیر جهادی شان داملا شعیب رسالت برای آموزش تعلیمات صحی و جراحی که مجاهدین به آن به شدت نیاز داشتند انتخاب می شود. شهید احمد بلال برای فراگیری تعلیمات صحی و جراحی سفر می کند و با دریافت تصدیق نامهء مهارت در فن جراحی دوباره نزد برادران مجاهد خود باز می گردد و عملا خدمات طبی را در صف مجاهدین آغاز می نماید و زخمی های مجاهدین را تداوی می کند.

او محبت ویژه ای به مجاهدین داشت. شب ها را در خدمت مجروحین بیدار سپری می کرد، هم تداوی می کرد، هم پهره داری می کرد، هم در نبردها سهم می گرفت و بر علاوه از مجاهدین، زخمی های ملکی را نیز علاج می نمود. هیچگاه آثار خستگی در بدن او دیده نمی شد. صبح و شام بر زبانش ذکر خدا جاری بود و بیشتر روزها روزه می بود. او شخص متواضع و عابد بود.

شهید احمد بلال چون حضور فیزیکی در سنگرهای جهاد را بسیار دوست داشت، همواره امیر جهادی خود را همراهی می کرد. شهید احمد بلال در عملیات های زیادی نظامی اشتراک کرد و وظیفهء که به او سپرده می شد به وجه احسن انجام می داد. او مهارت خاصی در عملیات های چریکی داشت. او به امر امیر خود درس های سلاح لیزری را نیز خواند و به حیث کماندوی قطعه سرخ امارت اسلامی وظیفه انجام می داد.

در واقع زحمات و جانفشانی های این جوان نستوه فراموش نشدنی است. او جوان شجاع و با همتی بود که در دشوار ترین شب و روزهای تاریخ این سرزمین، همچون دژمحکم در مقابل آمریکایی ها و غداران وطن فروش سینه خود را سپر کرد و مردانه وار از دین و میهن خود دفاع کرد. این مجاهد خدمتگار بالاخره شب دوشنبه هژدهم ماه سرطان سال ۱۳۹۷ خورشیدی مصادف با ۲۵ شوال المکرم ۱۴۳۹ هجری قمری در جریان یک عملیات بر علیه نیروهای مزدور در قریه سرچکان در مربوطات مرکز ولسوالی گرزیوان ولایت فاریاب در موضع آتن به سن ۲۰ سالگی جام سعادت بخش شهادت را نوشید و به آرزوی همیشگی شهادت در راه خدا بودرسید. اناالله و ناالیه راجعون.

شهید الحاج ملا محمد عالم خنجر - رحمه الله -

شهید الحاج ملا محمد عالم خنجر فرزند عبدالرشید در سال ۱۳۴۱ خورشیدی در قریه گاوکی در مربوطات ولسوالی گرزیوان ولایت فاریاب در یک خانواده متدین چشم به جهان گشود. او تعلیمات ابتدایی را نزد علمای قریه خود فراگرفت و تعلیمات متوسط را نزد الحاج مولوی صاحب خالمرزا که از علمای مشهور ولسوالی گرزیوان است خواند.

اما هرگاه قشون سرخ شوروی بر کشور عزیز ما هجوم آوردند و افغان های غیور به جهاد و مقاومت پرداختند، شهید خنجر درس های خود را نیمه تمام گذاشته به گروپ یکی از مجاهدین مشهور آن زمان مولوی عبدالغفور مشهور به مولوی قره پیوست و توانست در مدت کوتاهی یک گروپ جهادی را در زادگاه اش ایجاد و مسئولیت آنرا بدوش بگیرد. او در زمان جهاد شوروی و در دوران هرج و مرج داخلی به حزب جمعیت اسلامی وابستگی داشت.

اما در سال ۱۳۹۴ خورشیدی با درک این واقعیت که حزب مذکور در حلقه غلامی صلیبی ها درآمده است و همکار و زمینه ساز قوای اشغالگر صلیبی در افغانستان شده است، شهید خنجر رابطه خود را با ان حزب قطع نمود و رسما به صف مجاهدین امارت اسلامی پیوست.

سپس شهید خنجر تا آخرین رمق حیات خود خدمات شایان جهادی را زیر لوای سفید امارت اسلامی انجام داد و از خود کارنامه های درخشان در مبارزه با دشمنان دین و ملت ثبت نمود. اما این شمع پر نور علم و علمدار استوار جهاد به تاریخ ۱۱ ماه جوزای ۱۳۹۷ خورشیدی که مصادف بود با ۱۷ رمضان المبارک ۱۴۳۹ هجری قمری، حین یک سفر جهادی به اثر حادثه ترافیکی به شدت مصدوم شد و پس از چند ساعت، جان شیرین را به جان آفرین تسلیم نمود و به صف شهدای گلگون کفن امت محمدی - صلی الله علیه و سلم - پیوست .انا لله و انا الیه راجعون.

از شهید خنجر – تقبله الله - ۵ پسر و ۲ دختر به دنیا ماند که خوشبختانه همه شان را به زیور علم و تقوی آراسته ساخته است. پسران شهید خنجر – تقبله الله - توانسته اند با نصرت مجاهدین و رشادت در محاذهای جهادی، یاد و خاطرات او را زنده نگهدارند .

Monday	Tuesday	Wednesday	Thursday	Friday	Saturday	Sunday
25	26	27	28	1	2	3
4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17
18	19	20	21	22	23	24
25	26	27	28	29	30	31
1	2	3	4	5	6	7

March 2019

نمونه هایی از جنایات جنگی دشمن در ماه مارچ ۲۰۱۹ میلادی

تحقیق و ترتیب: حافظ سعید

بتاریخ ۳ ماه مارچ سال ۲۰۱۹ میلادی قوای حکومتی یک مسجد و یک کلینیک را در قلعهٔ قوزبای ولسوالی دولت آباد ولایت فاریاب بمباران کردند.

بتاریخ ۴ مارچ قوای مشترک ۴ فرد ملکی را در منطقه سرناوی مربوط ولسوالی شاولیکوت ولایت قندهار شهید و زخمی کردند و ۵ تن دیگر را دستگیر کرده با خود بردند.

بتاریخ ۵ مارچ در حمله طیاره درون اشغالگران بر منطقه گروچ ولسوالی بادپش ولایت لغمان ۹ فرد ملکی شهید شدند.

بتاریخ ۵ مارچ عساکر ضربتی حکومتی یک متعلم مکتب را در قریهٔ کررو مربوط ولسوالی صبری ولایت خوست شهید کرده و پدر شهید و ۴ تن از باشندگان قریه را دستگیر کرده با خود بردند.

بتاریخ ۵ مارچ قوای مشترک در جریان چاپه بر منطقه گندمک مربوط ولسوالی شیرزاد ولایت ننگرهار ۵ حویلی را تخریب و ۲ تن از باشندگان قریه را به شهادت رساندند.

بتاریخ ۸ مارچ در نتیجه حمله طیاره درون اشغالگران در منطقه خواجه داد مربوط ولسوالی موسی قلعه ولایت هلمند ۲ فرد ملکی به شهادت رسیدند.

بتاریخ ۸ مارچ عساکر اشغالگر و داخلی بر ساحات مسکونی در منطقه ناصرخیل ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار چاپه زدند، در جریان چاپه دروازه های خانه ها را شکستانده، اجناس قیمتی را غارت کرده و پس از ترک منطقه، ساحات مذکور را بمباران کردند که در نتیجه بمباری ۱۳ تن از اعضای یک فرد ملکی بنام داکتر نظرگل که اکثریت شان کودکان و زنان بودند شهید شده و ۲ تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ ۸ مارچ اشغالگران و عساکر داخلی در جریان چاپه و بمباران بر قریه های حسن خیل، جوی زرین و دولت خیل در منطقه تنگی دره مربوط ولسوالی سیدآباد ولایت میدان وردگ یک باب مسجد، یک کلینیک و تعداد زیادی حویلی را تخریب و ۷ تن از باشندگان ملکی منطقه به شهادت رسیدند.

بتاریخ ۹ مارچ قوای مشترک در هنگام چاپه بر قلعه های بدری و میرداد در ولسوالی واغظ ولایت غزنی ۱ مسجد، ۱۰ باب دوکان و ۱۳ حویلی را زیان رسانده و ملا امام مسجد قلعهٔ میرداد را همراه با ۳ تن از شاگردانش زندانی کردند. همچنین در باران قلقهٔ ولسوالی قره باغ نیز دروازه های خانه ها را با بمب منفجر کرده، اجناس قیمتی را غارت نموده و ۲ تن از باشندگان ملکی قریه را به شهادت رساندند.

بتاریخ ۹ مارچ در بمباران قوای مشترک در منطقه سرخلنگ مربوط ولسوالی مرغاب ولایت بادغیس ۴ تن بشمول یک کودک خوردسال به شهادت رسیدند.

بتاریخ ۹ مارچ در منطقه رخه مربوط ولسوالی برمل ولایت پکتیکا، قوای مشترک در جریان چاپه ۸ تن از هموطنان ملکی را به شهادت رساندند.

بتاریخ ۱۲ مارچ قوای مشترک در هنگام چاپه بر منطقه تنگ ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار، دروازه های خانه ها را شکستانده، اجناس قیمتی را غارت کرده و ٦ تن از هموطنان ملکی را به شهادت رساندند. آنها همچنین دو فرد ملکی را زخمی نمودند.

بتاریخ ۱۲ مارچ قوای مشترک یک موتر فلانکوچ ملکی را در منطقه شیرقلعه مربوط ولسوالی شلگر ولایت غزنی هدف قرار داده، ۸ تن از مسافرین موجود در ان را به شهادت رساندند. هنگامیکه مردم منطقه در حال انتقال اجساد شهداء بودند، طیاران آنها را هدف قرار داده، بمبار کردند که ۱۰ تن دیگر از هموطنان ملکی ما شهید و زخمی شدند.

بتاریخ ۱۲ مارچ در حمله درون اشغالگران یک مرد و یک زن در منطقه قلعه گز ولسوالی گرشک ولایت هلمند به شهادت رسیدند.

بتاریخ ۱۳ مارچ عساکر اشغالگر و داخلی ۳ فرد ملکی بنام های حمیدالله، تورجان و نورالله را در منطقه تخت غوندی اشکین در ولسوای بکوای ولایت فراه به شهادت رساندند.
بتاریخ ۱۳ مارچ در بمباران قوای مشترک در منطقه مراباد مروبوط ترینکوت مرکز ولایت ارزگان ۳ فرد ملکی شهید شدند.
بتاریخ ۱۳ مارچ اشغالگران یک موتر ملکی را در چهار راهی کرو در ولسوالی مارجه ولایت هلمند هدف قرار داد که ۳ تن از سرنشینان ملکی آن به شهادت رسیدند.
بتاریخ ۱۴ مارچ قوای مشترک در ساحه هیبت خیل در منطقه سهاکو مربوط ولسوالی زرمت ولایت پکتیا چاپه زدند که در جریان چاپه ۵ تن از هموطنان ملکی را به شهارت رساندند.
بتاریخ ۱۴ مارچ اشغالگران و قوای حکومتی بر ساحات شیخ آباد، زرین خیل، کودی، نوری و خریان مربوط ولسوالی سیدآباد ولایت میدان وردگ چاپه زدند، در جریان چاپه ۲ مسجد را تخریب و بشمول یک ملا امام چندین تن از باشندگان ملکی قریه را به شهادت رسانده و تعداد را دستگیر و با خود بردند.
بتاریخ ۱۴ مارچ در فیر و انداخت هاوان از سوی قوای حکومتی که بر ساحات مسکونی در منطقه فیض آباد ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب اصابت کرد، منجر به شهادت یک زن، یک کودک و ۲ مرد گردید.
بتاریخ ۱۶ مارچ قوای مشترک ۷ تن از باشندگان قریه را در منطقه خلازی مربوط ولسوالی چهاردره ولایت قندوز شهید و زخمی کردند.
بتاریخ ۱۶ مارچ عساکر حکومتی در منطقه سمن خیل ولسوالی باک ولایت خوست یک فرد ملکی بنام حاجی لونگ را پیش روی اعضای خانواده اش به شهادت رساندند.
بتاریخ ۱۷ مارچ عساکر حکومتی حویلی حاجی عبدالجبار در ولسوالی شهر صفای ولایت زابل را تخریب کرده و ۴ تن از برزگرانش (دهقانانش) را به شهادت رساندند.
بتاریخ ۱۸ مارچ اشغالگران یک موتر ملکی را در منطقه خواجه بلند ولسوالی نرخ ولایت میدان وردگ هدف قرار دادند که در نتیجه ۴ تن از مسافرین ملکی سوار در آن به شهادت رسیدند.
بتاریخ ۱۹ مارچ قوای مشترک داکتر محلی یک کلینیک را در قریه فولاد مربوط ولسوالی شهر صفای ولایت زابل زندانی کرده، برادرش را شهید کردند و ۲ تن از زنان خانواده اش را زخمی نمودند.
بتاریخ ۲۰ مارچ قوای مشترک ملا امام مسجد مولوی محمد یوسف را همراه با دو فرد بنام های حاجی عبدالبصیر و جلال الدین را در قریه سپینه در ولسوالی چاربران ولایت پکتیکا به شهادت رساندند.

بتاریخ ۲۰ مارچ اشغالگران ۲ فرد ملکی را در ساحه کنجک در منطقه قلعه گز مربوط ولسوالی گرشک ولایت هلمند به شهادت رساندند.
بتاریخ ۲۰ مارچ قوای مشترک یک زندان طالبان را در منطقه شرافت مربوط ولسوالی سنگین ولایت هلمند هدف حمله قرار داد که دها تن از زندانیان موجود در آن به شهادت رسیدند. قابل یادآوری است که در آن زندان دها تن عساکر حکومتی و جنایی زندانی بودند.
بتاریخ ۲۲ مارچ قوای مشترک یک خانه را در منطقه تیلاوکی مربوط مرکز ولایت قندوز بمباران نمود که در نتیجه ۱۳ تن از اعضای یک خانواده به شهادت رسیدند. در اعتراض به این کشتار مردم ملکی، باشندگان منطقه تظاهرات کردند و اجساد شهداء را با خود انتقال دادند. مظاهره کنندگان می گفتند که باید بمباران و چاپه ها متوقف شوند و گرنه انتقام شان را خواهند گرفت.
بتاریخ ۲۳ مارچ اشغالگران بر قریه های گوگیر و فقیر در ولسوالی زنخان ولایت غزنی چاپه زدند. در قریه گوگیر یک مدرسه دینی و یک مسجد را تخریب کرده ٦ تن از متعلمین را به شهادت رسانده و ۳ تن را زخمی نمودند. در قریه فقیر نیز یک مسجد و چندین حویلی را با بمب منفجر و تخریب کردند.
بتاریخ ۲۳ مارچ عساکر داخلی یک فرد ملکی بنام خیر محمد را در بازار ولسوالای المار ولایت فاریاب زیر تانک کرده و به شهادت رساندند.
بتاریخ ۲۵ مارچ در حمله طیاره درون اشغالگران یک موی سفید، ۳ کودک و ۴ زن در منطقه شورکی در ولسوالی گرشک ولایت هلمند به شهادت رسیدند.
بتاریخ ۲۵ مارچ در حمله طیاره درون اشغالگران ۲ تن از امامان مساجد در منطقه کنم و بزقندهاری مربوط مرکز ولایت قندوز به شهادت رسیدند.
بتاریخ ۲۵ مارچ در نتیجه چاپه اشغالگران در منطقه توتو مربوط ولسوالی شیرزاد ولایت ننگرهار ۵ تن از باشندگان ملکی قریه از سوی اشغالگران به شهادت رسیدند و زیان های سنگینی به خانه ها وارد گردید.
بتاریخ ۳۰ مارچ عساکر حکومتی لیسۀ ملا نوح بابا در منطقه یرگتو مربوط ولسوالی شلگر ولایت غزنی را هدف هاوان و ایسپی جینائن قرار دادند که در نتیجه یک استاد بمشول ۴ متعلم به شهادت رسیده و ۱۱ تن از متعلمین زخمی شدند.
منابع: { رادیوی بی بی سی، آزادی = آژانس اسلامی افغان، پژواک = ویب سایت های خبریال، لروبر، نن تکی آسیا و بینوا}



اعلامیه ها و پیام های رسمی امارت اسلامی افغانستان

اعلامیه امارت اسلامی در مورد آغاز عملیات جهادی (الفتح)

الحمدلله و کفی و الصلوة والسلام علی عباده الذین اصطفی، امابعد: فقد قال الله تبارک و تعالی :
إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ﴿١﴾ سورة الفتح) و ایضا قال الله تعالی: انفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ (التوبه) صدق الله العظیم

هموطنان مؤمن و برادران مجاهد!

از هژده سال به اینسو جهاد مسلحانه در برابر اشغالگران خارجی و پشتیبانان آنان در کشور عزیز ما افغانستان جریان دارد. این مبارزه جهادی آن باب پر افتخار تاریخ اسلام و افغانستان است که سعادت، دیانت، استقلال و سربلندی نسل های آینده ما را تضمین می کند و راز بقای معنوی ما دران نهفته است. اگر ملت ما شمشیر جهاد بر ضد انگلیس ها، شوروی ها و امریکایی های اشغالگر را بلند نمی نمودند، امروز ما نیز مانند دیگر ملت های مستعمره از عزت دنیوی و خودارادیت بی بهره می بودیم و نیز نسل های بعدی ما گمراه و از معتقدات خود بیگانه می شدند. اما لله الحمد این مرحمت ویژه پروردگار بر ملت ماست که ما را درین آزمون توفیق بخشید، ملت ما را توانایی قیام و مقاومت در برابر اشغالگران داد و ما را از زوال همیشگیِ معنوی نجات داد.

هموطنان مجاهد!

وظیفه جهادی ما هنوز به پایان نرسیده، اگرچه مناطق بیشتر کشور از چنگال دشمن آزاد گردیده است، اما هنوز هم نیروهای اشغالگر خارجی در کشور اسلامی ما حضور نظامی و سیاسی دارند. آن ها نه تنها زمام سیاسی کشور را در کنترل خود دارند، بلکه هر شب و روز هموطنان ما را از پایگاه های بزرگ نظامی شان بمباران می کنند، به همکاری و همراهی غلامان تربیه شده خود چاپه می زنند، مردم را با تلفات جانی و مالی مواجه می سازند و به اشکال گوناگون آنها را آزار و شکنجه می هند.

همچنان آن ها به تاریخ اول حمل سال جاری شمسی (۱۳۹۸) توسط اداره دست نشانده کابل عملیاتی را به نام خالد به منظور کشتار بیشتر افغان ها، تداوم اشغال و جلوگیری از نظام اسلامی، اعلان کردند. این عمل نشان می دهد که دشمن هنوز هم می خواهد از راه زور به اهداف شوم خود برسد، از همین جاست که موانعی در برابر نظام کامل اسلامی ایجاد می کند.

چونکه دفاع و پاسداری از دین، خاک، جان، مال و آبروی خود لازم می باشد و آزادی سراسری کشور اسلامی از استعمار بیگانگان فریضه جهادی است، امارت اسلامی برای تکمیل همین فریضه جهادی با آغاز سال جدید هجری شمسی عملیات جهادی را به نام (الفتح) اعلان می نماید و

درین مورد نکات چندی را قابل یادآوری و توجه می داند.
امر آغاز هماهنگ عملیات (الفتح) در تمام کشور صادر شد، چونکه در آغاز هر عمل نیت مهم است برادران مجاهد باید با کمال اخلاص و اصلاح النیة این عملیات جهادی را آغاز نمایند. از بین بردن اشغال، تصفیه کشور اسلامی از اشغال و فساد، اقامه نظام اسلامی، دفاع و خدمت هموطنان مسلمان را، تنها و تنها برای رضای الله متعال هدف خود قرار دهند.
مجاهدین مکلف هستند که اصل اطاعت را در جریان عملیات (الفتح) در نظر داشته باشند. نقش جهادی خود را باید در روشنی لوائح جهادی و رهنمودهای امرای خود انجام دهند. هر امر و توصیه که از سوی کمیسیون نظامی امارت اسلامی و دیگر ادارات ذی ربط صادر می شود باید به جدیت رعایت گردد، اعم ازینکه در مورد امور روزمره جهادی باشد و یا هم در مورد جلوگیری از تلفات ملکی، احتیاط، نظم، همکاری با یکدیگر، برخورد اخلاقی و سائر امور.
چونکه مجاهدین لله الحمد بیشتر از هر زمان دیگر به مورال بلند جهادی مجهز و از تجربه های حربی، تکتیک های جدید، پشتیبانی مردمی، نفوذ در صف دشمن و اسلحه پیش رفته برخوردار هستند، بناءً با امید از نصرت پروردگار امیدوار هستیم که امسال مناطق وسیع، شهر ها و مراکز از وجود دشمن تصفیه شود. برادران مجاهد باید در امور جهادی از غدر، غلول، خیانت و دیگر کارهای ناروا خود داری کنند و حفاظت جان و مال هموطنان و نگهداری املاک عامه و تاسیسات عام المنفعه را وظیفه خود پندارند.
یک بخش مهم عملیات (الفتح) بیرون کشیدن آن هموطنان از صف دشمن است که به نام های اردو، پولیس و اربکی در تشکیلات نظامی دشمن داخل شده اند و اشغالگران آن ها را برای منافع خود ابزارجنگی قرار داده اند. امارت اسلامی بجای مرگ آن ها در صف باطل، ترجیح می دهد که آنها با صف حق (امارت اسلامی) یکجا شوند و جان و مال خود را نجات دهند. به همین اساس، ما بر عساکری که در صف دشمن ایستاده اند یکبار دیگر صدا می کنیم که از دشمنی بی دلیل و جنگ بی فایده دست بکشند، با مجاهدین یکجا شوند و تضمین جان و مال خود را بدست بیاورند.
در اخیر، یکبار دیگر از برادران مجاهد خود می خواهیم که با کمال جدیت، اخلاص، توکل، عزم عالی و روحیه قوی عملیات (الفتح) را با صدای الله اکبر آغاز نمایند و با امواج روح پرور فتوحات، قلب های مسلمان های دردمند و تشنهء صلح و نظام اسلامی را مرهم بگذارند. به این باور داشته باشید که ما بر حق هستیم و فتح همواره نصیب حق پروران می باشد. با توجه به وعده های پروردگار آنروز نزدیک است که آرمان های شهدا، زخمی ها، اسرا، مهاجرین و ملت آزرده و رنجیده ما برآورده شود و با حصول فتح نهایی نظام اسلامی قائم و کشور ما از اشغال امریکایی و عناصر شریر نجات یابد. خداوند متعال می فرماید : وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ - القصص : ۵ - صدق الله العظیم.
ترجمه: و ما اراده نمودیم که بر آن کسانیکه در زمین ضعیف گردانیده شده بودند احسان (مهربانی) کنیم، انها را رهبران قرار دهیم و آنها را وارثان (درزمین) بگردانیم.

امارت اسلامی افغانستان
۷/۸/۱۴۴۰هـ ق
۲۳/۱/۱۳۹۸هـ ش ــ ۲۰۱۹/۴/۱۲م

اطلاعیه امارت اسلامی در مورد نشست تحت عنوان لویه جرگه

همه هموطنان می دانند که تلاش نمایشی به نام لویه جرگه که قرار است بتاریخ نهم ثور برگزار شود، پروسهء مکرر و ملت فریبانه غلامان امریکایی است که توسط آن، برای تداوم و مشروع جلوه دادن اداره بی صلاحیت و بیگانه پرور کابل تلاش می شود.



امارت اسلامی که قومنده جهاد جاری بر ضد اشغال را بدست دارد و صف دفاع از مردم و ارزش های خود را رهبری می کند، از ملت غیور، جهت های مختلف افغانی و جریان های سیاسی می خواهد که در دسیسه دشمن بنام جرگه سهم نگیرند و اداره بی اختیار کابل را دیگر هم در انزوا قرار دهند.

در حالیکه از یکسو در مذاکرات میان امارت اسلامی و امریکا پیشرفت شده است و از سوی دیگر در بخش تفاهم بین الافغانی گام های مثبت برداشته شده اند، اداره کابل پروسه ای را بنام لویه جرگه بخاطر به راه انداخته است که از خاتمه اشغال، آمدن صلح و آرامش واقعی جلوگیری کند، از احساسات چند فرد نا آگاه استفاده سوء کرده، با مطرح نمودن خط های سرخ وسبز جریانات واقعی صلح را سبوتاژ و صدای مذاکرات و آتش بس با اداره بی اختیار کابل را بلند کند، اذهان عامه را از ظلم و وحشت جاری اشغالگران و اداره کابل بسوی دیگری مبذول دارند و تلاش کنند که در چشم مردم خاک بریزند.

متاسفانه، در هژده سال گذشته این چندمین بار است که از جرگه ها برای تحقق اهداف استعماری و اشغالگرانه استفاده می شود و این عنعنه تاریخی به گونه مکرر به نفع بیگانگان مورد استفاده قرار می گیرد.

امارت اسلامی بر جرگه های واقعی و تفاهم با هموطنان خود باور دارد؛ اما این حقیقت را روشن می سازد که جرگه فعلی به خواست بیگانگان و تلاش های تمثیلی آن ها فرا خوانده شده و مقاطعه هموطنان ما را با آن، مسئولیت ملی و اسلامی می پندارد و کسانی که در این دسیسه اشتراک می کنند آن ها را دشمنان صلح واقعی می داند.

همه تصامیم قبلا گرفته شده و بر آن فیصله شده است، که بر اشتراک کنندگان این جرگه کورکورانه امضا خواهد شد. و این در حالیست که آن تصامیم از همین اکنون از سوی تمام ملت مسلمان افغانستان مردود است.

امارت اسلامی افغانستان

۲۳/۸/۱۴۴۰هـ ق

۸/۲/۱۳۹۸هـ ش ــ ۲۰۱۹/۴/۲۸م

اعلامیه کمیسیون زراعت و مالداری در مورد نهال شانی در فصل بهار

آزادی و آبادی کشور دو آرمان بزرگ است. امارت اسلامی افغانستان نبرد سنگین آزادی کشور را به پیش می برد، اما آبادی این میهن را نیز فراموش نکرده است. آبادی وطن از یک سو دلیل محبت با سرزمین خود و از سوی دیگر اجابت فرمان الهی و سپاسگذاری از نعمت های پروردگار است.

ما آبادی کشور را عبادت می دانیم، زیرا خداوند متعال بر اساس حکم «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» ما را به آبادی زمین مؤظف نموده است.

از پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد - صلی الله علیه و سلم - نیز روایت شده است :

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "إِنْ قَامَتْ عَلَى أَحَدِكُمُ الْقِيَامَةُ، وَفِي يَدِهِ فَسِيلَةٌ فَلْيَغْرِسْهَا" رواه احمد.

ترجمه : اگر به یکی ازشما روز قیامت رسید، در حالیکه در دست او نهالی باشد، پس باید آن نهال را غرس نماید.

بنا برین کمیسیون زراعت، مالداری، عشر و زکوة امارت اسلامی به اساس هدایت مقام رهبری امارت اسلامی، همچون گذشته یکبار دیگر از تمام مردم متدین و مجاهدین خود می خواهد که هر فرد افغان باید حد اقل یک نهال میوه دار و یا بی میوه برای سرسبزی و شادابی کشور کشت نماید و تجاران ملی باید در غرس نهال های میوه دار و تجارتی با مردم فقیر همکاری کنند.

با غرس نهال ها، هم به فرمان رسول الله صلی الله علیه وسلم عمل می شود و سبب اجر می گردد و هم کشور آباد و سرسبز می شود. این یک صدقه جاریه و بهترین راه برای آبادی کشور است.

کمیسیون زراعت، مالداری، عشر و زکوة امارت اسلامی

۹/۷/۱۴۴۰هـ ق

۲۵/۱۲/۱۳۹۷هـ ش ــ ۲۰۱۹/۳/۱۶م

اطلاعیه اداره تحصیلات عالی امارت اسلامی به مناسبت فرارسیدن سال تحصیلی ۱۳۹۸ و بازگشایی ادارات تحصیلات عالی و نیمه عالی کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أعز العلم في الأعصار و أعلى حزبه في الأمصار ، والصلاة والسلام على المبعوث معلما ومتمما لمكارم الأخلاق ، وعلى آله وأصحابه الذين فازوا منه بحظ جسيم إلي يوم الدين ، و بعد قال الله تعالى : ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ.

به مناسبت فرا رسیدن سال تحصیلی ۱۳۹۸، اداره تحصیلات عالی امارت اسلامی افغانستان، اطلاعیه خود را در حالی، به حضور والای استادان محترم و محصلان عزیز صمیمانه عرض میدارد که بالای حریم مقدس ایشان، زیر چتر اشغال غم و اندوه سایه افگنده است.

امروز همه جهانیان شاهد آن هستند که وطن عزیز ما بیشتر از هجده سال میشود که با معامله ای ننگین و شرم آور یک مشت از خائنان، دین و وطن فروشان داخلی، در اشغال و

چنگال قدرت های خارجی به رهبری آمریکاییها قرار دارد.
به طور خاص اشغالگران و مزدوران داخلی آنها تمرکز خاص بالای قشر تعلیم یافته دارند، برای فاسد کردن عقیده، فکر و عمل ایشان راهای گونا گون به کار می اندازند؛ بناءً در چنین شرائط حساس، دین مقدس اسلام از علماء، روشنفکران مسلمان، جوانان حامل فکر اصیل اسلامی و پویندگان این عرصه پرفضیلت، تقاضا مینماید تا جستجو و تحصیل علم، تدبر و تحقیق، رعایت حرمت قلم و احترام به عالم را جزو بهترین عبادات و فرایض شمار نموده و آن را بحیث جهاد فی سبیل الله در پیش گیرد.
در این راستا ، سعي وتلاش استادان، جوانان و محصلان مسلمان باید با تقویت بنیاد های عقیدوی، علمی و زیرساخت های آموزشی اسلامی و توجه بیش از پیش به امر مهم که عبارت از تخریب مغز نسل جوان افغان، توسط فرهنگ بیگانه است، ایشان وظیفه دارند که با طرح پلان های لازم و ضروری، روشن ساختن حقائق و به هدف پیروزی حق بر باطل، رسالت بزرگ خود را قوی تر بسازند.
اداره تحصیلات عالی از روی وجیبه اسلامی خود سعی می کند تا جلو اهداف شوم اشغالگران و مزدوران آنان را بگیرد و بجای آن، نسل جوان و قشر دانش آموزان را به عقیده و فکر اسلامی و اخلاق نبوی مجهز بسازد.
این یک حقیقت مسلم است که کشورهای جنگ زده (همچون افغانستان) جز ترویج علم و دانش دیگر راهی برای پیروزی ندارند، و بدون بالا بردن سطح تعلیم و تربیه ایجاد یک جامعه خالص و پیشرفته اسلامی امکان ندارد.
محصلان و استادان مسلمان و با ایمان!
ملت مجاهد افغانستان ، از شما و کلیه قشر منور و آگاه کشور انتظار دارد، تا همانند گـذشتگان نیک نام تاریخ – آنهایی که از تجاوز انگلیس تا تهاجم قشون سرخ شوروی، قربانی ها وجان فشانی های فراوان را تحمل کرده بودند – در کنار برادران مجاهدین سر بکف خود، با همکاری و ایستادگی با سایر گروه های جامعه با قلم و توانایی خود به مبارزه علمی و فرهنگی بپردازید.
دشمن خونخوار ما چنانکه برای همگان معلوم است از روی فطرت و طبیعت خود از هیچگونه ویرانی، چپاولگری، غارت منابع طبیعی، کشتار مردم مظلوم و بی گناه و همچنان اِعمال فقر و بیکاری و دیگر دسیسه ها و توطئه های گوناگون دریغ نکرده نکرده اند، باید اجازه داده نشود که اینگونه نفوذ ناروای خود را در پیکر ملت ما ادامه بدهد.

اداره تحصیلات عالی افغانستان یکبار دیگر شما محترمین را بسیار احترامانه دعوت می دهد که با درک مسئولیت اسلامی، تاریخی و افغانی خود برای پرورش سالم فرزندان جوان این ملت مظلوم و مسلمان، نقش سازندهء خود را ایفا بنمائید.
اداره تحصیلات عالی در پایان از دربار خداوند متعال برای شما توفیق بیشتر و پیروزی های پیهم در هر بخش زندگی مسئلت دارد.

امارت اسلامی افغانستان
کمیسیون تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی
اداره تحصیلات عالی
۲۷/۷/۱۴۴۰هـ ق
۱۴/۱/۱۳۹۸هـ ش ــ ۲۰۱۹/۴/۳م

اعلامیه امارت اسلامی در مورد سیلاب زده گان بعضی ولایات شمالی و غربی کشور

با تاسف، راپورهای را بدست آوردیم که ولایت های هرات، فراه، بادغیس، جوزجان، سرپل و بلخ بر اثر بارنده گی های اخیر شاهد سیلاب ها بوده است.
تعداد زیادی هموطنان ما درین حوادث با تلفات جانی و مالی مواجه شده اند، خانه های مردم، کشت زارها، راه های مواصلاتی و پل ها تخریب شده و همچنان شماری زیادی از مردم به شمول زنان و کودکان جان های خود را از دست داده اند و یا زخمی شده اند.
امارت اسلامی غمشریکی خود را با تمام متضررین این واقعات ابراز می دارد و برای جان باخته گان جنت الفردوس، برای زخمی ها شفای عاجل و برای خانواده ها و بازماندگان شان صبر جمیل و نعم البدل را مسئلت دارد.
همچنان بر تمام هموطنان به ویژه مجاهدین که به این مناطق نزدیک اند صدا می کند که به همکاری برادران آسیب دیده خود بشتابند و در بخش تداوی زخمی ها و تهیهء سرپناه برای بی جا شده گان کمک نمایند.
تجاران کشور، نهادهای خیریه و مؤسسه های بشری نیز باید مسئولیت خود را ایفا نموده، با مردم همکاری های همه جانبه بکنند. والسلام

امارت اسلامی افغانستان
۲۳/۷/۱۴۴۰هـ ق
۱۰/۱/۱۳۹۸هـ ش ــ ۲۰۱۹/۳/۳۰م

تقدیم: ابوعابد

مرد حُر

مرد حر محکم ز ورد «لاتخف» — ما بمیدان سر بجیب او سر بکف
مرد حر از لااله روشن ضمیر — می نگردد بندهٔ سلطان و میر
مرد حر چون اشتران باری برد — مرد حر باری برد خاری خورد
پای خود را آنچنان محکم نهد — نبض ره از سوز او بر می جهد
جان او پاینده تر گردد ز موت — بانگ تکبیرش برون از حرف و صوت
هر که سنگ راه را داند زجاج — گیرد آن درویش از سلطان خراج
گرمی طبع تو از صهبای اوست — جوی تو پروردهٔ دریای اوست
پادشاهان در قباهای حریر — زرد رو از سهم آن عریان فقیر
سر دین ما را خبر ، او را نظر — او درون خانه ما بیرون در
ما کلیسا دوست ، ما مسجد فروش — او ز دست مصطفی پیمانه نوش
نی مغان را بنده ، نی ساغر بدست — ما تهی پیمانه او مست الست
چهره گل از نم او احمر است — ز آتش ما دود او روشنتر است
دارد اندر سینه تکبیر امم — در جبین اوست تقدیر امم
قبلهٔ ما گه کلیسا ، گاه دیر — او نخواهد رزق خویش از دست غیر
ما همه عبد فرنگ او عبده — او نگنجد در جهان رنگ و بو
صبح و شام ما به فکر ساز و برگ — آخر ما چیست تلخیهای مرگ
در جهان بی ثبات او را ثبات — مرگ او را از مقامات حیات
اهل دل از صحبت ما مضمحل — گل ز فیض صحبتش دارای دل
کار ما وابستهٔ تخمین و ظن — او همه کردار و کم گوید سخن
ما گدایان کوچه گرد و فاقه مست — فقر او از لااله تیغی بدست
ما پر کاهی اسیر گرد باد — ضربش از کوه گران جوئی گشاد
محرم او شو ز ما بیگانه شو — خانه ویران باش و صاحب خانه شو
شکوه کم کن از سپهر گرد گرد — زنده شو از صحبت آن زنده مرد
صحبت از علم کتابی خوشتر است — صحبت مردان حر آدم گر است
مرد حر دریای ژرف و بیکران — آب گیر از بحر و نی از ناودان
سینهٔ این مردمی جوشد چو دیگ — پیش او کوه گران یک توده ریگ
روز صلح آن برگ و ساز انجمن — هم چو باد فرودین اندر چمن
روز کین آن محرم تقدیر خویش — گور خود می کندد از شمشیر خویش
ای سرت گردم گریز از ما چو تیر — دامن او گیر و بیتابانه گیر
می نروید تخم دل از آب و گل — بی نگاهی از خداوندان دل
اندر این عالم نیرزی با خسی — تا نیاویزی بدامان کسی

اقبال



ای هیواده	ای خپلواکه	تانه ځارشم	ای ګلشنه
ای خپلواکه	ناپیَلې	دین پروره	خوږ وطنه
تانه ځارشم	دین پروره	موږ ته ګران یې	زموږ تنه
ای ګلشنه	خوږ وطنه	زموږ تنه	او مدفنه

ساقیار

د هلمندې اسیرې خور کی ته د فدایي مجاهد پیغام

ژوندون مې په کار نه دی انتخاب به د مرګي اخلم
اخ، ملالې خورې غچ به ستا له غلیمګي اخلم

ټیټې سترګې ګرځوم اورېل نه دې لویدلی دی
جاج دې له انګېره د رشمې ټیکري اخلم

وار وکړه، ښوراب ته ځم، میوند ته ځم وردګ ته ځم
غچ دې له ابلیسه له بې ننګه صلیبي اخلم

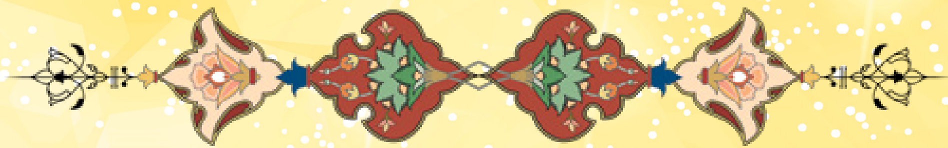
تا که ناهیدي غوندې په وینو خط را ولیږی
زه د محمد بن قاسم توره دستي اخلم

ورک دې شي ویده ضمیر او مړ احساس به څه کوم
هوډ به د عمر اخلم او عزم منصوري اخلم

ستا د سرتورې او ستا داوښکو قیمت څومره دی ؟
وګوره ځورجانې انتقام دې فدايي اخلم

سر پر نوامیسو په غیرت کوم یو شینډلای سي
پیل له (جابر) نه کړم لوزونه غیرتي اخلم

جابر کندهاری



ثالث عمر (رحمه الله)

چو نوری آمدی ثالث عمر
زُدودی ظلمت باطل زِ سر

ز تو شد عالمی روشن ضمیر
به‌اخلاصت جهانی بهره‌ور

نکرد دشمن تحمل عزم تو
به‌پا کرد آتشی، شد در به‌در

تو گفتی روز اول کین هجوم
شود ناقص، به‌نفع ما ظفر

ولی گفتند و خندیدند و لیک
کنون شد گفته‌ات پُر از گُهر

تو رفتی یاد تو از دل نرفت
به‌دل‌ها ثبت تاریخ است عمر

به‌اخلاصت نهادی این نهال
کنون شد هر نهالی پر ثمر

نه‌گشتی بت‌فروش ای بت‌شکن
سبب شد تا به گشتی تو خطر

تنازل را به‌گفتی مرگ دین
مبادی را نه‌کردی سیم و زر

کرَم کردی به‌مهمانت دوچند
نه‌دادی دست دشمن یک نفر

به‌پیش عزم تو گشتند زبون
نه‌خم کردی به‌پیشش تو کمر

دلیر و مرد میدانِ عمل
ولیِّ عصر ما نور القمر

خداوند رحمت خاصش کند
قرینت روز سختِ لا مفرّ

به ابیات مهاجر کی شود
بیان و شرح آن ثالث عمر

محمد داود مهاجر

لویه جرگه یا نمایش نامه !!

امروز رژیم کابل به فرمان اشغالگران به اصطلاح لویه جرگه دائر کردند، درین جرگه مردم بجای خود، حتی مقامات مهم پیشین و کنونی رژیم نیز سهم نگرفته اند، بیشتر سیاستمداران، متنفذین و تحلیلگران این جرگه را تقلبی و فرمایشی خوانده اند.

نشست و جرگهء که این قدر مسخره شود چه نتیجهء مثبت خواهد داشت، کاملا روشن است. اینگونه نشست ها و جرگه ها جز اینکه مدت بقای رژیم را تمدید بکند و رژیم فساد و وحشت خود را تکرار بکند، دیگر نتیجه ای ندارد.

لویه جرگه عنعنه ملی و تاریخی ما و مرجع قوی برای اعاده استقلال کشور، از بین بردن انارشی و به وجود آوردن و استحکام حاکمیت مشروع و مرکزی است. اما متاسفانه، همین عنعنه دیروز از سوی کمونیست ها برای بقای اشغال، وحشت و منافع شوروی ها بکار برده شد و امروز بار دیگر برای توجیه و استحکام اشغال امریکایی و تداوم وحشت و بربریت آن ها استعمال می شود.

امارت اسلامی اینگونه جرگه ها را تحریم و بر عدم اشتراک در چنین جرگه ها اصرار نموده، از روی مکلفیت دینی و ملی خود مبارزه در برابر فساد و اشغال را آغاز و ادامه داده است. مبارزه ما در برابر فساد و اشغال دو مجوز بزرگ و روشن دارد، یکی دینی و دوم ملی.

نصوص دینی اصرار دارد که کدام کافر اگر بر یک کشور مسلمان تجاوز بکند، جنگ و جهاد در برابر ان فرض عین است. مردم کشور اشغال شده با جان، مال و زبان خود از ارزشها، منافع و حریم خود به شدت دفاع می کنند.

هر ملت به پاسداری از ارزشها، نوامیس و حریم خود متعهد می باشند. هر چه افغان ها در نگهداری خاک و ارزش های خود شهرت و شرف جهانی دارند، در طول تاریخ به هیچ نیروی اجنبی سر ننهاده اند، بلکه همواره اشغالگران و استعمارگران را از خاک خود بیرون رانده اند و توبه داده اند. انگلیس ها و شوروی ها را شکست دادند و اکنون برای بیرون راندن امریکایی های اشغالگر کمر بسته اند.

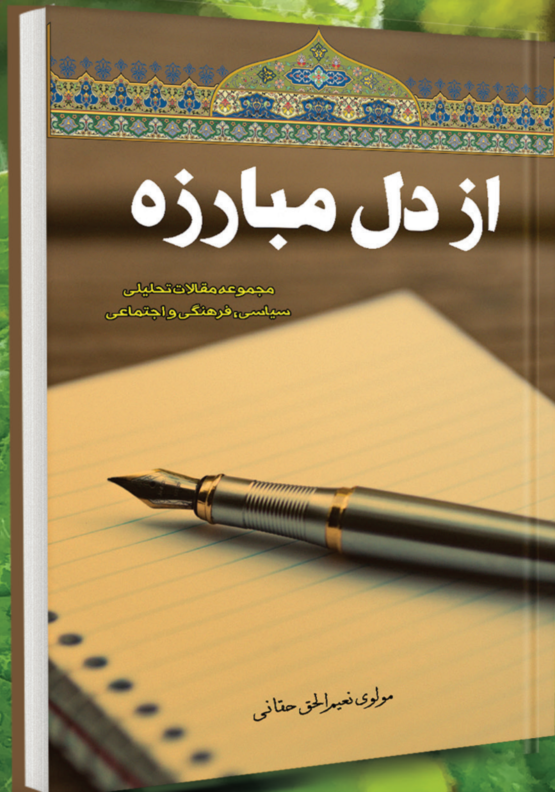
استعمارگران همواره برای مشروعیت اشغال خود تلاش های کرده اند، مزدوران شان را وظیفه داده اند که از راه های مختلف اشغال و مظالم باداران شان را توجیه بکنند. در هژده سال اشغال کشور ما، اشغالگران در طی بدنامی عنعنات ملی ما چندین بار برای بدنامی لویه جرگه نیز تلاش کردند، مثلا جرگه های سال های ۲۰۰۳، ۲۰۱۴ و این لویه جرگه (؟) کنونی.

در لویه جرگه کنونی کابل نه نمایندگان ملت وجود دارد و نه هم این لویه جرگه برای اهداف مشروع ساخته شده است، بازی کنان آن پیش از پیش معلوم شده است، سناریوی آن با حرکات و نمایش های مختلف تقدیم شده و تماشا کنندگان با کف زدن ها استقبال کرده اند!!

برگرفته از: صفحه سخن روز الاماره

Haqiqat

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine





به نقل از سایت الاماره:

"از دلِ مبارزه" کتاب مهم و مفیدی است که با مطالعه اش معلومات و حقائق ناگفتهء دهه دوم اشغال را میَ توان بخوبی درك نمود.

"از دل مبارزه" مشتمل بر ده فصل است. مقالات و تبصره های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در مورد دهه دوم اشغال کشور عزیز درین کتاب مرتب شده است.

امور چاپ و ترتیب این کتاب را اداره تالیف و ترجمه کمیسیون امور فرهنگی امارت اسلامی انجام داده است و در کاغذ سفید به شکل مجلد در ۳٦۷ صفحات، تازه به زیور چاپ آراسته شده است.